

ویژه نامه

همایش ملی

شهید سلیمان و کتب انشطار و مفاوت



مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی
دفتر مطبوعه و نشر آیات استنادی امام‌زاده‌ای روحانی



بنیاد فرهنگ و نشر شهید سلیمان
SOLEIMANY.IR



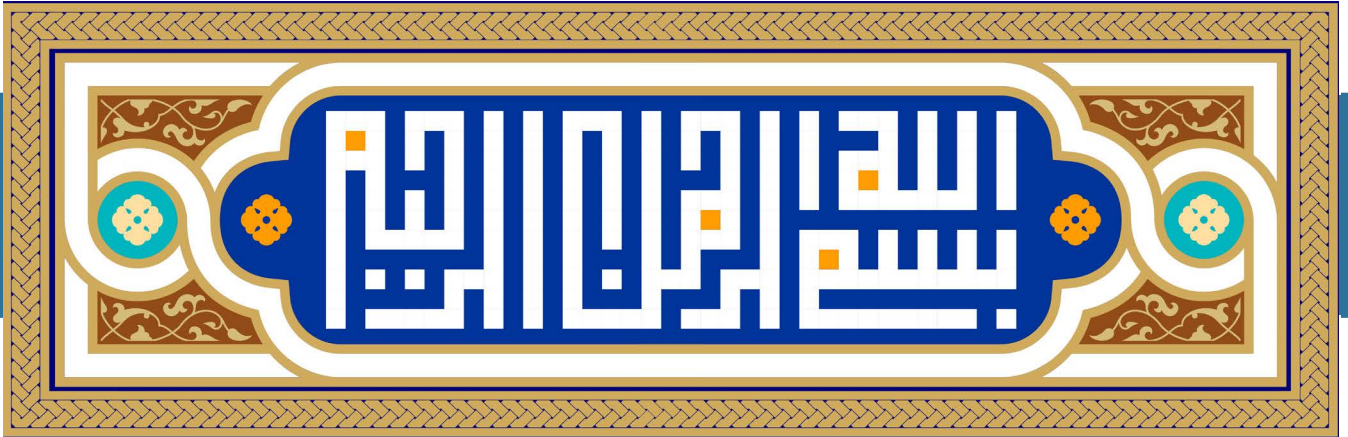
کد اختصاصی
۰۰۲۱۱-۳۱۰۹۸



پژوهشی و علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشگاه و مرکز آیت‌پژوهی



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
المعهد العالي للعلوم و الثقافة الإسلامية
Islamic Sciences and Culture Academy



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

همایش ملی

« شهید سلیمانی و مکتب انتظار و مقاومت »

تهیه و تنظیم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سر دبیر: محمدرضا قربان زاده



فهرست

- شورای علمی همایش..... ۵
- معرفی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی..... ۷
- اهداف و محورها..... ۹
- چکیده مقالات..... ۱۳
- کرسی‌ها و نشست‌ها..... ۲۱
- پوستر کرسی‌های ترویجی همایش..... ۷۸
- شهید سلیمانی از دیدگاه علما و مراجع..... ۸۶
- انعکاس خبری..... ۹۰



ویژه نامه

همایش ملی

شهرید سلیمان و کتب انشطار و محتوا

شورای علمی همایش



رئیس و اعضاء شورای علمی همایش

رئیس همایش:

حجت الاسلام و المسلمین استاد نجف لک زایی
(رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

دبیر علمی همایش:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین الهی نژاد
(رئیس پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی)

دبیر اجرایی همایش:

دکتر سید حامد شاهرخی

اعضای شورای علمی:

حجت الاسلام و المسلمین استاد احمد واعظی
(رئیس دفتر تبلیغات اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی)

حجت الاسلام و المسلمین استاد نجف لک زایی
(رئیس همایش و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین الهی نژاد
(دبیر علمی همایش و رئیس پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی)

دکتر محمد اسحاقی

(معاون پژوهشی مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی)

دکتر حسین اکبری

(معاون بین الملل دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی)

سعید اوضح

(مسئول نظارت و ارزیابی انتشارات بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سلیمانی)

دکتر محمود قاسمی

(مدیر همکاری های پژوهشی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «مد ظله العالی»)

حجت الاسلام و المسلمین حمیدرضا رضایی
(مدیر کل فرهنگی جامعه المصطفی العالمیه)

حجت الاسلام و المسلمین سید حسین اسحاقی
(قائم مقام پژوهش در امور استان های مرکز مدیریت حوزه های علمیه)

دکتر حجت الله ابراهیمیان

(معاون علمی - اجرایی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی)

دکتر جبار شجاعی

(عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع))

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد صابر جعفری
(معاون پژوهش مؤسسه آینده روشن)

حجت الاسلام و المسلمین حسن ملایی

(نماینده مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم)

حجت الاسلام و المسلمین محمد علی حججی

(نماینده انجمن مهدویت حوزه)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا بهروزی لک
(استاد دانشگاه باقر العلوم (ع))

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم کارگر

(عضو هیئت علمی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی)

مسیح لهراسبی

(نماینده ستاد هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر اسدالله کرد فیروزجایی

(پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع))

ویژه نامه

همایش ملی

شهید سلیمان و کتب انشطار و محتوا

معرفی پژوهشکده

مهدویت و آینده پژوهی



موسسه پژوهش‌های اسلامی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشکده «مهدویت و آینده پژوهی»، از سال ۱۳۷۷ فعالیت خود را با نام «مؤسسه فرهنگی انتظار نور»، و سپس «مؤسسه پژوهشی انتظار نور» با محور آموزه مهدویت و با رویکردی آینده‌نگرانه آغاز نمود و اکنون به عنوان یکی از پژوهشکده‌های «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است که رویکرد اصلی آن تحقیق و پژوهش تخصصی و بنیادی در عرصه‌های «مهدویت پژوهی»، «آینده پژوهی دین و دینداری» و «جریان‌شناسی مهدویت» با ابعاد علمی - پژوهشی و تولید دانش و نظریه‌پردازی بوده که با استفاده از منابع دینی، تاریخی و تجربه بشری با رویکردی آینده‌نگرانه و آینده‌پژوهانه دنبال می‌شود. این پژوهشکده تلاش می‌کند تا در راستای اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاهی عمیق و در عین حال کاربردی به مهدویت و مباحث پیرامونی براساس مبانی عقلی و نقلی پردازد. به منظور کاربردی نمودن آموزه مهدویت و طراحی چشم‌انداز و ترسیم فراسو براساس آموزه‌های دینی - اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی در عصر غیبت به انجام رساند، در فعالیت‌های این پژوهشکده نگرش آینده‌پژوهانه لحاظ شده و براساس داده‌های قرآنی و روایی طراحی افق آینده با معیار جامعه مطلوب مهدوی ترسیم می‌شود. پس، همت پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی بر آن خواهد بود تا بتواند با استفاده از شاخص‌ها و ویژگی‌های جامعه فاضله مهدوی با استفاده از روش‌های «آینده‌پژوهی» چشم‌اندازهای مطلوب جامعه اسلامی امروزی را بررسی و افق‌های آینده‌های مطلوب و بدیل را برای جامعه منتظر تدوین نماید.

۱. اهداف

۱. تبیین ابعاد علمی آموزه مهدویت در حوزه‌های مختلف با استفاده از مبانی قرآنی، روایی، کلامی و فلسفی
۲. نظریه‌پردازی و ارائه راهکارهای مناسب برای نظام اسلامی بر اساس آموزه مهدویت و مدینه فاضله مهدوی
۳. پشتیبانی نظری و کاربردی از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با الهام از آرمان‌شهر مهدوی؛
۴. فراهم‌سازی زمینه تبادل نظر و تضارب آراء در تبیین آرمان شهر مهدوی از طریق برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی؛
۵. ترسیم چشم‌اندازهای مطلوب از آینده جهان در راستای تحقق جامعه آرمانی مهدوی؛
۶. ارائه پاسخ‌ها و راهکارهای مهدوی به بحران‌ها و چالش‌های فراروی بشر؛
۷. بومی‌سازی، پردازش و تقویت مطالعات آینده‌پژوهی در حوزه علمیه قم و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با محوریت آموزه مهدویت و انتظار پویا - راهبردی؛
۸. شناخت موقعیت فرهنگی اجتماعی جامعه منتظر و مسائل پیش روی آن، با تاکید بر رویکرد آینده‌پژوهی. رویکرد پژوهشکده

۲. رویکرد پژوهشکده

براساس سیاست و اهدافی که برای پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی تعریف شده است رویکرد پژوهشکده با آنها تنظیم شده و در راستای جامعه مخاطب که دارای تنوع ادیانی و مذاهبی می‌باشند متنوع و گوناگون می‌شود از این رو رویکرد پژوهشکده با نگرش‌های مختلف درون دینی و برون دینی، درون مذهبی و برون مذهبی توجیه شده و براساس اهداف و سیاست پژوهشکده و تنوع رویکردها، پروژه‌ها نیز متفاوت می‌شوند. برخی پروژه‌ها با نگرش مذهبی و برخی دیگر با نگرش تقریبی و بعضی‌ها با رویکرد تطبیقی و بعضی دیگر با نگاه بین‌الادیانی و بین‌المذاهبی تحقیق و پژوهش می‌شوند. پس از آنجایی که اندیشه منجی‌گرایی و مهدویت یک اندیشه فراگیر و بین‌الادیانی است ضروری است برای توجیه و تفسیر آن از رویکردهای مختلف با نگرش‌های گوناگون استفاده شود.

۳. گروه‌های پژوهشی

۳-۱. گروه مهدویت پژوهی

گروه مهدویت پژوهی، گروه علمی پژوهشی است که در صدد است با بهره‌گیری از مبانی کلامی، فلسفی، عرفانی، فرهنگی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و... به بررسی و تبیین مباحث مهدویت با نگرش کاربردی و بنیادین در گستره مباحث کلی و جزئی، درجه یک و درجه دو و بیرونی و درونی می‌پردازد.

۳-۲. گروه آینده‌پژوهی دین و دینداری

با توجه به ارتباط عمیق بین آینده‌پژوهی و آموزه مهدویت در اندیشه اسلامی، گروه آینده‌پژوهی، گروهی علمی پژوهشی است که به بررسی و تبیین بنیادهای آینده‌پژوهی براساس مبانی اسلامی می‌پردازد. مهمترین ماموریت این گروه شناسایی و کشف و بومی‌سازی دانش نوین‌یاد آینده‌پژوهی در حوزه مباحث دینی و مباحث مهدویت خواهد بود.

۳-۳. گروه جریان‌شناسی مهدویت

جریان‌شناسی مهدویت حوزه‌ای است که به شناخت جریان‌ها و فرقه‌ها در عرصه مهدویت می‌پردازد. به بیان دیگر جریان، همان حرکتی است که در جامعه براساس معیار خاصی شکل می‌گیرد و تحولاتی را به همراه می‌آورد. جریان‌شناسی یک جریان نیز، مطالعه چگونگی شکل‌گیری آن و شناسایی عواملی است که به گونه‌ای با آن درگیرند. جریان‌شناسی به دو بخش شناخت جریان‌های مثبت و منفی تقسیم می‌شود که البته هدف در این حوزه بیشتر قسم دوم یعنی جریان‌های منفی است؛ یعنی جریان‌هایی که نوع فعالیت آنها اثرات نامطلوبی در حوزه مهدویت ایجاد می‌کند و با ارزش‌های پذیرفته‌شده مهدویت همخوانی ندارد؛ نظیر جریان باییت، بهائیت، مدعی یمانی، مدعی سودانی و... که در این گروه علاوه بر شناسایی گروه‌های انحرافی مهدویت، به عوامل و بسترهای اجتماعی و فرهنگی و تمدنی که زمینه‌ساز شکل‌گیری آنها می‌شود پرداخته خواهد شد.

ویژه نامه

همایش ملی

شهید سلیمان و کتب انشطار و محتوا

اهداف و محورها

اهداف و محورهای همایش ملی

« شهید سلیمانی و مکتب انتظار و مقاومت »

نهادها و یا مؤسسات همکار و مشارکت کننده:

۱. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله))
۲. بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی
۳. مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران
۴. جامعه المصطفی العالمیه
۵. مرکز مدیریت حوزه های علمیه
۶. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
۷. دانشگاه امام صادق (ع)
۸. مؤسسه آینده روشن
۹. مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
۱۰. انجمن علمی مهدویت حوزه
۱۱. جامعه الزهرا (س)

اهداف همایش:

۱. فراهم آوری علمی در بسترسازی شبکه های اجتماعی، رسانه و فیلم،
۲. فراهم آوری علمی در بسترسازی تعلیمات شهید سلمانی در حوزه های آموزش و پژوهش
۳. تداوم و ماندگاری افکار و اندیشه شهید سلیمانی در جامعه
۴. تبیین ظرفیت های راهبردی انتظار در شکل گیری اندیشه شهید سلیمانی؛
۵. تهیه نقشه راه جبهه مقاومت اسلامی براساس فرهنگ انتظار؛
۶. تدوین و ارائه چشم انداز بیست ساله جبهه مقاومت اسلامی براساس فرهنگ انتظار؛
۷. بررسی پیوندها و اشتراکات فرهنگ انتظار و مقاومت در مکتب سلیمانی؛
۸. بررسی و تبیین راه های تداوم مکتب سلیمانی در جامعه منتظر؛
۹. کاربردی و عملیاتی کردن مکتب سلیمانی برای امت اسلامی و زمینه سازان ظهور امام زمان (عج)؛
۱۰. تبیین جایگاه والای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) در شکل گیری جبهه مقاومت و فرهنگ راستین انتظار پویا؛
۱۱. ارائه سیاست ها و راهبردهای جبهه مقاومت برای زمینه سازی ظهور امام زمان (عج)؛
۱۲. تبیین نقش انتظار در تعالی و تثبیت روح مقاومت برای گام دوم انقلاب؛
۱۳. ارائه راهبردهای منبعث از انتظار برای احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد مقاومت.

امروز در جهان اسلام و در جغرافیای کشورهای مقاومت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان نماد دفاع و مقاومت شناخته می شود. شهید حاج قاسم سلیمانی به روایت مقام معظم رهبری (دامت برکاته) یک فرد نیست بلکه یک مکتب و نماد مقاومت است «ملت ایران نشان داد از خط مجاهدت شجاعانه دفاع می کند و به نمادهای مقاومت عشق می ورزد و طرفدار مقاومت است ... به حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس عزیز به عنوان یک فرد نگاه نکنیم به عنوان مکتب نگاه کنیم».

اندیشه شهید سلیمانی که دارای شاخصه هایی نظیر؛ انقلابی گری، ولایت مداری، استکبارستیزی و استقامت ورزی است پیام آور «مقاومت» در برابر مستکبران و زورمداران جهان و «انتظار» برای رسیدن به طلوع خورشید ولایت عظمای امام زمان (عج) می باشد. راه شهید سلیمانی، امری ماندگار و بالنده و پویاست که شامل فرهنگ انتظار، فرهنگ انقلابی، فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ انسانیت و معنویت، فرهنگ یک رنگی و اتحاد و فرهنگ پیروزی و دشمن ستیزی است.

در اندیشه شهید سلیمانی مؤلفه انتظار و مقاومت رابطه دو سویه داشته و انتظار بسترساز مقاومت و مقاومت زمینه ساز آمادگی برای تحقق ظهور و جامعه مطلوب مهدوی با تمامی قوا و امکانات و شجاعت و تدبیر است.

فرهنگ مقاومت و انتظار در مدرسه سلیمانی دارای ظرفیتی است که می تواند راهبردی برای ساختن جامعه تراز مهدوی باشد و جامعه منتظر را به سرحد کمال سیاسی و اجتماعی و فرهنگی رهنمون شود که نهایت آن ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت جهانی است.

اهتمام جایگاه مدرسه و مکتب سلیمانی و نقش تأثیرگذار مؤلفه های بارز آن نظیر انتظار و مقاومت در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان، می طلبد نشست ها، کرسی ها و همایش های علمی مختلفی جهت بازشناسی و معرفی ابعاد گوناگون آن برگزار گردد. از این رو «پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی» پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، همایش ملی «شهید سلیمانی و مکتب انتظار و مقاومت» را برگزار خواهد کرد.

بی شک جهت هرچه بهتر برگزار شدن همایش و هرچه بهتر ارائه شدن اندیشه و مکتب سلیمانی به مسلمانان جهان بالأخص کشورهای محور مقاومت، حضور فراگیر و همه جانبه همه مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی لازم و ضروری است.

محورهای همایش:

یک. مقدمات و مفاهیم فرهنگ انتظار در اندیشه شهید سلیمانی:

۱. مفهوم شناسی اندیشه شهید سلیمانی و مؤلفه های آن؛
۲. کارکرد شناختی مکتب انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۳. کارکرد شناختی راهبرد مقاومت در اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. غایت شناختی انتظار و مقاومت در مدرسه شهید سلیمانی؛
۵. تحلیل شناختی رابطه فرهنگ انتظار و مقاومت در اندیشه شهید سلیمانی؛
۶. ضرورت شناختی تعامل فرهنگ انتظار و مقاومت در مسلک شهید سلیمانی؛
۷. فلسفه و چرایی گرایش به فرهنگ انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۸. تکیه بر نسل جوان در مکتب شهید سلیمانی و فرهنگ انتظار.

دو. مبانی و شاخصه های انتظار راهبردی در اندیشه سلیمانی:

۱. مبانی و شاخصه های اعتقادی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۲. مبانی و شاخصه های سیاسی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۳. مبانی و شاخصه های فرهنگی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. مبانی و شاخصه های نظامی و امنیتی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۵. مبانی و شاخصه های جامعه شناختی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۶. مبانی و شاخصه های تمدنی انتظار راهبردی در اندیشه شهید سلیمانی؛
۷. مبانی و شاخصه های شکل گیری مقاومت در بستر فرهنگ انتظار.

سه. شخصیت شناسی سردار سلیمانی بر اساس آموزه انتظار:

۱. شهید سلیمانی انسانی در تراز انقلاب اسلامی؛
۲. شهید سلیمانی انسانی در تراز منتظر واقعی؛
۳. تعهدمداری و مسئولیت پذیری در مسلک شهید سلیمانی؛
۴. مهرورزی بر مردم، سخت گیری با دشمن در مرام شهید سلیمانی؛
۵. شهید سلیمانی، تجسم اخلاص و بصیرت؛
۶. شهید سلیمانی، جلوه ای از ایمان و پارسایی؛
۷. شهید سلیمانی، نماد شجاعت و تدبیر در میدان عمل؛
۸. کار و تلاش جهادی در سیره شهید سلیمانی؛
۹. شهید سلیمانی، نماد محبوبیت و مقبولیت مردمی؛
۱۰. شهید سلیمانی الگوی تربیت مدیران جهادی؛
۱۱. تعبد و تعهد در مسلک شهید سلیمانی؛

۱۲. ساده زیستی و پرهیز از اشرافی گری در سیره شهید سلیمانی.

چهار. شهید سلیمانی و جایگاه راهبرد انتظار:

۱. ظرفیت شناسی اعتقادی انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۲. ظرفیت شناسی سیاسی انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۳. ظرفیت شناسی فرهنگی انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. ظرفیت شناسی ارزشی و رفتاری انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۵. نقش الگویی مکتب شهید سلیمانی در مهندسی فرهنگ انتظار و مقاومت؛
۶. ظرفیت شناسی اجتماعی انتظار در مسلک شهید سلیمانی؛
۷. نقش الگویی مکتب شهید سلیمانی در تربیت نسل منتظر تراز تمدن نوین اسلامی؛
۸. ظرفیت شناسی اخلاقی و معنوی انتظار در مسلک شهید سلیمانی؛
۹. طراحی الگوی تحول مدیریت رسانه ای در فرهنگ انتظار مبتنی بر اندیشه شهید سلیمانی؛
۱۰. ظرفیت شناسی نظامی انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۱۱. نقش الگویی مکتب شهید سلیمانی در خط مشی گذاری فرهنگی در عرصه انتظار و مقاومت.

پنج. شهید سلیمانی و جایگاه راهبرد مقاومت:

۱. ابعاد مختلف مقاومت منتظرانه در مرام سلیمانی؛
۲. انقلاب اسلامی و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی؛
۳. دفاع مقدس و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی؛
۴. دفاع از حرم اهل بیت (ع) و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی؛
۵. مبارزه با گروه های تکفیری و مقاومت منتظرانه در مرام سلیمانی؛
۶. تشکیل جبهه مقاومت جهانی و انتظار پویا در مرام سلیمانی؛
۷. تمدن اسلامی و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی؛
۸. زمینه سازی ظهور و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی؛
۹. شرایط ظهور و مقاومت منتظرانه در مسلک سلیمانی.
۱۰. آسیب شناسی راهبرد مقاومت در مرام سلیمانی؛

شش. نقش دو سویه انتظار و مقاومت در اندیشه سلیمانی:

۱. نقش انتظار در شکل گیری مقاومت و تداوم آن؛
۲. انتظار عامل مقاومت و مقاومت غایت انتظار؛
۳. آرمان گرایی فرهنگ انتظار و مقاومت در اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. الگوگیری قرآنی انتظار و مقاومت در مرام سلیمانی؛
۵. الگوگیری روایی انتظار و مقاومت در مرام شهید سلیمانی؛
۶. شکل گیری مقدمات حکومت صالحان در پرتو فرهنگ انتظار و مقاومت؛
۷. آینده نگری و آینده سازی با کاربردی فرهنگ انتظار و راهبرد مقاومت؛

۸. دشمن شناسی و دشمن ستیزی در پرتو فرهنگ انتظار و مقاومت؛
۹. اقتدار و توانمندی در پرتو فرهنگ انتظار و مقاومت؛
۱۰. عینی سازی و کاربردی کردن فرهنگ انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی.

هفت. مکتب سلیمانی، برآمده از مکتب امامین انقلاب اسلامی:

۱. ولایتمداری شهید سلیمانی از امامین انقلاب؛
۲. همراهی و تبعیت شهید سلیمانی از امامین انقلاب؛
۳. تکلیف گرایی و مسئولیت پذیری شهید سلیمانی؛
۴. حضور در صحنه و انقلابی گری شهید سلیمانی؛
۵. التزام عملی و قولی شهید سلیمانی نسبت به ولایت فقیه؛
۶. احیای فرهنگ جهاد و ایثار در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی؛
۷. احیای فرهنگ مقاومت در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی؛
۸. احیای بیداری اسلامی در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی؛
۹. احیای خود اتکایی و استقلال در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی؛
۱۰. احیای هویت دینی در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی.

هشت. اندیشه سلیمانی، پیام آور اتحاد و همبستگی مسلمانان جهان:

۱. جهانی سازی مکتب مقاومت و انتظار در اندیشه شهید سلیمانی؛
۲. الهام بخشی و امید آفرینی فرهنگ انتظار و مقاومت در اندیشه شهید سلیمانی؛
۳. امت گرایی و تکیه بر عزت و عظمت امت اسلامی در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. تشکیل جبهه مقاومت صالحان اسلامی در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۵. وحدت تشیع و تسنن، در راه یافتن به آینده روشن در مکتب شهید سلیمانی؛
۶. نجات بخشی و یاری مظلوم در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۷. هویت بخشی اسلامی و انگیزه مقاومت در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۸. بازسازی قدرت درونی مسلمانان در فرهنگ انتظار و اندیشه سلیمانی؛
۹. نهادینه سازی فرهنگ انتظار و مقاومت در خارمیان در پرتو مسلک شهید سلیمانی؛
۱۰. مبارزه با جریان نفاق و انحراف در جامعه اسلامی در فرهنگ

انتظار و مکتب شهید سلیمانی.

- نه. اندیشه شهید سلیمانی، الگو بخش استکبار ستیزی و ظلم ستیزی؛
۱. مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۲. انتظار و مقاومت سلاح کارآمد در مبارزه با استکبار جهانی؛
۳. زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۴. نفرت و برائت از استکبار در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی؛
۵. دفاع از مظلومان و مستضعفان در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۶. تلاش برای عبور از نظام ظالمانه در فرهنگ انتظار و اندیشه شهید سلیمانی.

ده. آمادگی و زمینه سازی ظهور در پرتو مکتب سلیمانی:

۱. زمینه سازی ظهور در پرتو فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۲. زمینه سازی ظهور در پرتو راهبرد مقاومت و مکتب شهید سلیمانی؛
۳. ایثار و جهاد زمینه ساز ظهور در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۴. انسجام و اتحاد مسلمانان زمینه ساز ظهور در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۵. مدیریت جهادی و انقلابی زمینه ساز ظهور در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۶. معنویت اخلاق محور زمینه ساز ظهور در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی؛
۷. مکتب شهید سلیمانی و تعمیق رغبت اجتماعی به ظهور؛
۸. نقش کاربزمایی شهید سلیمانی در الگو بخشی جامعه به سوی آمادگی ظهور.

ویژه نامه

همایش ملی

شهادت سلیمان و کتب انضباطی و محتوا و روش

چکیده مقالات



نجف لک‌زایی (استاد دانشگاه باقرالعلوم)، محمد شهبازیان (استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

تحلیل قرآنی رابطه انتظار و مقاومت اسلامی در مکتب شهید سلیمانی

مقاله حاضر تلاش کرده است به روش تلفیقی و آمیزه‌ای و روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی، پس از بررسی پیوند میان حکمرانی مقاومتی و انتظار، جایگاه ارکان حرکت در آن و معنای حکمرانی مقاومتی، به مؤلفه‌های قرآنی این حکمرانی اشاره و تجلی آن در سیره شهید سلیمانی را بررسی نماید.

نگرش حکمت متعالیه به مدل حاکمیت در جامعه و مباحث مرتبط با مقوله «حرکت» در فلسفه اسلامی، به گونه‌ای از حکمرانی می‌پردازد که می‌توان از آن به «حکمرانی مقاومت» نام برد.

بر این اساس برگرفته از این پژوهش می‌توان گفت حکمرانی مقاومت از لوازم انتظار متعالی و مبتنی بر قواعد حرکت در حکمت متعالیه بوده و دارای پنج مؤلفه اساسی «توحیدمحوری»، «اعتقاد به ولایت فقیه جامع‌الشرائط»، «استقامت و صبر»، «عقلانیت دینی و تدبیر» و «نگاه الهی به نوع بشر» برگرفته از آیات الهی است.

همچنین شهید سلیمانی به عنوان انسان تراز مکتب امام خمینی، این مدل از حاکمیت مقاومتی را در بالاترین سطح در منطقه اجرا نمود و شاهد آن، تشکیل شبکه‌ای از مقاومت در عرصه بین‌الملل است.

شمس‌الله مریجی (استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم و معاون آموزش دفتر تبلیغات اسلامی)

مواجهه فرهنگ انتظار و مکتب حاج قاسم با چالش نسبیت ارزش‌ها



از زمانی که در مغرب‌زمین ایده روشنفکری، اندیشه مسلط در امور علمی و عملی جامعه شده و اندیشمندان غربی با تأکید بر عقل خودبنیاد دیگران را خرافه انگاشتند، مکاتب و رویکردهای تقلیل‌گرایانه ارزشی ظهور و بروز کرده‌اند که باورها و ارزش‌ها را محدود در حصار زمان و مکان نموده، سخن از نسبیت ارزشی و فرهنگ و به تبع آن تباین جوامع به میان آورده می‌شود.

این در حالی است که از نظرگاه اسلام و البته سایر ادیان الهی تحریف نشده، نباید ارزش‌های قوام‌بخش فرهنگ و تشکیل‌دهنده جامعه انسانی را با نگاه تقلیل‌گرایانه مطمح نظر قرار داد و از ارزش‌های مطلق که ریشه در واقعیت نفس‌الامری دارند، غافل شد؛ چه اینکه تنها در پرتو ارزش‌های مطلق و جهان‌شمول است که امید به جامعه و حکومت واحد مهدوی را در دل منتظران زنده نگه داشته، حرکت تکاملی بشر را هموار خواهد ساخت.

هدف نگارنده آن است که اولاً با رویکردی جامعه‌شناختی ارزش‌های حاکم بر جوامع را مطمح نظر قرار داده، با استفاده از داده‌ای اجتماعی نشان دهد در عرصه نظر ارزش‌ها یا همان عناصر قوام‌بخش فرهنگ، تنها محصور و محدود به نوع خاصی از ارزش‌ها نیست و نباید با نگاهی تقلیل‌گرایانه از واقعیت موجود در عرصه علم و عمل غافل شده، امید افراد را کمرنگ نمود و مانع حرکت تکاملی در جامعه بشری گردید.

ثانیاً در عرصه عمل نیز با توجه به واقعیت‌های اجتماعی غیرقابل انکار ایده نسبیت ارزشی را به چالش کشیده، نشان دهیم ایده روشنفکری توان انکار وجود ارزش‌های مطلق و جهان‌شمول را ندارد.

در این عرصه نیز از فرهنگ انتظار حکومت مهدوی از یک سو و مکتب زنده سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی از سوی دیگر بهره خواهیم گرفت.



حسین الهی نژاد (رئیس پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی)

مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

در عصر غیبت مصاف حق و باطل در فضای انتظار با رهبری ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان (عج) صورت می‌گیرد. در دوران معاصر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به عنوان امامین انقلاب با همراهی مردم و رزمندگان اسلام در رأس آنها شهید حاج قاسم سلیمانی در برابر استکبار جهانی و اذناپشان ایستاده و مصاف حق علیه باطل را رقم زده‌اند. مکتب شهید سلیمانی که برگرفته از مکتب امامین انقلاب است، با بهره‌گیری از شاخصه‌های انتظار نظیر امیدواری، بالندگی، مقاومت، تاب‌آوری و... سبک و روش خاصی را در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی به نمایش گذاشته است. در این نوشتار با طرح پرسشی از کیفیت رابطه میان مکتب شهید سلیمانی با انتظار در مصاف حق و باطل به پژوهش پرداخته، با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی همراه با پردازش داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی تحقیق می‌شود. اهداف و دستاورد این پژوهش الگودهی و شجاعت‌بخشی به مردم ایران و خاورمیانه در مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و نهادینه‌سازی فرهنگ مبارزه در میان مسلمانان و جوامع اسلامی با رویکرد ملی و فراملی می‌باشد.

سعید روستا آزاد (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاون فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی)



الگوی سردار سلیمانی در بصیرت‌افزایی منتظران

فیلسوفان اخلاق یکی از راه‌های تربیت و گسترش اخلاق در سطوح فردی و اجتماعی را توجه به الگوهای اخلاقی می‌دانند. ارائه الگو برخاسته از نیاز انسان به مصداق و تحقق عینی تئوری است. الگو در هدایت بخشی و تشخیص مسیر درست زندگی و افزایش بصیرت در فهم حقیقت و عمل به آن نقشی تأثیرگذار دارد. به همین جهت قرآن کریم رسول خدا (ص) و حضرت ابراهیم (ع) و همراهان ایشان را اسوه نیکو معرفی کرده است. مسئله اصلی در این نوشتار آن است که مکتب شهید سلیمانی چه آورده‌ای برای رشد معرفت و عمل اجتماعی که موجب رشد جامعه منتظر می‌شود، داشته است و ایشان چگونه توانست اعتماد عمومی را در سطوح مختلف و متنوع جامعه جذب کند؟ آیا می‌توان به این الگودست یافت؟ به نظر می‌رسد در دو سطح می‌توان به الگو بودن مکتب شهید سلیمانی پرداخت: سطح اول معیارهای شخصیتی و منشی شهید است که توانست برای نظام و آرمان‌های بلند امام سرمایه اجتماعی تولید کند. این مقاله به سه ویژگی فردی شهید سلیمانی پرداخته است: اخلاص و عبودیت؛ رابطه با اهل بیت (ع)، تواضع و فروتنی. تقیید به اخلاقی زیستن در همه لحظات زندگی و مواجهه خردمندانه و دین‌باورانه در حل تزااحات اخلاقی از خصوصیات فردی و برجسته این شهید بزرگوار است. سطح دوم عمل اجتماعی شهید سلیمانی در عرصه ملی است. در عرصه ملی ایشان فردی انقلابی، غیر جناحی و شکل‌دهنده رابطه میان مردم و ولایت فقیه بود. تعامل با دگران‌دیشان، تلاش برای کم‌کردن فاصله‌های ساخته‌شده و بلوک‌بندی‌های موهومی در جامعه از ویژگی‌های اساسی عمل اجتماعی ایشان است. نویسنده معتقد است این نوع مدل رفتار جمعی شهید سلیمانی می‌تواند جامعه ما را تا حدود زیادی از مشکلات برهاند و به وحدت بر محور ولایت فقیه نزدیک‌تر سازد. در جمع‌بندی این سطح می‌توان گفت الگوی شهید سلیمانی می‌تواند دست‌کم در دو زمینه برای جامعه منتظر آورده داشته باشد: «ولایت‌پذیری» و «اجتماع قلوب». شهید سلیمانی با این دوروش هم بصیرت‌افزایی کرد و هم توانست رابطه میان آحاد جامعه و نیز رابطه میان امت و امام را به زیبایی ترسیم و تحکیم کند.



حمیدرضا مطهری دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مدیر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت

نقش انسجام و انتظار در امت‌گرایی در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

مقاله پیش رو در صدد تبیین مسئله انتظار و انسجام در تشکیل امت اسلامی با تأکید بر سیره و گفتار شهید سلیمانی است. این نوشتار با استفاده از منابع تاریخی و روایی و به شیوه تحلیل تاریخی بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که انسجام و انتظار در فرهنگ اهل بیت: چه نقشی در امت‌گرایی داشته و ائمه (ع) تا چه اندازه به آن توجه داشته‌اند و شخصیت‌های مهم و اثرگذار مسلمانان مانند شهید سلیمانی تا چه اندازه به سیره اهل بیت (ع) در تحقق امت‌گرایی توجه کرده و راهکارهای آن بزرگان را به کار گرفته‌اند؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که انسجام به عنوان راهبرد حفظ اتحاد و همگرایی و تثبیت‌کننده امور و انتظار به عنوان عامل امیدآفرین و پیشران در جامعه اسلامی و در فرهنگ اهل بیت (ع) نقش بسیار مهمی در امت‌گرایی داشته و چهره‌هایی مانند شهید سلیمانی به پیروی از اهل بیت: این دو عامل مهم را در نظر داشته، آنها را به عنوان عوامل قوام‌دهنده به امت اسلامی به کار می‌گرفتند.

مختار شیخ حسینی (استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)



تحلیل زمینه‌های بحران هویت در جهان اسلام معاصر و نقش شهید سلیمانی در احیای هویت مقاومت محور

به لحاظ فکری جهان اسلام در تاریخ معاصر از بحران‌های مختلفی رنج می‌برد که یکی از مهم‌ترین آنها بحران هویت است. در پرتو این بحران، انسان مسلمان معاصر در بخش‌هایی از جهان اسلام نتوانسته است همزمان نسبت منطقی بین تراث و معاصرت از سویی و نگاه به آینده از سوی دیگر برقرار نماید. یکی از مهم‌ترین عوامل تثبیت و نهادینه شدن این بحران ازدست رفتن اعتماد به نفس مسلمانان در مواجهه‌های مستقیم با رقیب تمدنی شان یعنی غرب بوده است که پس از تجربه استعمار مستقیم و غیرمستقیم، انسان مسلمان اعتماد به نفس برای تصمیم‌گیری مستقلانه را از دست داد و با ورود بخشی از ایدئولوژی‌های جدید این شکنندگی به لحاظ فکری نیز آن را تکمیل نمود. درهم‌کنش این عدم ثبات فکری و شکست‌های عینی به تثبیت بحران هویت منجر شد؛ لذا در حوادث مهمی مانند مسئله فلسطین یا قدرت‌یابی داعش، مسلمانان نیازمند اعتماد به نفسی هستند که براساس آن، باورمندی توان غلبه بر مشکل را به دست آورند. صورت‌بندی فکری گفتمان مقاومت و موفقیت‌های عملی آن در سال‌های اخیر با مدیریت شهید سلیمانی باعث احیا و بازیابی این اعتماد به نفس شد تا در پرتو آن، انسان مسلمان معاصر به احیای هویت و بازیابی اعتماد به نفس در توانایی مواجهه با رقیب خود پردازد. از این رو دغدغه این مقاله تحلیل زمینه‌های بحران هویت و سهم گفتمان مقاومت شهید سلیمانی در احیای هویت مقاومت محور است که با روش تحلیلی به آن پرداخته می‌شود.



غلام رضا بهروزی لک (استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم)

ظرفیت‌های الگویی حدیث قیام مردی از قم و یاران وی در تبیین الگوی انتظار پویا و آمادگی برای ظهور منجی موعود با تأکید بر سیره شهید سلیمانی

روایات فراوانی در ستایش یاران ویژه حضرت مهدی # وارد شده است. یکی از این مؤلفه‌ها جایگاه ایرانیان به ویژه شهر قم در ظهور و قیام حضرت می‌باشد. در طول تاریخ شیعه همواره قم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و امروزه نیز چنان‌که در روایت پیشگویانه امام صادق ۷ آمده است، به عنوان مرکز علمی جهان تشیع شناخته شده است. این شهر در فرهنگ مهدویت بر اساس روایات خاصی که در این حوزه وجود دارد، موقعیت ممتازی پیدا کرده است؛ به نحوی که در برخی از روایات فلسفه نامگذاری این شهر را با نام حضرت (قائم برحق) مناسب می‌دانند. طبق روایتی که حسن بن محمد اشعری قمی در کتاب تاریخ قم از امام کاظم ۷ نقل می‌کند، مردی از قم قیام می‌کند و مردم را به حق دعوت می‌کند.

یارانی با صفات و ویژگی‌های بارز دور او جمع می‌شوند و وی را یاری می‌کنند. صفات و ویژگی‌های مطرح برای یاران قیام قم فراتر از بحث اعتبار سندی این روایت، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و کاملاً قابل قبول می‌باشد. با چنین فرضی می‌توان این صفات را صفات قابل طرح برای یاران حضرت ولی عصر # دانست. همراهی حاج قاسم سلیمانی با قیام حضرت امام # از این منظر قابل بررسی است. با تطبیق شاخص‌های مذکور در روایت بر سیره حاج قاسم سلیمانی می‌توان این صفات را شاخص‌های مهم مهدی‌یآوری برای جامعه امروز برشمرد. این صفات و ویژگی‌ها عبارت‌اند از: همراهی با رهبر (یجمع مع قوم)؛ محکم و قوی بودن (کزبر الحدید)؛ ایستادگی و مقاومت (لا تزلهم الریاح العواصف)؛ خستگی‌ناپذیری در جهاد (لا یملون من الحرب)؛ عدم ترس از دشمنان (لا یجبنون)؛ توکل بر خدا (و علی الله یتوکلون)؛ خوش عاقبتی (و العاقبة للمتقین). تجلی این صفات در یک الگو و قهرمان ملی چون حاج قاسم سلیمانی می‌تواند به راحتی و سهولت در فرایند جامعه‌پذیرسازی فرهنگ مهدویت قرار گیرد و به عملیاتی‌سازی شاخص‌ها و ویژگی‌های انتظار پویا در جامعه امروز کمک کند. نهایتاً در نظام جامع شاخص‌های انتظار پویا، برجستگی این شاخص‌ها می‌تواند به عنوان خطوط راهنمای کلی انتظار پویا در شرایط کنونی عمل نمایند.

علی زینتی (دانشیار و عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه)



طراحی الگوی مدیریت جهادی در فرهنگ انتظار مبنی بر مکتب شهید سلیمانی

تحقیق پیش رو به منظور دستیابی به هدف خود یعنی زمینه‌سازی تحقق این الگوی مدیریتی، از روش فیش برداری در جمع‌آوری اطلاعات و روش توصیف و تحلیل در پردازش اطلاعات بهره گرفت و بر مبنای روش شناختی مطالعات راهبردی جهت کشف اصول و مبانی الگو، استخراج رسالت و اهداف آن و در نهایت به ارائه راهبردهای دستیابی به الگوی مدیریت جهادی اقدام کرد و به یافته‌های زیر دست یافت. این نوشته اصول و مبانی مدیریت جهادی در فرهنگ انتظار مبتنی بر مکتب شهید را اعتقاد به فراگیری ارزش‌ها و مکارم اخلاق، استقرار حکومت جهانی الهی، استکبارستیزی، قانون‌مداری، معنویت محوری، انگیزه والای الهی و همت بالا، حاکمیت روحیه جهادی و ایثارگری، گذشت و خستگی‌ناپذیری و بهره‌مند از ساختار و تشکیلات هدفدار و منطقی می‌داند. همچنان‌که اهداف و رسالت این الگورا تشکیل حکومت الهی، تحقق عدالت فراگیر، اعتلای ایمانی، اخلاقی، علمی و فکری جامعه، بسط همدلی و امنیت فراگیر تشخیص داده و جهت تحقق اهداف و رسالت‌های فوق راهبردهای زیر را مؤثر و کارآمد می‌شمارد:

- تربیت انسان تراز مهدوی؛ - ترویج و استقرار روحیه خدمتگزاری به جای کارگزاری؛ - ترویج ارزشمندی ذاتی کار، تولید و خدمت همراه با اخلاص و اتقان؛ - ابتنا اعمال خدمتگزاران بر ایمان و ولایت‌پذیری؛ - نوآوری دانشی و پشتوانه علمی همراه با اعتقاد به تأثیر اخروی آنها؛ - انحصار فعالیت‌ها در عمل صالح؛ - انحصار انگیزه عمل بر عبادت و بندگی؛ - تکریم مردم به عنوان ولی نعمت و تکیه بر توان و حضور فعال کریمانه آنها در میدان؛ - مقدم داشتن دیگران بر خود.



محمود قاسمی قلعه بهمن (محقق و پژوهشگر مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

مقایسه تطبیقی مکتب امام خمینی (ره) و مکتب شهید سلیمانی در دستگاه معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی تلاش شده است ضمن تبیین جوهره و ابعاد مکتب امام خمینی؛ در دستگاه معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) به توسعه و بازسازی مفهومی مکتب شهید سلیمانی با الگوی نامتوازن تطبیقی پرداخته و امتداد ذهنی و عینی مکتب تربیتی امام در شخصیت و سیره شهید سلیمانی نشان داده شود. در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی میان خط شهدا با خط امام راحل، رابطه و نسبت این‌همانی وجود دارد و این همان نسبتی است که معظم‌له آن را در مورد سید شهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی مطرح کرده است. در این مقاله نشان داده می‌شود شهید سلیمانی به عنوان پیرو مکتب امام خمینی، اسلام ناب تجلی یافته در رفتار و گفتار امام را پیگیری کرده و آن را تجلی بخشیده است. در اندیشه انقلاب اسلامی چنین انسان‌های تربیت یافته در مکتب اسلام ناب محمدی می‌توانند انسان‌های مکتب ساز و نقش آفرین در برابر سلطه استکباری باشند.

علیرضا صدرا (استاد و هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)



انتظار انقلابی، مقاومت کارآمد

مقاله پیش رو به موضوع مکتب سلیمانی، مکتب مقاومت و منتظر پرداخته است و مسئله علمی آن تبیین علمی و ترسیم عملی به منظور ترویج عمومی و تحقق عینی انتظار انقلابی، مقاومت کارآمد آفرین در گام دوم انقلابی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این مقاله با پاسخ به این پرسش که انتظار انقلابی مقاومت کارآمد چیست، در صدد تبیین انتظار انقلابی و نقش آن در مقاومت کارآمد گام اول در گام دوم انقلاب است. روش تحقیق آن تحلیل متن و تحلیل محتوایی مکتب سلیمانی، انتظار انقلابی و دولت سازی کارآمد گام دوم و آثار و آرای مربوطه است. پیش فرض مقاله آن است که انتظار انقلابی مقاومت کارآمد، جهاد اصغر دفاعی گام اول قابل تداوم، تسری و الگوگیری در چشم انداز دولت سازی اسلامی کارآمد، راهبرد الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت و چشم انداز تمدن سازی نوین اسلامی گام دوم، جهاد اکبر انقلابی اسلامی ایران است. بر اساس یافته‌های این مقاله روشن می‌شود که «انتظار انقلابی، مقاومت کارآمد، برترین الگوی دولت سازی مقاومت کارآمد می‌باشد». دولت سازی مقاومت اسلامی کارآمد، چالش الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهبرد و تمدن سازی زمینه سازی انتظار انقلابی مهدوی چشم انداز گام دوم است. از نتایج اصلی این مقاله بازآوری انتظار انقلابی، مقاومت کارآمد گام اول نظام سازی ملی در گام دوم تمدن سازی نوین اسلامی فراملی می‌باشد. از دولت سازی مقاومت کارآمد انتظار تا الگوسازی پیشرفت زمینه ساز مهدوی است.



امیر سیاهپوش (استادیار دانشگاه معارف اسلامی)

شهید سلیمانی، انسانی در تراز انقلاب اسلامی

هدف تحقیق حاضر شناسایی و تبیین ویژگی‌های شهید سلیمانی به عنوان انسان تراز در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی است. پرسش اصلی این است که این ویژگی‌ها کدام‌اند و چگونه می‌شود آن را شناخت و آیا مصادیق و مستندات در خصوص هر کدام از ویژگی‌ها در سیره و اندیشه شهید سلیمانی قابل شناسایی است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا با تحلیل بیانات امامین انقلاب اسلامی، خصوصیات انسان معیار شناسایی شده است. سپس با مطالعه اندیشه و سیره شهید سلیمانی و برخی شهدای شاخص دفاع مقدس، مصادیق فکری و رفتاری مرتبط با هر خصوصیت ارائه شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد خصوصیات انسان تراز متعدد و متکثرند و در تحقیق حاضر به بخشی از مهم‌ترین این خصوصیات پرداخته شده است. این خصوصیات عبارت‌اند از: آرمان‌گرایی؛ معنویت و اخلاص؛ مجاهدت درونی و مبارزه با نفس؛ تدبیر و درایت؛ شجاعت؛ جمع‌تدبیر و شجاعت؛ عطوفت و دلسوزی؛ ساده‌زیستی و بی‌پیرایگی؛ تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیری؛ دوری از جناح‌گرایی و تکیه بر انقلابی‌گری و صبر و استقامت

زهره نصرت خوارزمی (استادیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران)



شهید سلیمانی و افتراق ترور از ابعاد انسانی مقاومت: تحلیل تماتیک سخنرانی‌های وی در دو سال آخر قبل از ترور

مقاله حاضر با ارائه برخی ابعاد نگاه غرب به جایگاه سپهبد سلیمانی تلاش می‌کند به تولید دانش درون‌گفتمانی از مکتب وی بپردازد؛ چیزی که در فضای ادبیات سیاسی و دانشگاهی غربی کاملاً مغفول واقع شده است.

این مقاله بر سخنرانی‌هایی سپهبد سلیمانی از سال ۱۳۹۶ تا زمان شهادت و متن وصیتنامه او تمرکز کرده است و با استفاده از نرم‌افزار «Atlas.ti» و کدبندی متون، با روش تحلیل تم به احصای تم‌های اصلی و موضوع‌های زیرمجموعه آن بپردازد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد عمده تمرکز شهید سلیمانی بر تعریف مشخصات، پتانسیل‌ها و اهداف و آرمان‌های محور مقاومت معطوف بوده است.

در این مسیر حداقل چهار تم اصلی در گفتمان وی بدین شرح احصا شده است:

- توانمندسازی فردی مقدمه شکل‌گیری جبهه مقاومت؛
- تفوق آرمان‌های فراملی و دغدغه جامعه جهانی؛
- سلسله‌مراتب در ارکان مقاومت؛
- و تأثیرات سازنده و بلندمدت اجتماعی و سیاسی مقاومت.



صدیقه بنازاده ماهانی (طلبه سطح سه تفسیر و علوم قرآنی)، خدیجه حسین زاده (پژوهشگر رشته تفسیر و علوم قرآنی)

تحلیل قرآنی رابطه انتظار و مقاومت اسلامی در مکتب شهید سلیمانی

پژوهش حاضر با هدف ارائه تصویری روشن از رابطه انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق آثار مرتبط، رجوع به زندگینامه و وصیتنامه شهید، سخنرانی‌های وی و مصاحبه‌ها با هم‌زمان، آشنایان و صاحب‌نظران مکتب است. از این رو تحلیل قرآنی آیات، ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که مقاومت دارای عناصر بینشی، گرایشی و رفتاری مؤثر بر انتظار همچون توحید محوری، ولایت‌مداری، شهادت‌طلبی، استکبارستیزی، اقتدار و استقرار حکومت اسلامی است؛ همچنین انتظار عاملی مؤثر در ایجاد بینش اضطراب‌به وجود حجت خدا، تثبیت گرایش عدالت‌خواهی و امیدداشتن به نصرت الهی و استقرار رفتاری مقاومت مانند دفاع از مستضعفان و احیای حاکمیت دین است. بر این اساس مکتب شهید سلیمانی مرکب از خلق محمدی، راه و منش حسینی و شعبه‌ای از مکتب امامین انقلاب است که پیشرانی ظهور و جامعه مطلوب مهدوی را با فرایندسازی توسط شاخصه‌های مقاومت و تاب‌آوری، به سوی انسجام ساختاری و تحول کارکردی پیش می‌برد؛ از این رو انتظار و مقاومت دو مؤلفه و دو فرهنگ قرآنی در این مکتب محسوب می‌شوند و رابطه‌ای دوسویه و تنگاتنگ با هم دارند.

رحیم کارگر (استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)



آینده‌نگری و آینده‌سازی با کار بست فرهنگ انتظار و راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

این مقاله در صدد بررسی ابعاد آینده‌پژوهانه مکتب شهید سلیمانی است که متأثر از فرهنگ انتظار توانسته است راهبرد مقاومت را به عنوان یک بعد اصلی انتظار مورد توجه قرار دهد و با آینده‌نگری و آینده‌سازی خود بسترهای لازم را برای تحقق ارتباط مقاومت با انتظار زمینه‌ساز و در نتیجه نزدیک کردن زمینه‌های ظهور، فراهم سازد. این مقاله با روش اسنادی، مطالب را از منابع مختلف مکتوب و دیجیتال جمع‌آوری کرده و به صورت توصیفی-تحلیلی به تبیین جایگاه راهبرد مقاومت در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی بر اساس ادبیات آینده‌پژوهی پرداخته است. نتایج این مقاله حاکی است فرهنگ انتظار در بعد آینده‌نگری و آینده‌سازی (رویکرد اکتشافی و رویکرد هنجاری) تأثیر بسزایی در شکل‌گیری راهبرد مقاومت در جوامع اسلامی دارد و یکی از اسباب مهم زمینه‌سازی ظهور را در قدرتمندسازی و مقاوم‌سازی امت اسلامی می‌داند. بر این اساس در مکتب شهید سلیمانی هم به تاسی از فرهنگ انتظار با اتخاذ راهبرد مقاومت، نتایج درخشانی به دست آمد و منجر به قدرتمندسازی جامعه اسلامی-و به طور خاص زمینه‌سازان ظهور- گردید. این توانمندسازی جبهه مقاومت در بعد آینده‌نگری و آینده‌سازی شهید سلیمانی به خوبی خود را در صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف نشان داده است.

سید حامد شاه‌رخی (دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی)، عبدالمطلب عبدالله و علی کربلایی پازوکی (دانشیاران و اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه)



مؤلفه‌های ولایت‌مداری در مکتب شهید سلیمانی

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در صدد تبیین این هدف است که اندیشه و عمل شهید سلیمانی باعث ایجاد یک مکتب انسان‌ساز شده است که رهبری معظم انقلاب از آن با عظمت و تکریم فراوان به نام مدرسه و مکتب یاد کردند. این مکتب که برآمده از مکتب امامین انقلاب است، از اصول و مبانی ناب اسلامی همچون ولایت‌مداری و تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌پذیری و حضور در صحنه و التزام عملی نسبت به ولایت فقیه و احیای فرهنگ جهاد و ایثار و مقاومت و... الهام گرفته است. آشنایی و معرفی هرچه بیشتر آن مکتب باعث تربیت افراد مکتب‌ساز از جامعه اسلامی مانند شهید سلیمانی می‌شود که علاوه بر مسلمانان، پیروان دیگر ادیان در جغرافیای غیراسلامی از آثار آن بهره‌مند خواهند شد. بر اساس یافته‌های این تحقیق یکی از ویژگی‌های آن شهید مکتب‌ساز، اطاعت محض از ولایت فقیه است که همواره بر آن تأکید و اصرار می‌نمود. ولایت‌مداری دارای مؤلفه‌های و شاخص‌های بسیاری است که بعضی از مهم‌ترین آنها عبارت است از: نماد عبودیت و حجت سیاسی الهی در اسلام، هماهنگی و دفاع از حریم ولایت در رفتار و عمل، موضع‌گیری‌های شفاف و صریح سیاسی برخاسته از معرفت ایمانی و رفتار تقوایی و فریادگرسای بصیرت و افشای فتنه‌ها، تلاش و کوشش صادقانه و با اخلاص، دفاع شجاعانه در مقابل جبهه ولایت‌ستیز، پیشگام در عرصه مقاومت و مجاهدت و... .

ویژه نامه

همایش ملی

شهادت سلیمان و کتب انشطار و مباحث

کرسی ها و

نشست های علمی



موسسه پژوهش‌های علمی و فرهنگی
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی ظرفیت های الگویی یاران قیام قم در آمادگی ظهور منجی موعود با تأکید بر سیره و عملکرد سردار اسلام حاج قاسم سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام و المسلمین دکتر بهروزی لک

ناقدین: حجت اسلام دکتر حسین الهی نژاد و دکتر محمدصابر جعفری

دبیر علمی: دکتر سید حامد شاهرخی



می شود که همین بوده است. بی شک عصرنویین جهان، عصر حیات دین و بازگشت به دین است. این همه ناشی از نهضت امام خمینی (ره) می باشد. نهضت امام خمینی (ره)، هم در بیان صریح رهبر، و هم به لحاظ دستاوردها و در عمل، در جهت زمینه سازی برای ظهور قائم آل محمد (ص) قرار دارد. این حقایق در حدیثی از امام کاظم (ع) پیش بینی شده است؛ حدیثی که ریشه در کتابی در چهارم قمری دارد و قابلیت انطباق با انقلاب اسلامی ایران را داراست. این پژوهش ظرفیت های آن حدیث و قابلیت ها و شواهد و مدارک تطبیقی آن را بررسی می کند.

متن حدیث:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِيِّ (ع) قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدُ لَا تُرْلَهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجُثُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ مردی از اهل قم مردم را به سوی حق دعوت نموده و فرامی خواند، برگرد او مردمانی جمع می شوند و فراهم می آیند که چونان پاره های آهن اند. طوفان ها آنان را به لرزه نمی اندازند و از جنگ خسته نمی شوند و بزدلی نمی کنند و نمی ترسند و بر خدا توکل دارند و فرجام و پایان نیک از آن پرهیزکاران است.»

سند و منبع اصلی این حدیث، کتاب تاریخ قم می باشد که با توجه به ترجمه فارسی آن، به تاریخ قم مشهور است. حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن

درخصوص قیام هایی که قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) به وقوع می پیوندد، اخبار و روایات فراوانی وارد شده است که به جزئیات این قیام ها خواهم پرداخت. اما مسئله ای که در این نشست به دنبال آن هستیم خود روایات نیستند، بلکه مباحث ما ناظر به یک سری از مسائل اجتماعی می باشد که از این روایات برداشت می شوند. در واقع ما به دنبال یک سری ویژگی ها و امتیازات هستیم که در امر الگو سازی برای انتظار کارآمد و پویا کارگشا باشند. از منظر مقام معظم رهبری انتظار عبارت است از برخورداری از آمادگی خاص برای ظهور حضرت مهدی، حال این آمادگی مقارن با ظهور حضرت باشد یا اینکه قبل از ظهور اتفاق افتد.

مسئله اصلی تحقیق این است که آیا این حدیث شریف امام هفتم (ع) بر «نهضت امام خمینی» تطبیق می کند و «ویژگی های انقلاب اسلامی ایران» و «امتیازات یاران راستین امام خمینی» و «سرنوشت انقلاب اسلامی ایران» پیوستگی آن به انقلاب جهانی حضرت مهدی را تبیین می نماید؟ پس مسئله اصلی که باید بدان پرداخت این است که اخباری که در مورد وقوع قیام قبل از آخر الزمان رخ می دهد به ویژه قیام مردی از قم منطبق بر قیام پانزده خرداد می باشد یا خیر؟ طبق تحقیقات و پژوهش هایی که در این راستا انجام شده است انتظار می رود که قیام پانزده خرداد که به رهبری امام خمینی انجام شده و با توجه به بیان ایشان که انتظار فرج را نیمه خرداد اعلام کردند چنین برداشت

فردوسی مشهد در سال ۹۴ در مجله شماره ۱۳ معرفت سیاسی مطالبی را تحت عنوان «بررسی میزان تطبیق نهضت امام خمینی با حدیث امام کاظم» به رشته تحریر درآوردند. در این مقاله که به صورت گسترده به ابعاد و زوایای مختلف روایت امام کاظم پرداخته شده، مطالب مهمی مطرح شده است، از جمله اینکه مردی از قم قبل از ظهور حضرت مهدی در قم قیام کرده و با یک حرکت اجتماعی و منحصر به فرد مردم را به حق دعوت می کند. البته صفات مهمی نیز برای این گروه ذکر شده است، نخست اینکه این قوم که افراد و جمعیت زیادی را نیز شامل می شود، این دعوت را قبول کرده و با آن همراه می شوند. در این قیام بزرگ که با محوریت یک حرکت اجتماعی و مردمی انجام می شود هدف الهی است و این گروه نیز با وفاداری کامل و تبعیت از فرامین رهبر گروه به سوی حق حرکت می کنند. من در ادامه به سایر ویژگی های این قیام و مطابقت آن با نهضت امام خمینی (ره) اشاره می کنم:

ویژگی های انقلاب اسلامی ایران در کلام امام هفتم (ع)

در سخنان امام کاظم (ع)، امتیازات و ویژگی های انقلابی، بیان شده است که این ویژگی ها، بر نهضت امام خمینی تطبیق می کند. هدف انقلاب اسلامی، دعوت به حق است و اهداف انحرافی و شیطانی در آن راه ندارد. در جمله زیبای «یدعوا الناس الی الحق»، نکته های مهمی درباره انقلاب مرد قمی وجود دارد. او «دعوت» می کند، بنابراین تحول آزادانه، آگاهانه و اختیاری است، تحمیلی و اجباری نمی باشد. «مردم» را دعوت می کند و مخاطب او یک گروه و قشر خاص نیست. انقلاب طبقاتی نیست، مردمی است، عموم مردم را فرا می خواند. بنابراین، انقلاب جهانی است. او فقط مردم قم یا تنها مردم ایران را به بیداری اسلامی و مبارزه با دشمنان اسلام دعوت نمی کند، بلکه مخاطب او جهانیان هستند. انقلاب محدود نیست و با صدور انقلاب به همه نژادها و کشورها خواهد رسید. او در حاکمیت باطل، مردم را به سوی حق دعوت می کند. او همه را به سوی «حق» دعوت می کند. بنابراین، انقلاب او دینی، مذهبی، الهی و مقدس است؛ چون به سوی خدا، پیامبر، قرآن و امامان و تشکیل حکومت اسلامی و برقراری عدالت، که در مفهوم حق نهفته است، راهنمایی می کند و فرامی خواند.

ویژگی های یاران قیام

در حدیث امام کاظم (ع)، اهداف تربیت مهدوی و پنج راهبرد اساسی تربیت زمینه ساز ظهور آموزش داده شده است. پنج امتیاز و صفت زیبا و سرنوشت ساز در این حدیث، برای یاران و اصحاب و ملت همراه رهبر قمی وجود دارد که ویژگی های اساسی زمینه سازان ظهور و خصال برجسته اصحاب امام مهدی (عج) است. تربیت معطوف به تحقق این اهداف پنج گانه در راستای ظهور است. اگر جهت گیری نظام و سازمان تربیتی در راه تربیت انسان هایی دارای این ویژگی ها قرار گیرد و امکانات و ابزارهای تربیت، شیوه ها، روش ها و راه کارهای مناسب آن فراهم گردد، نظام تربیتی با راهبردهای تربیت زمینه ساز هماهنگ خواهد شد. لازم است آیین تربیت در انقلاب اسلامی ایران، به گونه ای طراحی شود که این شاخص ها در فرایند تربیت در جامعه اسلامی افزایش یابد و عموم مردم و اقشار گوناگون، به ویژه جوانان به این اوصاف ارزشمند و سرنوشت ساز آراسته شوند تا شرایط و عوامل پایداری و تداوم نهضت امام خمینی، در راستای ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم گردد.

مالک اشعری قمی، از اعلام قرن چهارم هجری قمری در ۳۷۸ ق این کتاب را نوشته است. کتاب تاریخ قم در آغاز قرن نهم قمری در ۸۰۵ و ۸۰۶ از سوی تاج الدین حسن بن بهاء الدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی، برای استفاده فارسی زبانان به فارسی ترجمه شد و از قرن نهم تا به امروز، همان ترجمه راهنمای پژوهشگران قم شناسی قرار دارد.

مصنف کتاب، از معاصران شیخ صدوق و شاگرد برادرش حسین بن علی بن بابویه قمی است. او از اکابر قدمای علمای اصحاب و از اجلای قدمای علمای قم بوده و از شیخ صدوق و برادرش روایت کرده است. شخصیت مؤلف کتاب، مورد اعتماد علمای شیعه و کتاب وی دارای اعتبار شناخته شده است. این حدیث را حسن بن محمد بن حسن قمی مصنف کتاب تاریخ قم از علی بن عیسی از ایوب بن یحیی الجندل از ابوالحسن اول امام موسی بن جعفر (ع) نقل کرده است. راوی حدیث ایوب بن یحیی الجندل می باشد. وی شخصیت ناشناخته ای است و در کتب رجالی شیعه در سده های سوم تا پنجم، از وی هیچ اثری نیست. اما عدم ورود نام یک راوی در کتب رجالی هرگز به معنای مجهول بودن وضعیت وی نیست. تنها می توان او را بی نام و نشان در منابع رجالی دانست. صرف عدم ذکر نام راوی در آثار رجالی، عیب و نقص نیست و به سند حدیث صدمه نمی زند. مجهول بودن ایوب بن یحیی الجندل، با توثیق علی بن عیسی، که این حدیث را از وی نقل کرده است و با اعتبار کتاب تاریخ بلده قم از منظر محدثان، جبران می گردد.

علمای رجال، خبر راوی ضعیفی را که ضعف آن جبران شود، معتبر می دانند. این حدیث مسند است، اما یک راوی آن ناشناخته است؛ نبودن راوی در کتب رجالی، به معنای مجروح بودن وی نیست. این نقص با اعتماد فقیهان بزرگ به اصل حدیث و ورود به تحلیل و تطبیق آن و توثیق کتابی که روایت را آورده است و توثیق راوی دیگر حدیث، زائل می گردد. یکی از مبانی مهم در نقد سند برای ارزشیابی حدیث در حالت تعارض، عرضه محتوای حدیث بر قرآن کریم و سنت است، قابل ذکر است که متن این حدیث، هیچ تعارضی با قرآن و سنت ندارد. مجموعه مطالب مذکور، از قرائن متصله و منفصله ای است که ثبوت خبر از امام کاظم (ع) و روایت را نشان می دهد و صحت مضمون و مفاد آن را آشکار می سازد. ثقه بودن صاحب کتاب و وجود حدیث در کتابی که توثیق شده و مورد اعتماد بوده و معتبر شمرده شده است، از معیارهای تقویت سند حدیث است.

منابع حدیث

علامه مجلسی در بحار الانوار این حدیث را از کتاب تاریخ قم نقل کرده است. و پس از وی، شاگردان ایشان این حدیث را ذکر کرده اند، سایر علمای معاصر شیعه نیز این حدیث را به نقل از علامه مجلسی در آثار خود آورده اند. این کتاب، از زمان تصنیف در سال ۳۷۹ ق، تا سال های نخستین قرن نهم هجری قمری یا شمسی در دسترس اهل علم قرار داشت. این کتاب به سفارش یکی از حاکمان محلی قم، به زبان فارسی برگردانده شد، پس از آن ترجمه، دیگر متن اصلی و عربی کتاب از بین رفت. هم اینک پس از گذشت بیش از پنج قرن، اثری از آن پیدا نشده است و تمامی کوشش ها و جست و جویها برای یافتن کتاب بی نتیجه مانده است. از آن ترجمه، نسخه ای در اختیار علامه مجلسی قرار داشته که در کتاب خود از آن استفاده نموده است.

اما در خصوص این حدیث آقای دکتر جواهری از اساتید هیئت علمی دانشگاه

۱- پاره آهن؛ زبرالحدید

«زبرالحدید» به معنای پاره‌های آهن است. مفهوم زبرالحدید، ایمان عالی و باور نیرومند و اعتقادات محکم و پایدار است. این کلمه بارها در احادیث برای توصیف یاران حضرت ولی عصر حضرت مهدی (عج) آمده است. امام صادق (ع) در معرفی اصحاب حضرت مهدی (عج) فرمودند: «... رجال كأن قلوبهم زبرالحدید لایشوبها شک فی ذات الله؛ مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است، مخلوط و آمیخته به شک و تردید در ذات خداوند نیست. بنابراین، زبرالحدید ویژگی یاران و امتیاز بزرگ اصحاب قائم آل محمد (ص) است.

۲- مقاوم در برابر تندباد و طوفان؛ لاتزلهم الریاح العواصف

«عاصفه» باد تند و طوفان است و جمع آن «عواصف» می باشد. طوفان ها و گردبادهای شدید آنان را نمی لرزاند و از پای در نمی آورد. این صفت، گویای صبر و استقامت بی نظیر و پایداری و استواری آنان است. رنج ها و سختی ها و مشکلات فراوان و پی در پی نیز آنان را به ستوه نمی آورد. امام صادق (ع)، به فضیل بن یسار در توصیف یاران حضرت مهدی (عج) فرمودند: «اشد من الحجر لو حملوا علی الجبال لأزالوها؛ از سنگ شدیدتر و محکم ترند، اگر بر کوه ها برخورد کنند کوه ها را از پیش پا بردارند، کوه ها را از جا بلند کرده و کنار زده و پراکنده می سازند. تربیت سازنده این سطح از قدرت پایداری و نبرد، از راهبردهای زمینه ساز انقلاب جهانی مهدوی است.

۳- خستگی ناپذیر در جنگ؛ لایملون عن الحرب

از جنگ و نبرد خسته نمی شوند. خستگی ناپذیری از جنگ های پی در پی و از تداوم نبرد نیز از امتیازات دیگر یاران امام زمان (ع) است.

۴- شجاع و نترس؛ لایجبنون

«جبن» سستی دل و ضعف قلب انسان است و در یاران امام راه ندارد، چراکه ایشان در مبارزات حق طلبانه خویش هرگز نمی ترسند.

۵- اعتماد و توکل بر خدا؛ علی الله یتوکلون

توکل بر خدای متعال و اعتماد کامل به پروردگار، خصلت دیگری است که در حدیث امام کاظم (ع) برای یاران قیام ذکر شده است. توکل، معلول معرفت و یقین است و با تربیت و سیر و سلوک معنوی در انسان ایجاد می شود. امام موسی بن جعفر (ع)، در پایان کلام نورانی خویش درباره یاران قیام، به آینده انقلاب ایران اشاره کرده اند. جمله «والعاقبة للمتقین»، حقیقت عصر ظهور را نشان می دهد. در پایان تاریخ و در آخرین، بهترین و عالی ترین انقلاب الهی در زندگی بشریت، متقین بر سراسر جهان حکومت خواهند کرد. رهبران متقین، امام مهدی (عج) است که انقلاب متقین ایران به عصر ظهورش متصل می گردد. آمدن جمله «والعاقبة للمتقین» در پایان کلام نورانی امام هفتم (ع) برای تبیین عاقبت انقلاب اسلامی ایران است.

حدیث دیگری نیز از امام باقر (ع) در این خصوص نقل شده است که در آن به گروه هایی ویژه به عنوان زمینه ساز قیام حضرت مهدی توجه شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «کَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَ ثُمَّ يَطْلُبُونَ فَلَا يُعْطُونَ فَاذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سَيُوفَهُمْ عَلَي عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا لِي صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءٌ أَمَا إِنِّي لَوَأَدَّرْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویی گروهی را می بینم که از شرق، برای به دست آوردن حق به پا می خیزند؛ ولی

بدانان نمی دهند و باز درخواست می کنند، اما به آنان نمی دهند. پس چون چنین می بینند، شمشیرهای خود را بردوش می گیرند. در آن هنگام آنچه را می خواهند به آنان می دهند؛ ولی نمی پذیرند تا اینکه قیام می کنند و آن را جز به صاحب الامر علیه السلام تسلیم نمی کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می گذارم.»

در این روایت، که به نظر می رسد نه از نظر سند و نه محتوا، مشکلی ندارد. از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه خبر داده شده است. افزون بر این ها، روایات دیگری نیز بر این نکته پافشاری کرده اند که پیش از ظهور، حکومتی به رهبری یکی از صالحان در ناحیه مشرق برپا می شود و زمینه ظهور را فراهم می سازد. این حکومت، تا آشکار شدن مهدی عجل الله فرجه و دادن آن به حضرت (عج)، ادامه می یابد. البته روایاتی که در این خصوص بررسی شده منحصرأ مربوط به زمان غیبت و قبل از ظهور حضرت مهدی می باشد. مسئله دیگری که لازم به ذکر می دانم وجود چالش ها و مشکلاتی است که قبل از ظهور رخ می دهد. یک جامعه منتظر وظیفه دارد در کوران حوادث و مشکلات به دنبال حق و حقیقت باشد. همان گونه که در حدیث امام باقر (ع) بدان اشاره شده که قبل از ظهور حضرت اتفاقات و تغییراتی در جهان رخ می دهد به گونه ای که هر امر معروفی منکر و هر امر ناپسندی، پسندیده و نیکو جلوه می کند. خوب این چالش ها و آشفتگی ها که در آخر الزمان رخ می دهد، معمولاً به حدی است که معیارها و شاخص ها را از بین می برد که برای رفع چنین مشکلی باید به دنبال ملاک و محور حق باشیم. یکی از محورهایی که می توان به عنوان شاخصه حقیقت در جامعه منتظر پویا ذکر کرد، وجود الگوی رهبری نظام است که بحمدالله در وجود حضرت امام و مقام معظم رهبری خلاصه شده است. بدیهی است وجود رهبری نظام می تواند مسیر هدایت جامعه را به سوی ظهور هموار و جامعه را از گزند حوادث و طوفان تردیدها حفظ کند. متأسفانه وجود جریانات سیاسی خاص و افراد خاصی که در این مسیر قرار می گیرند، این افراد را از مسیر رهبری دور می کند، ولی وجود برخی افراد مانند شهید سلیمانی در همراهی با رهبری ولی امر جامعه مثال زدنی و نمونه است که باید مورد توجه و الگوسازی شود. این افراد و افرادی که در آینده جامعه حضور می یابند، همراهی با ولایت و استحکام و مقاومت آنان در مقابل حوادث مانند جریانات سیاسی، تطمیع ها، تهدیدها و... قابل تحسین است و ویژگی و صفات مهم یاران حضرت مهدی (ع) را در ذهن تداعی کرده و هرگونه تبلیغات دشمنان را در این خصوص خنثی کرده و مسیر را برای ظهور هموار می کند. پس بنابراین اگر بخواهیم جمع بندی از مطالب ارائه شده داشته باشیم باید عرض کنم که محور مباحث بردو پایه استوار است، نخست اینکه از روایات استفاده کردیم و محتوای آن را با مبانی و متون نظام اسلامی مقایسه کردیم که در کل می توان سازگاری این متون را با مبانی نظام اثبات کرد. مطلب دیگر اینکه، ظرفیت الگوسازی با توجه به معیارها و شاخصه های یاران قیام که در حدیث امام کاظم (ع) آمده است در وجود افرادی همچون شهید سلیمانی فراهم است. در واقع، شهید قاسم سلیمانی به عنوان شاگرد مکتب امام خمینی (ره) می تواند از این جهت تداعی ها و ظرفیت های الگویی خوبی را برای انتظار پویا در عصر حاضر برای جامعه اسلامی فراهم سازد. همچنین محبوبیت و خوش نامی حاج قاسم سلیمانی می تواند تجسم معارف اسلامی و مهدوی برای جامعه منتظر باشد.

گرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام والمسلمین حسین الهی نژاد

ناقدین: حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی، دکتر محمد اسحاقی

دبیر علمی: حجت الاسلام دکتر مسلم کامیاب



۱. تعریف مکتب

مکتب را چنین می‌توان تعریف نمود: مکتب یا ایدئولوژی عبارت است از یک طرح جامع و منسجم که می‌خواهد با جهان بینی که می‌دهد و با دستور العمل‌هایی که ارائه می‌نماید بشر را به طرف کمال و هدفش راهنمایی کند.

استاد شهید مرتضی مطهری مکتب را چنین تعریف می‌نماید؛ مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روشها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد.

مکتب؛ به معنای مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی که دارای مبانی و اهداف مشخص است که یک نظام ارزشی برای چگونه زیستن را برای انسان معین می‌کند

مکتب؛ به معنای افکار و آرائی منسجم و نظام مند که دارای اهداف مشخص است که مسیر رسیدن به سوی کمال را برای انسان فراهم می‌کند.

۲. نام گذاری حرکت شهید سلیمانی به مکتب

شهید حاج قاسم سلیمانی به روایت مقام معظم رهبری (دامت برکاته) یک فرد نیست بلکه یک مکتب و نماد مقاومت است «ملت ایران نشان داد از خط مجاهدت شجاعانه دفاع می‌کند و به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد و طرفدار مقاومت است ... به حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس عزیز به عنوان یک فرد نگاه نکنیم به عنوان مکتب نگاه کنیم».

۳. چیستی مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی دارای خاستگاهی به نام مکتب امامین انقلاب اسلامی و دارای غایت و هدفی به نام انتظار و ظهور دارد به بیان دیگر مکتب شهید سلیمانی با نیروی محرکه مکتب امامین انقلاب و با غایت نگری و پیشرانی ظهور و جامعه مطلوب مهدوی، و با فرایندسازی توسط شاخصه های صبر، مقاومت و تاب آوری به سوی انسجام ساختاری و تحول کارکردی پیش می‌رود.

مکتب شهید سلیمانی در پارادایم مضمونی و تحلیل محتوایی و ساختاری خود، متشکل از سه مولفه اساسی به نام خاستگاه، فرایند و برآیند می‌باشد که نقش خاستگاه بستر سازی و نقش فرایند ابزار سازی و نقش برآیند هدف نمائی را برای این مکتب ایفاء می‌کند.

۴. انقلاب اسلامی خاستگاه مکتب شهید سلیمانی

انقلاب اسلامی ایران با هدایت‌ها و رهبری حضرت امام به پیروزی رسید و تداوم آن با هدایت‌ها و رهبری مقام معظم رهبری تضمین شد یعنی امام خمینی آغازگر نهضت اسلامی ایران و مقام معظم رهبری تداوم بخش آن شناخته می‌شود و این نهضت که با فعالیت‌ها و تلاش‌های مستمر امامین انقلاب به بار نشست و تداوم پیدا کرده است، نمودار و تابلوی بزرگی از آثار و خروجی‌های مکتب امامین انقلاب است.

شهید سلیمانی که از شاگردان و دست پروردگان حضرت امام و مقام معظم رهبری است مکتب و مرام او نیز برآمده از مکتب و مرام آن دو بزرگوار می‌باشد.

۵. شاخصه های مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی دارای شاخصه های مهمی است که هر کدام از آنها

به نحوی در مسیر بسترسازی ظهور قابل توجه هستند نظیر ولایت مداری، عدالت محوری، ظلم ستیزی، حق خواهی، مظلوم نوازی، شهادت طلبی، استقامت ورزی و... این موارد از جمله شاخصه هایی است که در روایات انتظار جزء شاخصه های منتظران تلقی شده و به منتظران توصیه شده در راستای تحقق امامدی برای رخداد ظهور باید به این اوصاف مزین شوند

۶. انتظار و ظهور غایت مکتب شهید سلیمانی

رابطه ای که میان مکتب شهید سلیمانی با انتظار وجود دارد رابطه دو سویه می باشد یعنی مقوله انتظار برای مکتب شهید سلیمانی نقش پیشران و هدف نمائی را ایفا می کند و مکتب شهید سلیمانی نیز با شاخصه های استکبار ستیزی، عدالت ورزی، شهادت طلبی، مقاومت و تاب آوری، نقش آمادگی و زمینه سازی برای ظهور را انجام می دهد.

۷. پارادایم و گستردگی انتظار در مکتب شهید سلیمانی

بی تردید از طرفی خاستگاه مکتب شهید سلیمانی که مکتب امامین انقلاب است برآمده از انتظار باشد و از طرف دیگر غایت و هدف مکتب شهید سلیمانی رسیدن به ظهور و دولت حق مهدوی باشد باز بحث انتظار است و سوی دیگر شاخصه های مکتب شهید سلیمانی (نظیر عدالت خواهی، ظلم ستیزی، مظلوم نوازی، شهادت طلبی و استقامت ورزی) برای زمینه سازی تعریف شود باز بحث انتظار مطرح می شود پس نتیجه گرفته می شود که همه مولفه های خاستگاه، فرایند و برآیند این مکتب را انتظار فرا گرفته است پس انتظار به منزله پارادایم و چتر حمایتی مکتب شهید سلیمانی است

۸. راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی که برآمده از مکتب امامین انقلاب است دارای شاخصه های مختلفی نظیر انقلابی گری، ولایت مداری، ایمان محوری، معنویت گرایی، شجاعت ورزی، شهادت طلبی، استکبار ستیزی، مقاومت و استقامت ورزی است.

تک تک این شاخصه ها که بیان گر شاخصه مکتب شهید سلیمانی است در روایات انتظار جزو شاخصه های منتظران تلقی شده و پیاده سازی و نهادینه سازی آنها و نیز آراستگی و مزین شدن شیعیان و منتظران واقعی به آنها از جمله سفارشات اکید حضرات معصومین (ع) می باشد.

در میان شاخصه های انتظار شاخصه صبر و مقاومت دارای تأثیر گذاری و برجستگی خاصی است که علاوه بر تأکید زیاد معصومین (ع) در بیشتر روایات انتظار به این موضوع نیز اشاره شده است.

علت این همه سفارشات به بهر مندی از صبر و مقاومت و این همه همراهی صبر و مقاومت با انتظار به جهت الزامات و ویژگی های خاصی است که در دوران غیبت وجود دارد که منتظران و شیعیان از حضور طبیعی امام در جامعه محروم بوده و بیشتر دچار چالش ها و تهدیدهای فردی و اجتماعی می شوند که ابزار صبر و مقاومت، کارآمدترین و کاربردی ترین ابزار جهت برون رفت از این معضلات و مشکلات می باشد. شهید سلیمانی که از شاگردان مکتب امامین انقلاب و از دست پروردگان این مکتب نوین مردم سالار دینی می باشد در مقابله با استکبار و هم پیمانان آنها نظیر گروه های متعصب و خشک داعش، طالبان، القاعده و... با شاخصه ظلم ستیزی،

عدالت خواهی و مقاومت علاوه بر پیروزی بر مستکبران و صهیونیسم جهانی، زمینه ساز اضمحلال و نابودی دست پروردگان آنها مثل گروه منحرف داعش را فراهم نموده است. بی شک شهید حاج قاسم سلیمانی و مدافعان حرم با الهام گیری از فرهنگ انتظار و درس آموزی از مکتب امامین انقلاب، شاخصه انتظار را در منطقه و جهان اسلام در میان مسلمانان و جوامع اسلامی به عنوان یک فرهنگ غالب نمایان کرده و با نگرش کاربردی و اجرایی بستر نهادینه سازی آن را با شاخصه صبر و مقاومت تضمین نموده است.

۹. انتظار و تاب آوری (مقاومت)

مقاومت و تاب آوری از جمله مقولات مهم و تأثیر گذاری است که نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد این مقوله در آیات و روایات مختلفی به صورت فراگیر آمده است.

در قرآن مشتقات واژه مقاومت فراوان بکار رفته است: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا** (فصلت، آیه ۰۳) در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند.

و فَاسْتَقِيمُوا كَمَا أُمِرْتُمْ (هود، آیه ۲۱۱) پس، همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن، **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** (احقاف، آیه ۳۱) محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ (توبه، آیه ۷) یعنی تا مشرکان در پیمان خود نسبت بشما ثابت ماندند شما هم نسبت بآنها در پیمان خویش ثابت باشید. **قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا** (یونس، آیه ۹۸) فرمود: دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید.

مقاومت و استواری که بسیار مورد تأکید قرآن و سنت بوده و اسلام بسیار مسلمانان را بدان توصیه می کند دارای دو عامل مهم است:

۱. تقابل حق و باطل

۲. صبر و بردباری

که یکی در شکل گیری مقاومت و دیگری در استمرار و تداوم آن و به بیان دیگری در قالب علت محدثه و دیگری در قالب علت مبقیه نقش ایفاء می کنند.

تقابل و کشمکش حق و باطل که دیرین ترین و پرگستره ترین تقابل ها به شمار می آید تضمین کننده شکل گیری مقاومت در انسان شناخته می شود که بعد از شکل گیری مقاومت در بستر تقابل حق و باطل، تداوم و استمرار آن نیز بواسطه شاخصه صبر اجرایی و عملیاتی می شود.

گستره تقابل حق و باطل علاوه بر تکوینیات، شامل حال تشریعیات و نیز علاوه بر امور فردی، امور اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

رویکرد تقابل حق و باطل در ابعاد وسیعی نظیر بعد سیاسی، بعد فرهنگی، بعد دینی، بعد تمدنی، بعد اقتصادی و... مطرح است.

در دوران ظهور و حکومت جهانی مهدوی تقابل حق و باطل میان منجی و یاران او از یک طرف و مخالفان منجی و پیروانشان از طرف دیگر به اوج و نهایت خود می رسد یعنی جبهه حق با تمام خوبی ها و جبهه باطل با همه شرارت ها رو در روی هم قرار گرفته، و فراگیرترین و گسترده ترین جنگ خیر و شر که در تاریخ بشریت بی سابقه بوده رخ می دهد. بی شک هر چه این

مقاومت می باشد.

۱۲. صبر و مقاومت از منظر روایات انتظار

دوران غیبت و انتظار به جهت شاخصه های انحصاری نظیر پنهان زیستی امام و عدم دسترسی مردم به او از دوره های دیگر متمایز گذشته و دارای تکالیف و برنامه های ویژه ای می باشد.

بخاطر همین، حضرات معصومین (ع) در روایات مختلف نسبت به حساس بودن این دوران به جهت لغزش ها و انحرافات فراوان و نیز بخاطر چالش ها و مخاطرات زیاد هشدار داده و در پی آن برای رهایی و نجات از این لغزش ها و معضلات اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی راهکارهای مختلفی ارائه داده اند که کاربست صبوری، بردباری، مقاومت و تاب آوری از جمله آنها است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) در این خصوص می فرماید: **اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ اَنْتَظِرَ فَرَجَ هَمْرَاهُ بِالصَّبْرِ عِبَادَتٌ مَحْسُوبٌ مِی شُود.**

در این روایت حضرت رسول اکرم (ص) به بیان شدت رابطه میان انتظار و صبر پرداخته و این رابطه را اولاً؛ رابطه عملی نه قولی و قلبی دانسته است و ثانیاً؛ نوع این عمل را در قالب عبادت که عالی ترین و مقدس ترین نوع عمل می باشد دانسته است.

در همین خصوص امام رضا (ع) در روایتی به بیان رابطه میان صبر و انتظار پرداخته و آن را از جمله نیکوترین رابطه تعریف نموده است و در ادامه علت این نیک بودن رابطه را به سختی دوران غیبت و انتظار، و یأس فراگیری که بر مردم و جامعه مستولی می شود می داند: **مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اَنْتَظَرَ الْفَرَجَ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَزْتَقَبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجَ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الذَّلِيلَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ**

چقدر صبر و انتظار فرج خوبست آیا نشنیدی گفته خدای عز و جل را (در سوره هود آیه ۳۹) «انتظار برید که من هم با شما انتظار برنده ام» بر شما باد که صبر کنید زیرا فرج در نوبدی می آید و هر آینه کسانی که پیش از شما بودند از شما صابرتر بودند.

بی تردید سفارشات بسیاری از ناحیه حضرات معصومین (ع) در خصوص صبر و انتظار شده و تأکیدات جدی در روایات پیرامون ترابط و تعامل آن دو به میان آمده است، بطوری که اصل زیبایی و کمال صبر با وجود انتظار، و اصل کاربرد و کارکرد انتظار در کنار صبر توجیه پذیر شده و همچنین به جهت اهتمام این تعامل و ترابط، مقولات صبر و انتظار از حوزه رفتاری به حوزه عبادی انتقال یافته و جزو بهترین و برترین عبادات دانسته شده است.

بی تردید همه این موارد بخاطر این است که منتظران بدانند که در عصر غیبت با معضلات و مشکلات عدیده ای روبرو می شوند و عبور از آنها بدون ابزار صبر و بردباری میسر نیست و بخاطر همین فزونی و از یاد سختی ها و مشکل بودن حرکت در این مسیر، حضرات معصومین (ع) دائماً به مردم عصر غیبت درس صبوری و مقاومت و مشق بردباری و سخت کوشی را می دهند. پس تمرین زندگی صبورانه و مشق سخت زیستی، یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت است.

یعنی منتظران واقعی باید در امور دنیا صبر و بردباری را پیشه خود ساخته و از شتاب زدگی و عجله کاری که عامل سقوط و هلاکت بشر و جوامع بشری

مصاف گسترده تر و عمیق تر باشد، مقاومت و تاب آوری نیز گسترده تر و عمیق تر خواهد بود.

بر اساس داده های قرآنی و روایی در راستای شکل گیری ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی علاوه بر صبر و مقاومت رهبر، صبر و مقاومت یاران و شهروندان او نیز لازم و ضروری است زیرا در این ستیز و مبارزه حق و باطل، همه کفر با همه اذنباش در برابر همه ایمان با همه عواملش قرار گرفته و سرنوشت این مبارزه برای هر دو جبهه مهم و تأثیرگذار می باشد که در صورت پیروزی، آینده و حیاتشان تأمین و در صورت شکست، نیستی و نابودشان حتمی خواهد بود.

از این رو جبهه حق یعنی امام مهدی و یاران او با همه قدرت و مقاومت، و با بکارگیری همه نیروهای زمینی و آسمانی به مصاف دشمن رفته و زمین را برای همیشه از لوٹ کفّر، نفاق و بی دینی پاک سازی می نمایند.

پس بنابراین شاخصه مقاومت و تاب آوری در شکل گیری و تداوم وابسته به دو عامل اساسی است یکی تقابل حق و باطل که نقش خاستگاه و دیگری مقوله صبر که نقش استمرار مقاومت را ایفاء می کند، بوده و اوج این تقابل و مقاومت در دوران ظهور به منصف ظهور می رساند.

۱۰. انتظار تداعی گر مقاومت

مقوله انتظار همیشه با مقوله مقاومت و صبر همراه و عجین بوده و انتظار بدون صبر و مقاومت، و صبر و مقاومت بدون انتظار معنا ندارد و اصلاً انتظار صحیح که انتظار عملی بوده و تحقق بخش ظهور می باشد با مقوله صبر و مقاومت تحقق پیدا می کند.

بر این اساس رابطه صبر و مقاومت با انتظار رابطه دو سویه است یعنی انتظار الهام بخش صبر و مقاومت، و صبر و مقاومت بستر ساز انتظار صحیح و ظهور می باشد. و این رابطه یعنی رابطه الهام بخشی انتظار نسبت به مقاومت از دو طریق قابل توجیه می باشد.

۱۱. برداشت مقاومت از مفهوم انتظار

واژه انتظار در لغت به معنای ترقب، مترصدن بودن، درنگ کردن، تأمل کردن، چشم داشتن، چشم براه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است. وقتی که واژه انتظار و مفاهیم همسوبا آن را مورد واکاوی و واشکافی دقیق قرار می دهیم.

از همه آنها به نوعی مفهوم درنگ کردن و صبر کردن برداشت می شود.

یعنی مفهوم صبر مفهوم مشترکی است که در همه آنها به نحوی با دلالت التزامی قابل برداشت است.

پس معنای «انتظار» یعنی منتظر بودن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معنای «چشم براه بودن» یعنی چشم دوختن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معنای «امید داشتن» یعنی امیدوار بودن و صبر کردن برای آمدن منجی و ...

در انتظار و همه مفاهیم همسوبا آن به نوعی مفهوم صبر خوابیده است که این نشان از عجین بودن مفهوم صبر با مفاهیم انتظار می باشد پس از طرفی شاخصه صبر همیشه همراه و همدوش شاخصه انتظار قرار دارد و از طرف دیگر همیشه از تداوم و پیوستگی شاخصه صبر شاخصه مقاومت متولد می شود پس نتیجه گرفته می شود که صبر از مفهوم انتظار و مقاومت از تداوم صبر قابل برداشت است پس شاخصه انتظار به نوعی الهام بخش صبر و

گرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی شهید سلیمانی؛ تجلی اخلاص و بصیرت

ارائه کننده: **حجت الاسلام والمسلمین دکتر عیسی عیسی زاده**

ناقدین: **حجج اسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی فیروز مهر، دکتر علی خراسانی**

دبیر علمی: **حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسلم کامیاب**



سلیمانی پیراژم که معمولاً کم‌تر به این موضوع پرداخته شده است و بیشتر به خطرات و زندگی‌نامه پرداخته اند!

واژه شناسی اخلاص و بصیرت

بنده در بحث واژه شناسی، ورود پیدا نمی‌کنم، زیرا معنای واژه های اخلاص و بصیرت بسیار روشن است؛ اما از باب لغت و اصطلاح، اشاراتی به معانی این دو واژه کرده ایم که در این فرصت کم جای مانور در این باره نیست، زیرا اولاً اساتید محترم و حاضرین در این جلسه با معانی این واژه ها آشنایی کامل دارند.

ثانیاً هر دو واژه بالصراحه در قرآن کریم آمده است و آیات فراوانی در این زمینه بحث کرده است.

ثالثاً در پژوهشکده فرهنگ قرآن و دایرة المعارف نیز آثاری وجود دارد که در این رابطه تحقیقات مفصلی را ارائه کرده است. براین اساس، از پرداختن به بحث واژگانی منصرف می شویم.

جایگاه اخلاص و بصیرت در قرآن و روایات

جایگاه و اهمیت این دو ویژگی در قرآن و همچنین در آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) برکسی پوشیده نیست.

ما در بحث اخلاص در قرآن، به انواع واژگان مختلف، چه مرادفات و چه هممنوع ها اشاره کردیم و در بحث اهمیت این واژه ها نیز اگر کل قرآن را بررسی کنیم، لُب کلام در آیات قِیم قرآن بحث «اخلاص» است که انسان فقط با این صفت می تواند به «تقرب إلى الله» و تکامل دست پیدا کند.

واژه ی بصیرت هم در قرآن کریم به عنوان اولین جایگاه و رکن دعوت پیامبران،

دو صفت اخلاص و بصیرت از مهمترین ویژگی ها در آموزه های قرآنی و روایی است که مورد توجه قرار گرفته است و همچنین معرفی انسان های مخلص و اهل بصیرت، یکی از راهکارهایی است که خداوند متان در تربیت و هدایت بشر در قرآن کریم، از آن استفاده نموده است.

در عصر حاضر به جهت اوج گیری فساد و ظلم در جهان، وجود انسان های مخلص و با بصیرت، نقش تعیین کننده ای در هدایت جامعه و تربیت نسل جدید دارد.

مخصوصاً زمانی که انسان در اثر انحرافات و فسادها و بی بندوباری ها به ستوه آمده و به دنبال مکاتب و الگوهای نجات بخش می باشد، وجود افراد مخلص و بصیر می تواند نجات بخش جامعه باشد.

اکنون که انقلاب اسلامی توانسته است با بهره گیری از قرآن و مکتب نورانی اهل بیت (علیهم السلام) انسان هایی را در دامن خویش پرورش دهد که در تجلی ارزش های الهی و انسانی، سرآمد روزگار شوند، شایسته است که این چهره های درخشان مکتب تشییع به عنوان الگوبه جامعه بشریت معرفی شوند، زیرا معرفی دقیق چهره های این شخصیت ها می تواند در پرورش منتظران واقعی منجی عالم بشریت تأثیر بسزایی داشته باشد.

از همین رو در پژوهش انجام گرفته، سعی شده تا با مطالعه ی چندین کتاب و مقاله که در رابطه با سردار سلیمانی نوشته شده و همچنین مقالات مختلف و نکته برداری از کلیدواژه های اصلی، به گوشه ای از مکتب این شهید و الامقام اشاره شود.

تلاش من براین بود که با انتخاب این موضوع، به مسائل کلیدی زندگی شهید

اهمیت مطالعه‌ی زندگینامه شهید سلیمانی

درباره زندگینامه این شهید بزرگوار و سوابق شغلی او اطلاعات کافی در دسترس همگان قرار گرفته است، ولی چون روال هر مقاله ای از حیث تدوین ساختاری این است که وقتی درباره شخصیتی صحبت می شود، چند صفحه ای را به زندگی او می پردازند، در این مقاله نیز به چند قسمت از زندگی ایشان اشاره شده است.

در این فرصت اندک به یک قسمت از زندگی ایشان اشاره می کنم که من وقتی دستنوشته ایشان را خواندم، به این نتیجه رسیدم و بر آن تأکید می کنم که اگر کسی صدای مرا می شنود و تاکنون زندگی آن شهید و الامقام را مطالعه نکرده است، حداقل برای اینکه انسان در درون خود به نتایجی برسد، باید زندگینامه ایشان را بخواند.

بدون تعارف باید گفت که وقتی به صفحات دوم و سوم زندگینامه ایشان می رسید، امکان ندارد که اشک از چشمان شما جاری نشود!

رنج و مشقتی که این مرد بزرگ در زندگی کشیده است، او را به مقاماتی رسانده است که اکنون مشاهده می کنیم.

ما زندگی بسیاری از بزرگان را خوانده ایم، حضرت امام (رحمة الله علیه) هم توصیه می فرمود که زندگی بزرگان را مطالعه کنید، زیرا اخلاق را می توانید با بررسی زندگی بزرگان در خودتان پرورش دهید؛ وگرنه صرف برگزاری درس اخلاق تأثیر چندانی ندارد.

باید این مقامات را لمس کرد و راه آن را پیمود و طعم شیرین آن را چشید. بنده بیش از دویست زندگینامه شخصیت های برجسته، اعم از اهل علم و غیر اهل علم را مطالعه کردم، ولی کمتر کسی را دیدم که اینچنین باشد! غرض تعریف و تمجید از شهید سلیمانی نیست، ولی از همه علاقمندان به این راه تقاضا می کنم که حتماً دستنوشته ایشان را مطالعه بفرمایند! این شهید عزیز زندگینامه ی خود را با قلمی روان، مخلصانه و محترمانه نوشته است، به گونه ای که برخی از جملات آن بسیار تکان دهنده است.

جایگاه شهید سلیمانی در نزد دوست و دشمن

درباره جایگاه شهید سلیمانی میتوان ده ها مقاله نوشت، ولی بنده به طور اختصار به چند نمونه اشاره می کنم. مسئله مهم در زندگی هر فرد این است که دشمنان هم به خوبی و ارزش او اعتراف کنند.

در مورد شهید سلیمانی هم جناب جان کری وزیر امور خارجه وقت آمریکا می گوید که وقتی به کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر می کند، وقتی وزرای آن کشورها از آمریکا بخاطر مذاکره با ایران اشکال می گیرند، جان کری ناگهان عصبانی می شود و پوشه ای که در دستش بود را محکم روی میز می کوبد و خطاب به اعراب حاضر در جلسه می گوید: همه شما کشورهای عربی یک نفر مثل ژنرال سلیمانی ندارید که با ترویست بچنگد، شما همه نشستید اید که آمریکایی ها یا ایرانی ها برای شما خون بدهند!

کسی که امنیت را در کشورهای شما استرالیزه کرده تا شما در امنیت زندگی کنید و به شما حیات سیاسی بخشیده است، ژنرال سلیمانی و ایران است. شما باید صد مدال به ژنرال سلیمانی بدهید که کشورهائتان را برای شما نگه داشته است!

مخصوصاً پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود: «من و یاران من، با بصیرت کامل، انسانیت را به هدایت راه راست دعوت می کنیم!»

بنابراین، دو مقوله ی اخلاص و بصیرت جایگاه ویژه ای در قرآن دارند و خدای متعال امتیازات فراوانی را به ابرار به واسطه این دو صفت داده است.

خداوند گروهی را به عنوان «مبصرون» معرفی می کند که می توانند خودشان را از فساد و تباهی و وسوسه ها و مکر شیطان نجات دهند: إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ؛ یعنی: «هرگاه پرهیزکاران را وسوسه شیطانی فرا گیرد، به یاد [خدا] می افتند و در دم [به خود آیند و] بصیرت یابند».

ضرورت شناخت الگوهای مثل سردار سلیمانی

اما آنچه مهم است بدون هیچ تعارفی این است که در عصر ما بعد از گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز ادعای ما این است که چگونه از فساد جلوگیری کنیم؟

زیرا مردم و مجموعه کشور گرفتار مفاسدی شده که بحث و بررسی زندگی شخصیت هایی مثل سردار سلیمانی، ضرورت حتمی پیدا می کند و پرداختن به این الگوها در سطح جامعه ای که به سمت فساد پیش می رود لازم به نظر می رسد.

باید به سراغ تک تک ویژگی های این افراد رفته و ریشه یابی کنیم که در این عصر نیازده که همه را گرفتار کرده و در منفعت گرایی و مقام پرستی و رذائل اخلاقی غرق کرده است، چنین انسان هایی چگونه درخشیده اند؟

آیا این افراد معصوم بودند یا از بین همین جامعه ی فسادزده درخشیده اند و به اوج رسیده اند؟ نشانه های این روش از زندگی چیست؟

بنابراین، توجه به این مسئله که این افراد چگونه به آن مرحله و درجات رسیده اند و چه ویژگی هایی داشته اند و ما چه وظایفی در قبال آنها داریم، از رسالت های اصلی ماست که مقام معظم رهبری نیز به درستی روش و سیره آن شهید و الامقام را به عنوان مکتب شهید سلیمانی معرفی فرمود.

اما اینکه چرا به عنوان یک مکتب معرفی شد را باید مورد بررسی قرار دهیم! شهید سلیمانی مجموعه های ارزشی هایی است که می تواند به عنوان یک مکتب در جامعه معرفی شود.

رابطه اخلاص با بصیرت

درباره رابطه بین اخلاص با بصیرت هم مطالب مختصری را ارائه کردم که به عنوان نمونه به یک آیه اشاره می کنم که خدای متعال میفرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ؛ یعنی: «و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه های (معرفت و لطف) خویش هدایت می کنیم».

پس خدای متعال راه را به ما نشان می دهد و این نشان دادن یعنی کسی که به بصیرت میرسد، راه را گم نمی کند.

این خصلت را خداوند به چه کسی می دهد؟ به کسی که در راه او تلاش کند. سردار سلیمانی هم تمام زندگی خود را وقف مجاهده و تلاش کرد و نتیجه اش رسیدن به مقاماتی شد که وقتی زندگی او را مطالعه می کنیم، یک نقطه تاریک در آن پیدا نمی کنیم!

الآن موقعیتی است که اگر من شهید شوم خون من برای نسل جدید بسیار بیشتر می تواند خدمت کند تا وجود من در جامعه! آنگاه خاطره ای را برای رفیقشان نقل می کنند که وقتی سیب در بالای درخت رسیده باشد، اگر بماند می پوسد و می افتد. الآن وقت چیده شدن ماست و اشاره می کند به چند نفر و می گوید که میوه شما هم رسیده است!

جناب حجت الإسلام والمسلمین حاج علی اکبری که رئیس ستاد نماز جمعه و امام جمعه موقت تهران هستند می گوید که من به سردار گفتم: الآن وقت آن است که ریاست جمهوری را به عهده بگیرید و رأی اول را بیاورید! گفت: من نامزد شهادت هستم و باید کسی بیاید که اهل این کار باشد!

خدمت به جانباز

ایشان با تمام مشغله ای که داشت، ۵۲ سال در اول هر سال با خانواده خود بود و سپس به خدمت یکی از جانبازان نخاعی میرفت و چند روز از او پرستاری می کرد، غذا می پخت، او را به حمام می برد و تمام کارهای او را بدون منت انجام می داد. چه کسی با چنین مقام و جایگاهی حاضر است این کارها را انجام بدهد؟! مگر اینکه در درونش به مقامات رفیعی رسیده باشد که همان اخلاص است.

پرهیز از ستایش مردمی

بارها در زمان حیات ایشان اصرار شد که کتابی را درباره برجستگی ها و ویژگی های ایشان بنویسند و به جامعه عرضه کنند، ولی حاضر نشد و در جواب می گفت: من که شهید شدم هر کاری می کنید بکنید!

اهل گریه و مناجات

او اهل مناجات و گریه کردن بود. خاطرات فراوانی از ایشان نقل شده که چقدر این مرد اهل گریه بود. هر جمعه یکی از روحانیون را به منزل خود دعوت می کرد و مجلس روضه و گریه برپا می کرد.

جویای گمنامی

آقای صادقی که در تقریباً ۵۲ سال با آن شهید بزرگوار در سپاه قدس کار کرده است نقل می کند که مهمترین خصوصیت ایشان این بود که هرگز ندیدم این مرد جویای نام باشد و فقط جویای گمنامی بود. کارهایی انجام می داد که امکان نداشت اسمی از خودش بجای بگذارد!

نشانه های بصیرت در سردار سلیمانی

از نشانه های بصیرت در سردار دلها، بحث دشمن شناسی او بود که در مقاله بدان اشاره شده است.

نشانه ی دیگر، رهبرشناسی و پیروی از ولی زمان است که از حساس ترین خصوصیات او بود.

انس با قرآن

یکی دیگر از نشانه های بصیرت او، تدوین وصیتنامه بصیرت افزا است که اگر بخواهیم در قضایای کنونی کشور، الگویی را برای اهل فن و بصیرت و کسانی که دلسوز نظام هستند معرفی کنیم، می توانیم به ایشان اشاره کنیم که در وصیتنامه ی خود توصیه هایی را از بالادست گرفته تا پایین دست مطرح می کند که اگر به این توصیه ها عمل شود، هرگز دچار مشکلات نخواهیم شد. بصیرت او به گونه ای بود که با اقشار و طیف ها و احزاب مختلف جامعه در تعامل بود و همواره نگاهش از بالا به پایین بود که به نظر می رسد اگر آن نگاه در آن زمان در سطح جامعه جاری می شد، هرگز شاهد تقابل اشخاص با نظام

همچنین آقای جلال طالبانی رئیس کردستان عراق می گوید: در حین ملاقات با سردار سلیمانی، به من گفته شد که او با ما از آمریکا زنگ زده است! از سردار اجازه خواستم، ایشان هم فرمودند که راحت باشید، شاید محرمانه باشد به اتاق دیگر بروید و صحبت کنید! من گفتم: در همین اتاقی که شما هستید صحبت میکنم! وقتی با رئیس جمهور آمریکا احوالپرسی کردم، به او گفتم: آیا می دانید الآن چه کسی رو بروی من نشسته است؟ پرسید: چه کسی است؟ گفتم: حاج قاسم سلیمانی هم اکنون رو بروی من نشسته است! تا این را گفتم، او با ما با یک حالتی که ناشی از تعجب او بود گفت: ژنرال سلیمانی؟! گفتم: بله!

سید حسن نصرالله نیز خاطره ای از ایشان نقل می کند و می گوید که برخی از دوستان بر من عیب گرفتند که چرا این را گفتید! ایشان می گوید: اگر عزرائیل به من بگوید که ما مأمور هستیم جان سردار ایران را بگیریم، اما استثنایی هم قائل شدیم که اگر شما حاضر باشید جان شما را بجای جان ایشان می گیریم! من میگویم که حاضر هستم جان خود را فدای ایشان کنم تا ایشان بماند، برای اینکه او جهان اسلام را نجات می دهد.

وقتی بعضی از دوستان از این جمله ناراحت شدند، به ایشان گفتم که با تمام وجود این کار را می کنم!

نشانه های اخلاص در سردار سلیمانی

یکی از نشانه های مخلص بودن افراد، پرهیز از دنیاگرایی است که این دنیا شامل مال و مقام هر دو می شود.

با نگاهی کوتاه به زندگی شهید سلیمانی، به این نکته می رسید که هرگاه در زندگی دچار مشکل می شد، فقط با خدای خود در میان می گذاشت و از احدی کمک نمی گرفت.

به سردار قآنی که معاون ایشان بود گفتند که مشکلی در زندگی سردار پیدا شده، شما مساعدت کنید تا حل شود.

ایشان گفتند از صدها مأموریت داخلی و خارجی که دارید، یکی از آنها را به حساب ایشان می زنیم تا مشکل ایشان حل گردد. همین کار را کردند و مبلغ را به حساب ایشان واریز کردند. فردای آن روز وقتی با سردار روبرو شدیم جریان این پول را از ما سؤال کرد، گفتیم که قصه این است! بلافاصله ما و مسئول مالی و حتی سردار قآنی را توبیخ کرد و آن مبلغ را هم برگرداند و گفت: زندگی خصوصی بنده به شما ربطی ندارد و دخالت نکنید!

این یک نمونه از اخلاص آن مرد مخلص بود. موارد زیادی وجود دارد که نشان می دهد او چقدر از بیت المال پرهیز می کرد و هرگز برای اضافه کاری و مأموریت های گوناگون، مبلغ اضافه ای نمیگرفت!

شهادت طلبی

انسانی که مخلص است، به سراغ شهادت می رود. شهید سلیمانی در طول چندین سال مجاهدتی که داشت همیشه در آرزوی شهادت بود و بر آن اصرار داشت؛ اما آنچه که من به دنبال آن بودم و پیدا کردم این بود که چرا ایشان این همه اصرار می کرد که در این سن به شهادت برسد؟ دلیل این اصرار را خودشان مطرح کرده است و به یکی از دوستان نزدیکش که در حال تشریف به حج بود گفته بود که وقتی به آنجا رفتی، اولین بار که چشم شما به کعبه خورد از خدا بخواه که من شهید شوم، آن هم اربابا شوم! وقتی دوست ایشان اصرار می کند که شما برای مقاومت و جهان اسلام مفید هستید! فرمود:

برگشت خواهد بود. دست مبارک شما را می بوسم و از این بیان عذرخواهی می کنم، اما دوست داشتم در شرفیابی حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد. سربازتان و دستبوستان هستم!

انسانی که این همه خطرات و توصیه ها و سفارشات را به دیگران می کند، خودش نیز در میدان عمل به همه آنها عمل کرد و به آرزوی خود رسید و خداوند هم برکات فراوانی را در مرگ او قرار داد و چنانکه درباره حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نقل شده که در شهادت آن حضرت حرارتی است که شعله اش خاموش شدنی نیست، شهادت سردار سلیمانی هم که یکی از نوکران در بستان سید الشهداء بود، یقیناً آن خصلت را داشت و خداوند این نورانیت را در خون او قرار داد که هیچ وقت خاموش نخواهد شد و به عنوان الگویی برای عصر جدید ما خواهد ماند.

پیشنهادی برای ساماندهی اوضاع فرهنگی

در پایان این مقاله به پیشنهادی اشاره میکنم که در تدوین این مقاله نیآوردم، ولی مناسب است در اینجا بدان پردازیم که با همه بحث های مختلفی که درباره شهدا و مخصوصاً شهید سلیمانی شده است، وظیفه ما نسبت به فقر معنوی و فرهنگی جامعه چیست؟

پیشنهاد بنده این است که بجای بسیاری از کارهایی که در این حوزه انجام می شود که ذکر آنها شاید به صلاح نباشد، باید همه باهم به فرمایش مقام معظم رهبری درباره مسائل فرهنگی کشور گوش فرا دهیم و به گفته ی سردار دلور ما شهید سلیمانی، اگر می خواهیم جان و مال و دین و مملکت و انقلاب خود را حفظ کنیم، باید به فرمایشات این سید (رهبر انقلاب) گوش کنیم که چه می گوید!

ایشان درباره اوضاع نابسامان فرهنگی کشور نسخه ای پیچیدند که از حوزه و دانشگاه گرفته تا مسئولین کشوری در این وضعیت معضل فرهنگی، دین‌گریزی، انقلاب‌گریزی، ولایت‌گریزی، روحانیت‌گریزی و ارزش‌گریزی که کل جامعه را فرا گرفته، دو کار باید انجام دهیم:

۱. ترویج سبک و سیره زندگی شهید سلیمانی به زبان های مختلف، با شیوه های مختلف و جذاب، با ساختن برنامه های متنوع در صدا و سیما و رسانه های دیگر؛ چراکه سردار سلیمانی الگوی عصر ما می باشد و زندگی او باید به تصویر کشیده شود تا همگان بفهمند که یک فرد دهاتی و فقیر و کارگر به این مقامات رسیده است! پس جامعه امروز می تواند این کارها را انجام دهد.

۲. ایجاد مدرسه های مختلف.

اگر شما در مکاتب دیگر ملاحظه کنید، به محض اینکه شخصی صاحب مکتب می شود، فوراً برای آن مکتب، مدرسه سازی می کنند و مدارسی را ایجاد می کنند که محور سبک و سیره زندگی آن شخص را ترویج می کنند. البته شهید سلیمانی هر چه داشت در سایه ی قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) بود و هرگز از این دو منبع جدا نبوده است؛ اما او نمونه ای از افراد موفق در عصر کنونی است که توانست در فضای فعلی به این مقامات دست پیدا کند و ما باید با تأسیس مدارس و مراکز مختلف، نیروهایی را براساس این محورها تربیت کنیم.

امیدواریم که خداوند متان، روح عزیز این شهید بزرگوار را با شهدای کربلا محشور فرماید.

نبودیم.

نکته های بصیرت افزای دیگری که در وصیت نامه ی این شهید والامقام به چشم می خورد عبارتند از: دفاع از اسلام و ولایت، حراست از اصول انقلاب، حفظ وحدت و همدلی، احترام به میراث شهدا و خانواده های آنها که یکی از برجستگی های ایشان این بود که امکان نداشت ارتباط خود را با خانواده های شهدا قطع کند، همیشه به سراغ آنها می رفت و از آنها دلجویی می کرد. او می گفت: یکی از سرمایه های بزرگ من این است که می دانم در هر شبانه روز بیش از چند صد نفر از خانواده های شهدا و مادران شهید مرا دعا می کنند! این نشان دهنده ارتباط قوی او با خانواده های معظم شهدا بود. دور شدن از شهدا و خانواده های آنها، از فقرهای جامعه فعلی ماست!

توجه به تربیت جامعه، رعایت اصول در انتخاب مسئولین و فرماندهان نظامی، حمایت از انقلاب و ولی فقیه که در وصیتنامه ی خود در نهایت ادب و احترام خطاب به بزرگان و مراجع عظام می گوید: این سخن کوتاه از یک سرباز چهل ساله در میدان به علمای عظیم الشان و مراجع گرانقدر که موجب روشنایی جامعه هستند می باشد!

زرنگی و تیزهوشی و ادب این مرد به قدری است که نقدها و توصیه هایش به بزرگان از پایین به بالاست، نه از بالا به پایین. الفاظی که به کار می برد، کاملاً بجا و مناسب است. می گوید: من چندین کشور را دیدم و با علمای زیادی دیدار کردم، شما موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی ها از جامعه هستید! خطاب به مراجع عظام تقلید می گوید: سربازانتان از یک برج دیدبانی دیدند که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و ارزش هایی که شما در حوزه ها استخوان خورد کردید و زحمت کشیدید، از بین خواهد رفت! علاوه بر اینکه زحمات مراجع را تجلی می دهد که چه کردند و اگر اینها نبودند ما ارزشی نداشتیم، میگویند که اگر ما دیدبانی می کنیم و از کیان کشور دفاع می کنیم، بخاطر ارزشی است که شما برای ما آفریده اید، ولی این دوره ها با همه دوره ها متفاوت است، چون اگر دشمنان ما این بار مسلط شوند، از اسلام چیزی باقی نمی ماند. راه صحیح و حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب و جمهوری اسلام و ولی فقیه، لازم است!

در ادامه نیز با رعایت ادب و در نظر گرفتن جایگاه عظیم مراجع، خطاب به آنها می گوید: دیگران نباید در حوادث، شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیاندازند که اینجا آری، آنجا نه! همه شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید، راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار در تحت پرچم ولی فقیه است. من با عقل ناقص خود می دیدم که برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای مؤثر در جامعه را با سخنان خود به حالت حق بجانبی به سکوت و ملاحظه بکشاند! حق واضح است که جمهوری اسلامی و ارزش ها و ولایت فقیه است که همه اینها میراث امام خمینی (رحمة الله علیه) می باشند و باید مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت الله العظمی خامنه ای را خیلی مظلوم و تنها می بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیانات خود و در دیدارها و حمایت های خود نسبت به ایشان می بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق و غیرقابل

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی شهید سلیمانی مجاهد کبیر عصر انتظار

ارائه کننده: دکتر محمد علی مشایخی پور

ناقدین: حجج الاسلام دکتر رحیم کارگر، دکتر علی نبی الهی

دبیر علمی: دکتر علی خلیلی طسوجی



باتوجه به ویژگی های جهاد کبیر و پیامبر، و اقدامات او در برابر کفار، از الزامات جهاد فی سبیل الله، اخلاص، عبادت و اموال و انفس را می توان برشمرد که با فقدان هر یک از آنها موجودیتی برای جهاد باقی نخواهد ماند و صداقت میدان جهادگری، اثبات نخواهد شد.

از این رو، با توجه به این مقدمات و ویژگی ها، شهید سلیمانی را می توان مجاهد کبیر انقلابی قلمداد نمود، که جا، جای پای پیامبر نهاد و توانست در برابر فشارها و حمله های گسترده و چند جانبه امروزی دشمن، در نوک پیکان جبهه مقاومت به مقابله پردازد.

مشابهت شاخصه های این شهید با پیامبر، مورد استناد در فرمایشات مقام معظم رهبری و وصیت نامه این شهید می باشد.

همراهی شهید سلیمانی با قرآن و وحی

شهید سلیمانی، همچون پیامبر که از وحی تبعیت می نمود، با همراهی و تبعیت از خط انقلاب که برگرفته از وحی و قرآن است با دشمن مقابله می نمود و حدود شرعی را نیز رعایت می کرد.

ایشان در دوران مقاومت در سوریه و استفاده از منازل سوری، به وسیله تلفن و یا نوشته از صاحبان آنها حلالیت می طلبید.

«شهید سلیمانی، به شدت انقلابی بود و انقلاب انقلابی گری، خط قرمز قطعی او بود، ذوب در انقلاب بود و پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضی الله عنه) بود».

«شهید سلیمانی، فرمانده جنگاور مسلط در عرصه نظامی و در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود».

فرازهایی از وصیت نامه ایشان نشان می دهد که گویی ایشان با وحی دمساز بوده است.

«خداوند تو را سپاس که صلب به صلب، قرن به قرن، از صلب به صلب منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از

برجسته ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم».

حق های این شهید در زینبیه و در کنار مضجع شریف امام رضا (ع)، ناشی از دلدادگی و ارتباط وثیق این شهید با قرآن، وحی و اسلام بود. وقتی سخن از وحی می شود، مراد از وحی، قرآن، اسلام، اهل بیت (ع) و کسانی که از اینها پیروی می کنند، می باشد.

از این رو انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی نیز که با تبعیت از اسلام و قرآن در این مسیر گام نهادند، در جرگه تبعیت از وحی می باشند.

به طوری که شهید سلیمانی می فرماید: «اگر توفیق صحابه رسول اعظم محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راه قرار دادی که آنها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوند! تو را شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عید صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه ای عزیز که جانم فدای جان او باد، قرار دادی».

این عبارات، عمق دلدادگی و تبعیت ایشان از ولی و فقیه، امام عصر خود را بیان می کند و می گوید: اگر از آنها پیروی کنید، در قیامت برای شما کارها انجام می دهند.

البته ایشان، با تلاش مضاعف، دلدادگی و ایثارگری خود را برای زینب کبری و امام حسین (ع) نیز ثابت نمود.

ایشان، متمسک و تابع ولی فقیه بود و در فرمایشات خود، رهبری را نیاز جهان اسلام می دانست.

«برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم.

خوب میدانید منزه ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید».

در راه خدا بودن و تبعیت از او، یکی دیگر از شاخصه های شهید سلیمانی می باشد که اوج دلدادگی و وابستگی او را به تعالیم الهی و مظاهر وجودی آن نشان می دهد.

«خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانت چیزی را ذخیره کرده ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت توست».

«جهادش جهاد بزرگی بود، خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد».

شجاعت، از دیگر ویژگی های جهادگری شهید سلیمانی است. چرا که هر کسی یارای قدم نهادن در مسیر جهاد را ندارد و طبق آیه شریفه قرآن: لا یستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الضر بل مجاهدون فی سبیل الله باموال و انفسهم؛ کسانی که به هربهانه ای از جهاد می گریزند و از جان و اموال خود نمی گذرند و حاضر به ضرر نمی باشند؛ با کسانی که مال و جان خود را در جهاد خدا هزینه می کنند، درجاتشان متفاوت است.

از این رو هرکسی حاضر به هزینه کردن در میدان جهاد نمی باشد.

«این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر میرفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود؛ منطقی داشت برای کارهایش».

این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود».

«آن مردی که میرود جلوی دشمن و او همه نمی کند و در همه ی میدانها نه خستگی میفهمد، نه سرما می فهمد، نه گرما می فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمیتوانست جلوی دشمن برود».

شهید سلیمانی، مجاهد کبیر

با توجه به شاخصه های بیان شده، شهید سلیمانی، مجاهد کبیری است که در نوک پیکان جبهه مقاومت، ایستادگی نمود و جهاد او چند گانه بود. ایشان، نه تنها در عرصه نظامی قدم می گذارد، بلکه گاهی در حوزه سیاست نیز وارد می شد و در قالب یک سفیر و دیپلمات انقلابی، با کشورهای دیگر رایزنی کرده و مواردی را مطرح می ساخت.

علاوه بر این، ایشان در زمینه های دیگر چون اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نیز وارد می شد و تلاش خود را در راستای کمک به آنها، دریغ ننمود.

اقدامات و فشارهای چند جانبه بر روی جبهه مقاومت، تلاش مضاعفی برای ایستادگی و مقابله با آن را می طلبید که شهید سلیمانی توانست با تمام تاب و توان خود در این مسیر قدم نهد، تا در برابر مشکلات، ایستادگی کرده و جهادگر حل مشکلات در همه عرصه گردد تا به مقام مجاهد کبیر دست یابد.

خودسازی شهید و ارتباط او با خدا و اهل بیت، جهاد در نوک پیکان جبهه مقاومت، صدور فتوای جهاد در عراق، وارد شدن روسیه در جنگ سوریه، توسط صحبت های تأثیرگذار شهید سلیمانی، کمک به سیل زدهگان، شرکت در تشییع شهدا و دیدار با خانواده آنها، کمک به مسئولین و... از جمله اقدامات چند جانبه شهید سلیمانی است که او را به جهت این تلاش مضاعف، در جرگه مجاهدان کبیر قرار داد.

«خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت می سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشییع عطر حقیقی اسلام قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابیطالب و فاطمه اطهر بهره مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت هایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد».

ایمان که ویژگی جهاد است، از ویژگی های اساسی جهادگری شهید سلیمانی است که به طریق اولی در ایشان متبلور شده است و در کف میدان با عمل صالح، خود را نشان داده است.

«او نمونه ی برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود».

«شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزشهای خودش را در او متبلور و مجسم دید».

«شخصیت های ایمانی وقتی که ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می شود شخصیتی مثل شهید سلیمانی که حتی دشمنانش او را تحسین می کنند».

استفاده از اموال و انفس، نکته دیگری است که ممکن است کسی در راه جهاد، اموال خود را بدهد، ولی جان خود را دریغ کند.

از این رو، شهادت طلبی، سطح بالاتری است که خداوند متعال در مسیر جهادگری و برای گذشتن از جان در کف میدان، باز نموده است.

شهید سلیمانی، حاضر بود که جان خود را در این مسیر بدهد و سال ها منتظر شهادت بود و بارها در معرض شهادت قرار گرفت.

ایشان، از همه ابزارها برای رفتن به میدان جهاد، استفاده می نمود.

او نه تنها با جان، بلکه با اموال و السنه و زبان خود، به جهاد می پرداخت و از هر فرصتی برای تقریر و ترویج دین و افزایش ایمان، بهره می برد و روحیه و اثرگذاری ایشان، به گونه ای بود که انسان ها را حرکت و می داشت.

«او شوق شهادت داشت و بر آن اشک می ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود».

«حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اوّل نبود، ولی در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت».

«خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود».

اخلاص، ویژگی اساسی و لازم برای حرکت های انسانی است و به فرمایش شهید سلیمانی، اخلاص، تمرین برای دیده نشدن و دوری از تظاهر است. به همین جهت از دیگر ویژگی های این شهید در جهاد فی سبیل الله، مجاهدت مخلصانه بود که این درجه از خودسازی او، باعث شد که جهاد ایشان، جهاد بزرگ و کبیر خوانده شود.

«شهید سلیمانی اهل معنویت و اخلاص و آخرت جویی بود و اهل تظاهر نبود».

«او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید، شهادت پاداش تلاش بی وقفه ی او در همه ی این سالیان بود».

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی انتظار و مقاومت اسلامی در مکتب شهید سلیمانی و تحلیل قرآنی آن

ارائه کننده: سرکار خانم خدیجه حسین زاده

ناقدین: حجت الاسلام و المسلمین محمد صادق یوسفی مقدم، سرکار خانم دکتر ریحانه حقانی

دبیر علمی: سرکار خانم دکتر ریحانه حقانی



طبق بیانات سردار سلیمانی، تلاش برای تحقق تمدن نوین اسلامی و نهادینه

مقاومت پی می بریم. به عبارت دیگر باید بررسی کنیم که چگونه انتظار باعث ایجاد بینش، گرایش و رفتار مقاومتی در انسان می شود. در این مقاله با تتبع در آثار و صوت هایی که از شهید سلیمانی به صورت مقاله، پایان نامه، کتاب و سخنرانی وجود دارد، مؤلفه هایی استخراج شده است و روابط آن ها با مکتب شهید سلیمانی و مستندات قرآنی بیان شده است.

سازی فرهنگ انتظار، از مهم ترین اهداف مکتب شهید سلیمانی است. در بحث مقاومت، سردار سلیمانی به عنوان الگوی عملی، رفتاری و شاخص مطرح است، زیرا سردار سلیمانی در مکتب امامین انقلاب پرورش یافته است. همچنین اندیشه و علم گفتمانی سردار سلیمانی به عنوان شاخصه در بحث مقاومت است.

اما در مواردی نیز آیه ای برای تبیین موضوع یافت نشد. به طور مثال تحلیل قرآنی برای تبیین رابطه بین خدا محوری و مقاومت یا رابطه مقاومت با انتظار یافت نشد. مقاله مورد نظر از چند جهت نوآورانه است؛

در این مقاله، بعد از تبیین مسئله، به چینش ساختار و رابطه دو سویه بین انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی پرداختیم و تأثیر این دو مؤلفه بر یکدیگر را بررسی کردیم تا بتوانیم رابطه بین آنها را اثبات کنیم.

تحلیل های قرآنی موجود در مقاله: پیشینه مستقلى در این زمینه نگاشته نشده است، البته پیشینه های ضمنی در این زمینه وجود دارد که در مقاله به آنها پرداخته شده و تفاوت این متن با پیشینه های ضمنی بیان شده است. در نتیجه تحلیل قرآنی موضوع، یکی از تفاوت های این مقاله با دیگر مقالات است.

همچنین از آیات قرآن شواهدی بر این موضوع ارائه کردیم. برای دستیابی به این مسئله باید عناصر مهم مقاومت مشخص شود و سپس رابطه آنها با انتظار تشریح گردد. مکتب مقاومت در صورتی شکل می گیرد که فرد بتواند نماد و الگوی مقاومت در جامعه اسلامی باشد.

این امر زمانی ممکن می شود که مقاومت برینش، گرایش و رفتار انسان اثرگذار باشد. به همین دلیل فقط، مهم ترین و موثرترین مؤلفه های مکتب شهید سلیمانی را بررسی کنیم. در عناصر بینشی به تبیین مؤلفه مهم توحید محوری و ولایت مداری شهید سلیمانی پرداختیم و بعد از آن شهادت طلبی و استکبار ستیزی و عزت طلبی مکتب شهید سلیمانی را بیان کردیم. همچنین در عناصر رفتاری و عملی شهید سلیمانی به دو مؤلفه دیگر اشاره کردیم. با بررسی رابطه انتظار با عناصر بینشی مقاومت، به تأثیر انتظار بر

این امر زمانی ممکن می شود که مقاومت برینش، گرایش و رفتار انسان اثرگذار باشد. به همین دلیل فقط، مهم ترین و موثرترین مؤلفه های مکتب شهید سلیمانی را بررسی کنیم. در عناصر بینشی به تبیین مؤلفه مهم توحید محوری و ولایت مداری شهید سلیمانی پرداختیم و بعد از آن شهادت طلبی و استکبار ستیزی و عزت طلبی مکتب شهید سلیمانی را بیان کردیم.

همچنین در عناصر رفتاری و عملی شهید سلیمانی به دو مؤلفه دیگر اشاره کردیم. با بررسی رابطه انتظار با عناصر بینشی مقاومت، به تأثیر انتظار بر

خواهم بود.

استناد قرآنی این موضوع، آیه ۹۵ سوره نساء است که خداوند می فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک فرجام تر است)).

طبق این آیه ولایت انبیاء در امتداد ولایت خداوند متعال معرفی شده و به تبع آن در زمان انتظار، ولایت فقیه شعبه ای از این ولایت است. بنابراین انتظار به معنای ظهور برای منجی است و منتظر واقعی، کسی است که روحیه ولایت مداری داشته باشد.

برای تحلیل قرآنی این موضوع، آیه ای پیدا نکردیم که به صراحت رابطه بین ولایت مداری و انتظار را تحلیل کند.

مقاومت سه شاخصه و عنصر سازنده مهم دارد که شامل شهادت طلبی، استکبار ستیزی و عزت طلبی است. یکی از عناصر مهم گرایشی در مکتب شهید سلیمانی، شهادت طلبی است که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است، با این عنوان که شهدا زنده هستند و در نزد خداوند روزی می گیرند. خداوند در آیه ۳۲ سوره احزاب می فرماید: ((مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند)). این آیه بین مقاومت و روحیه شهادت طلبی رابطه ایجاد کرده است و به گروهی اشاره می کند که به خاطر روحیه شهادت طلبی، انتظار شهادت را می کشند.

ارتباط بین انتظار و شهادت طلبی در اینجا است که افراد برای تحقق حکومت مهدوی باید شخصیت شهادت طلبی داشته باشند. در مراحل بعدی به تبیین استکبار ستیزی، عزت طلبی و تاثیر آن بر انتظار پرداختیم.

به دلیل محدودیت تعداد صفحات مقاله، بعضی از آیات قرآن حذف شده اما سوره و شماره آیات بیان شده است تا حق مطلب ادا شود. عناصر رفتاری مقاومت از مهم ترین مباحث استقرار حکومت اسلامی، اقتدار و توانمند سازی است و از مؤلفه های نهادین در مکتب شهید سلیمانی است.

برای استناد این موضوع به بیانات سردار سلیمانی و وصیت نامه ایشان مراجعه کردیم. در بحث مفاهیم، واژه انتظار به این معنا است که شخصی منتظر آمدن منجی است تا جامعه را از وضعیت نامطلوب موجود به وضعیت مطلوب تهره دایت کند. اضطراب و نیاز شخص منتظر، عنصر بینشی مؤثری است که می تواند در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی برای افراد مقاومت ایجاد کند تا امید به ظهور منجی تحقق یابد. عدالت خواهی، از مهم ترین مؤلفه گرایشی انتظار است که باعث می شود انسان به نصرت الهی امیدوار باشد و آمادگی کسب کند تا زمانی که موعود ظهور کند و او را از وضعیت نامطلوب موجود نجات دهد.

بر اساس سخنرانی های شهید سلیمانی و مطالبی که دوستان و همزمنا ایشان نقل کردند، شهید سلیمانی در نهایت اخلاص بودند.

همچنین مقام معظم رهبری فرمودند: ((از همه بالاتر اخلاص شهید سردار سلیمانی بوده است که شجاعت و تدبیر را برای خدا خرج کرده و اهل ریا و تزویر نبوده است، اخلاص بسیار اهمیت دارد و ما باید در خودمان اخلاص را تمرین کنیم)).

مقام معظم رهبری در اینجا به خدا محوری سردار سلیمانی اشاره کردند زیرا منشأ اخلاص، خدا محوری است. بنابراین سردار سلیمانی، خدا ترس و اهل عشق بازی با خدا بوده است، که این امر در مناجات هایشان مشهود است. در گام بعدی رابطه ی بین خدا محوری و مهدویت را بررسی کردیم.

مهدویت یکی از مؤلفه های انتظار است که ریشه در بینش توحیدی فرد دارد. اگر باور و بینش توحیدی در شخصی وجود نداشته باشد، مسئله انتظار نیز برای او تفهیم نمی شود.

خداوند متعال در آیه ۵۱ سوره شوری می فرماید: ((فَلْيَدِّ لَكَ فَاذُعْ وَاشْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ بنابراین به دعوت پرداز و همان گونه که مأموری ایستادگی کن و هوس های آنان را پیروی مکن و بگوبه هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مامور شدم که میان شما عدالت برقرار کنم خدا پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست میان ما و شما خصومتی نیست خدا میان ما را جمع می کند و فرجام به سوی اوست)).

مفسران در تبیین این آیه بیان کردند، بعد از اینکه خداوند نبی اکرم را به استقامت امر نمود، به ایشان فرمود که بگوبه خدا ایمان آوردم.

یعنی در این آیه بین خدا محوری و استقامت (مقاومت) رابطه برقرار کرده است. طبق این آیه شریفه منظور از خدا محوری، خدا محوری در عقیده نبوده است، بلکه خدا محوری در حیطه عمل است، که مصداق آن در آیه ۴۶ سوره آل عمران بیان شده است.

خداوند در این آیه می فرماید: ((قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را [غیر از خدای یگانه] به خدایی نپذیرد. هرگاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگوئید گواه باشید که ما مسلمانیم)).

ولایت مداری از ویژگی های مکتب و اصول بینشی شهید سلیمانی است. بر اساس بیانات شهید سلیمانی، ولایت مداری تاثیر به سزایی بر مقاومت ایشان داشته است. ایشان در مواضع خود، حکم مقام معظم رهبری را حکم الله قلمداد کردند و در تمام مراحل زندگی و وصیت نامه خود نیز به این مطلب توجه ویژه ای داشتند. شهید سلیمانی در فتنه سال ۱۳۸۸ نیز به این شاخصه پرداختند و گفتند، اگر اتفاقی بیفتد که همه علما یک طرف باشند و مقام معظم رهبری در سمت دیگر باشد، من قطعاً سمت مقام معظم رهبری

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی «مقایسه تطبیقی مکتب امام خمینی (ره) و مکتب شهید سلیمانی در نظام معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

ارائه کننده: دکتر محمود قاسمی

ناقدین: حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین الهی نژاد، دکتر محمد رجبی

دبیر علمی: دکتر ابوالفضل معصومی



عنوان بحث در خصوص مقایسه تطبیقی بین مکتب حضرت امام و مکتب شهید سلیمانی با توجه به دستگاه معرفتی مقام معظم رهبری می باشد. اما اینکه چرا این موضوع، مورد پرسش قرار گرفته است، بدین دلیل می باشد که در دستگاه معرفتی و منظومه فکری مقام معظم رهبری ما با دو کلید واژه در خصوص مکتب مواجه هستیم، نخست در خصوص مکتب حضرت امام و دیگری نیز در خصوص مکتب شهید سلیمانی پس بنابراین ما با دو عنوان مکتب سروکار داریم.

البته نظرات مختلفی در این خصوص مطرح شده است، به عنوان مثال برخی معتقدند اطلاق مکتب در مورد شهید سلیمانی به صورت مستقل مطرح نشده، بلکه مکتب شهید سلیمانی در امتداد مکتب حضرت امام می باشد یا اینکه عنوان شده است که مقام معظم رهبری در بیان مکتب، در صدد تبیین آن نبودند، بلکه صرفاً سخنان ایشان ناظر به معنای لغوی این واژه بوده و به نوعی الگوگیری و درس آموزی از مکتب این شهید بزرگوار را یادآور شده اند.

ضرورت شناخت مکتب شهید سلیمانی

آنچه ضرورت شناخت مکتب شهید سلیمانی را امری اجتناب ناپذیر می سازد، اینکه مقام معظم رهبری از شهادت ایشان به ایام الله یاد کرده اند. از دیدگاه مقام معظم رهبری این ایام به عنوان نقطه عطف تاریخ زندگی انسان است که نقش زیادی در شناخت ماهیت بشر و آگاهی وی دارد؛ لذا با این توصیف، شناخت مکتب شهید سلیمانی ضرورتی است اجتناب ناپذیر.

مکتب شهید سلیمانی در امتداد مکتب امام راحل

در طول تاریخ مکاتب زیادی ایجاد شده و پیامبران زیادی آمده اند که هر کدام دارای مکاتبی بودند، این انسان‌ها به لحاظ یک سری ویژگی‌ها و شاخص‌ها ویژه بودند و توانسته‌اند ایجاد مکتب کنند. معمولاً کسانی می‌توانند تبدیل به یک الگو شوند که به لحاظ اخلاقی، علمی و عملی در سایر مسائل از خود یکسری ویژگی‌هایی برجای بگذارند و براساس آن، تبدیل به یک الگو و مکتب شوند.

در دنیای معاصر، مکتب حضرت امام راحل را داریم که از هر لحاظ دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و وقتی که ایشان از دنیا رفت، آن ویژگی‌های اخلاقی به یک مکتب تبدیل شد که افرادی در همان دوره و یا بعد از آن، تلاش می‌کنند از طریق این شاخص‌ها راه خود را پیدا کنند. شهید سلیمانی هم یک چنین الگویی برای مردم ایران و جهان و پرورش

یافته مکتب امام راحل بود و با پیگیری شاخص‌هایی که امام راحل از خود بجای گذاشته بود و با استمرار آن‌ها توانست خود را به عنوان الگو معرفی کند و این الگو تبدیل به یک مکتب شده است.

مراحل شناخت مکتب شهید سلیمانی

ما برای شناخت مکتب شهید سلیمانی، نیازمند سه مرحله هستیم، نخست متقاعد کردن مخاطبین در خصوص وجوه شباهتی که در این زمینه وجود دارد، مرحله دوم مشخص کردن انبوه معلوماتی که در این خصوص وجود دارد و گام سوم نیز اینکه بستر را برای پیاده کردن این دانایی‌ها فراهم کنیم.

ما برای آماده کردن زمینه و تطبیق معلومات با مولفه دوم باید با درک تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که در دو حوزه مفهومی وجود دارد از رهنمودها و دلالت‌های حوزه الف برای بازسازی و توسعه حوزه دوم بهره‌مند شویم.

بدیهی است در این روش ما می‌توانیم در توسعه و بازسازی ارزش‌های والای مکتب شهید سلیمانی به نتایج مطلوبی دست یابیم.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد ما برای تبیین مکتب شهید سلیمانی نیازمند امتداد بینشی هستیم که به واسطه ظرفیت مفهومی پدیده اول ایجاد کرده‌ایم.

در این رابطه که از بافت اندیشه مقام معظم رهبری الگوگیری می‌شود به دنبال بازسازی شبکه مضامین مکتب حضرت امام و توسعه این شبکه در خصوص مکتب شهید سلیمانی هستیم.

هدف از بازسازی نیز این است که بتوانیم مضامین ضمنی و پنهان را

آشکار کرده سپس به این نتیجه دست یابیم که مکتب شهید سلیمانی با تاسی و پیروی از مکتب حضرت امام تشکیل یافته و در امتداد این مکتب قرار دارد.

البته در فرایند تدوین مطالب نیازمند این هستیم که به صورت علمی کار را دنبال کنیم و چون در این زمینه با فقر منابع مواجه هستیم، ضرورت دستیابی به منابع اصیل و پژوهشگران زبده و کارآزموده بیش از پیش احساس می شود.

ویژگی های مکتب از منظر شهید مطهری و شهید صدر

از ویژگی های مکتب شهید مطهری، معرفی یک دستگاه معرفتی است که از مجموعه ای از اندیشه های هماهنگ و سازگار تشکیل یافته است و نسبتی که با زندگی و عملکرد وی در دنیا برقرار می کند می تواند پایه های جهان بینی وی را تشکیل دهد.

شهید صدر نیز در کنار بحث از فلسفه و مکتب، مباحث نظام و علم را مطرح می کند. از دیدگاه ایشان علم ناظر به کشف حقایق و پدیده های خارجی و مکتب نیز بر اساس مبانی فلسفی، مدل ها و روش هایی برای تنظیم حیات بشر ارائه می کند تا بشر امروزی بتواند بر اساس این برنامه اهداف میان مدت و بلند مدت خود را تنظیم کند.

مکتب شهید صدر دارای ابعاد و جوانب گوناگونی است و به تمام رشته های معارف اسلامی و انسانی می پردازد و تنها به علوم مانند فقه و اصول اکتفا نکرده است، اگرچه عرصه فقه و اصول عرصه اصلی و گسترده موفقیت ها و ابتکارات علمی ایشان محسوب می شود.

این جامعیت مکتب شهید محصول بهره مندی وی از ذهنی خلاق و همه جانبه نگر است.

چنین ذهن هایی را می توان از نوادری به شمار آورد که در برهه هایی از تاریخ علم و عالمان ظهور کرده و هر یک در عصر خود نقطه عطف تاریخی تازه ای را در جهت گیری و استحکام جنبش های معرفتی ایجاد می کنند.

مکتب از دیدگاه مقام معظم رهبری

مکتب از دیدگاه مقام معظم رهبری، به اصول و معارف سازنده اطلاق می گردد که در زمینه عمل به کار می رود و نقطه اساسی آن، بیان مسئولیت ها و وظایف وی در دنیا است.

مکتب از دیدگاه امام خمینی (ره)

از دیدگاه امام راحل، مکتب مجموعه ای است که به تفسیر انسان و جهان می پردازد و سپس باید ها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می کند، در واقع مکتب مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی یک انسان است.

با توجه به مطالب فوق، در تعریف مکتب از دیدگاه امام راحل، ما کلماتی برخورد می کنیم که به وجه تربیتی اسلام در ساخت انسان اشاره می کند. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، آنچه در ساخت یک مکتب نقش اساسی دارد بیان چارچوب و اصول فکری است که در مقام عمل و ساخت شخصیت فکری انسان نقش مهمی دارد.

یک مکتب در درون خود الگویی جامع و درس آموز برای انسان است که در مقام کنش به اعمال وی در عرصه دنیا جهت می دهد و آن را در جهت

اهداف وی تنظیم می کند.

تعریف مکتب امام در بیان مقام معظم رهبری

از نظر مقام معظم رهبری، مکتب امام راحل برگرفته از مکتب سیاسی اسلام و در حقیقت مفسر و تفسیرگر نظام جمهوری اسلامی می باشد.

این مکتب مبتنی بر واقعیات بوده و از بینش و سیره و سلوک حکومتی ایشان تشکیل یافته است.

مکتب امام خمینی شامل یک بسته کامل، مجموعه و دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید و باهم ملاحظه کرد، لذا رهبرانقلاب شریعت اسلامی را مبنای [چهارچوب] مکتب امام خمینی ره معرفی می کنند.

شریعت نظام فراگیری است که تمامی جوانب و زوایای زندگی بشر را در می گیرد و شریعت اسلامی نیز مجموعه ای از احکام، مقررات و قواعد شرعی است که خداوند عزوجل آن را برای بندگان تشریح کرده است.

رهبرانقلاب آزادی مدنی و عمومی، استقلال، مردم سالاری دینی، معنویت، عدالت، عقلانیت، قدرت و اقتدار برخاسته از اختیار و انتخاب مردم، نفی ظلم، کمک به مظلوم، را از شاخص های مکتب امام خمینی برمی شمارند.

مکتب سیاسی امام خمینی (ره)

هسته مرکزی مکتب سیاسی امام (ره)، اسلام سیاسی است که به صورت نظام ولایت فقیه در مهندسی نظام جمهوری اسلامی تبلور یافته است. در این مکتب دو مولفه عظمت مسلمین و دفاع از مظلومان و مستضعفین به عنوان اهداف عمده و راهبردی شمرده می شود.

شاخص های مکتب امام (ره)

همان گونه که اشخاص تحریف پذیر هستند، مکاتب نیز در معرض تحریف قرار می گیرند، اما آنچه جوهره اصلی مکتب امام را تشکیل می دهد اسلام ناب محمدی است، اسلامی که از اصول ثابتی تشکیل یافته و با توجه به مقتضیات زمان و مکان پیش می رود.

همان طور که اشاره شد، از دیدگاه مقام معظم رهبری، نقطه اساسی یک مکتب مسئولیت های انسان در دنیا است، این نکته در مکتب حضرت امام نیز مورد توجه قرار گرفته است و مقام معظم رهبری در توصیف ویژگی های مکتب ایشان مورد تاکید قرار داده اند. نکته دیگر، جوهره اصلی مکتب امام است که مقام معظم رهبری در بررسی آن به رابطه دین و دنیا پرداخته اند، در این نسبت دین در حقیقت شکل دهند تلاش های انسان در دنیا و دنیا نیز میدان اساسی وظایف و مسئولیت های انسان است.

ارکان و ابعاد مکتب امام (ره)

سه مولفه معنویت، عقلانیت و عدالت به عنوان ارکان اصلی مکتب حضرت امام راحل (ره) می باشد. مولفه های مذکور، به همراه جوهره اصلی مکتب امام که همان اسلام سیاسی یا اسلام ناب محمدی است شاکله و ساختار اصلی مکتب امام خمینی (ره) را تشکیل می دهد.

ارکان تربیت در اندیشه متفکران

از نظر مقام معظم رهبری، شهید سلیمانی به عنوان نمونه برجسته تربیت شده مکتب امام می باشد، با این توصیف باید ببینیم که مقوله تربیت در اندیشه متفکرین اسلامی از چه مولفه هایی تشکیل شده است.

زمان ظهور قدرت و عزت الهی برای بیداری بشریت است و لذا مقام معظم رهبری در تناسب بین این دو موضوع براهمیت شناخت مکتب شهید سلیمانی و ضرورت الگوگیری از این شهید بزرگوار تاکید دارند.

تمدن سازی

تمدن در تعریف خاص خود، فعلیت یافتن ارزش های بالقوه یک اندیشه و تفکر است.

از منظر مقام معظم رهبری ایجاد تمدن و عینیت بخشی به ارزش های الهی، زمانی اتفاق می افتد که ظرفیت های ویژه بینشی، منشی و کنشی یک انسان در مقیاس یک ملت و امت، به فعلیت لازم برسد، در این صورت یک انسان به مرحله ای از کمال می رسد که قدرت تحول دارد و می تواند در فرهنگ پیرامون خود تغییر ایجاد کند.

مجاهدان الهی

در پایان عرائضم باید عرض کنم که تمام مجاهدان الهی، دارای یک محتوا و جوهر هستند که به تبع شرایط و ظرفیت مکانی و زمانی که دارند از قالب های متفاوت و ظهور و بروزهای متعددی بهره مند هستند؛ بدین سبب در خصوص مکتب شهید سلیمانی و مکتب حضرت امام می توان گفت با اینکه ظهورات متفاوتی دارند، هر دو جوهره یک حقیقت هستند که حلقه اتصال بین دو این دو مکتب می باشد.

در ارکان تربیت از منظر متفکران اسلامی چند مولفه اساسی به چشم می خورد، نخست توجه به عالم از منظر خلقت؛ بر این اساس نباید به عالم صرفاً از منظر عالم طبیعت نگاه کرد.

دوم، درک حضوری مفاهیم واقعی و عدم اکتفا به ذهنیات و سوم مشاکلت، به معنای ایجاد تناسب موجودی با مبدا اعلی (خداوند) در این فرایند تربیتی که از مولفه های اساسی مکتب ساز ترکیب یافته، سالک یا مرتبی با طی مراحل تهذیبی و تربیتی رشد کرده و به مرحله ای کامل از درک واقعیات می رسد.

این مکتب تربیتی انسانی تولید می کند که قابلیت تحول دارد و می تواند تحول آفرین باشد.

ضرورت پرداخت به دیدگاه شهید سلیمانی

همان طور که اشاره شد، مقام معظم رهبری ایام شهادت شهید سلیمانی را به ایام الله نام گذاری کرده اند. این ایام به خاطر وقایع و اتفاقات مهمی که در آن روی می دهد از اهمیت خاصی برخوردار است و در قرآن نیز بدان اشاره شده است.

قرآن مجید از روزهای سرنوشت ساز و اثرگذار مهم تاریخی به «ایام الله» تعبیر کرده است. گرچه در مورد مصادیق و موارد آن ها مشخصاً چیزی نگفته و آن را به برداشت از محتویات آیات قرآنی و رهنمودهای رهبران دینی و تحلیل های مبتنی بر ملاک های مذهبی متدینان واگذار کرده است.

در قرآن «یوم الله» نه به صورت مفرد که به صورت صیغه جمع «ایام الله» آمده است. با توجه به قرائنی که در خود آیه و نیز در روایات وجود دارد به معنای یوم الله های متعدد، نه یک حادثه ی مهم که در طی چند روز اتفاق افتاده باشد.

زیرا حوادثی که مشمول «ایام الله» می شوند و در قرآن یا در روایات از آن ها یاد شده است متعدّدند از سوی دیگر فلسفه ی تذکریه «ایام الله» و غرض از طرح آن که هوشیاری و عبرت آموزی بشر است، با توجه به مجموعه ی حوادث مهم تاریخی به دست می آید. وقتی روزی تبدیل به «ایام الله» می شود، طبیعتاً احاد جامعه ی اسلامی وظائف مهمی در برابر آن دارند. اولین و مهم ترین وظیفه ای که جامعه ی اسلامی در برابر «ایام الله» دارد، یادآوری و زنده نگه داشتن آن است. حضرت آیت الله خامنه ای در این خصوص معتقدند عنصر اصلی در معنای «ایام الله»، «نشانگر بودن دست قدرت الهی» است. لذا «ایام الله»، «یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می کند.» لذا ایشان، «ایام الله» را روزهای عادی نمی دانند؛ بلکه آن را «روزهای نقطه ی عطف تاریخ و روزهای تاریخ ساز» می دانند.

برخی مفسران بزرگ نیز همین تفسیر را پذیرفته اند و قائلند «ایام الله» آن زمان هایی است که دست قدرت الهی آشکار شده است یا قرار است در آینده ای نزدیک آشکار شود. روزهایی که هیچ یک از اسباب و علل طبیعی به کار نمی آیند و همه ی امور تنها به دست قدرت خداوند اداره می شوند. این گونه روزها، روزهایی هستند که دست قدرت و پیروزی الهی به وضوح دیده می شوند و عزت خدایی، خودنمایی می کند.

پس بنابراین، در این ایام که به عنوان نقطه عطف تاریخ نام برده شده است،

نشست علمی «کارکرد شخصیت‌شناسی شهید سلیمانی در الگودهی نسل منتظر»

ارائه‌کننده: آیت‌الله سید ابوالفضل طباطبایی

ناقدین: حجت‌الاسلام و المسلمین شمس‌الدینی

دبیر علمی: علی ابوترابی



کسی را بشناسیم باید دو شناخت نسبت به آن پیدا کنیم. شناخت شناسنامه‌ای و دیگری شناخت شخصیتی است. یکی از شخصیت‌هایی که نه در ایران، بلکه در تمام جهان شناخته شده است، شهید سلیمانی می‌باشد؛ در خصوص شخصیت این شهید بزرگوار، چون از جهات مختلف مهم و حائز اهمیت است لذا باید مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر اینکه، از آنجا که وقتی شناخت شخصیت فردی برای ما ارزشمند و هدفمند است که ابعاد شخصیتش با آموزه‌های دینی ما و آنچه سیره ائمه (ع) بوده است نزدیک باشد. با این توصیف، در این نشست علمی سعی شده است با نگاهی نو و جدید به ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی، به بررسی ابعاد شخصیت این بزرگوار در آموزه‌های دینی، آیات و روایات بپردازیم.

اما قبل از ورود به بحث این سوال مطرح می‌شود که چرا باید جوانب شخصیتی همچون شهید سلیمانی مورد بررسی قرار گیرد؛ افرادی مانند پیامبر و ائمه معصومین (ع) که از طرف خداوند برای مردم به عنوان الگو معرفی شده‌اند، ولی سایر افراد جامعه مانند شهید سلیمانی، امام راحل، مقام معظم رهبری، مراجع تقلید و سایر افراد برجسته جامعه چرا باید در کنار پیامبر اسلام به عنوان الگو معرفی شوند. در پاسخ به این سوال باید گفت آنچه در الگوپذیری یک رفتار مهم است، این که اولاً برخاسته از مولفه‌های مهم و اثربخش باشد؛ ثانياً برخاسته از متن دین و با توجه به مبنای عقلایی و عقلائی شکل گرفته باشد. مؤلفه‌های این شخصیت بزرگ وقتی فراگرد هم می‌آیند جامعیت یک شخصیت را به تصویر می‌کشند و او را به عنوان یک مکتب و یک چراغ راه و یک مدرسه درس آموز معرفی می‌کنند. منظومه‌ای که همه اجزای آن با یکدیگر همگون و هماهنگند ما در این شاکله شخصیتی، تضاد و شک و تردید و نوسان نمی‌بینیم. او یک اسطوره است اما نه اسطوره ای از عهد باستان بلکه اسطوره ای پیش چشم، ملموس و مربوط به جامعه کنونی ما، الگویی عینی برای هر کسی که بخواهد در مسیر کمال گام بردارد. او تلاش کرده بود تا همه ظرفیت‌های وجودی خویش را شکوفا نماید و تصویری از چهره یک انسان کامل و نه تک ساحتی را در عصر کنونی به جامعه ما و جهانیان نشان دهد.

شهید سلیمانی تنها یک الگودر عرصه نظامی و جنگاوری نبود، بلکه او برای همه کارگزاران و دست‌اندرکاران اداره بخش‌های مختلف کشور و برای آحاد ملت عزیز ایران مخصوصاً جوانان برومند این سرزمین یک الگوی جامع اخلاقی، فکری، معرفتی، معنوی و نمونه ای برجسته از مدیریت جهادی است. در اینجا باید به بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اسلامی توسط رهبر حکیم و آینده‌نگر

یکی از مهم‌ترین اسلوب‌ها و شیوه‌های تبلیغی و تربیتی در اسلام، توجه به مسئله الگو و الگوسازی است. اما این که چرا این مسئله موضوعیت دارد و انسان هم در قالب مصداقی و موضوعی باید به دنبال شناخت الگو باشد، باید عرض کنم که پیروی از الگوها یک امر طبیعی و مطابق فطرت آدمی است. هر انسانی طبیعتاً در زندگی بر طبق فطرت خویش و مطابق نوع آفرینشی که خداوند در وجود وی به ودیعه نهاده به دنبال یک الگو و پیروی از آن است. لذا این مسئله بسیار مهم و حائز اهمیت است که بتوانیم از ظرفیت عمومی به صورت بهینه و مستمر استفاده کنیم. در الگوسازی چند نکته مهم و قابل توجه است که بدان اشاره می‌کنم:

- ۱- الگو باید کامل و جامعه باشد.
- ۲- الگو باید زنده و پویا باشد؛ بدیهی است الگوهای قدیمی و کهنه هیچ‌گاه نمی‌تواند در جامعه تاثیرگذار باشند.
- ۳- آنچه فطرت بشر می‌پذیرد رفتارهای عینی و ملموس جامعه است و لذا نباید الگومبتنی بر یک امر خیالی و متوهم استوار باشد. در قرآن کریم خداوند پیامبر را به عنوان الگو برای مردم معرفی کرده است؛ در این خصوص در قرآن آمده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

نکته ای که در الگوسازی مهم است این که الگو باید جامع و از تمام ابعاد شخصیتی و رفتاری انسان برخوردار باشد. اگر در یک الگو فقط بخش خاصی از توانمندی‌های انسان مورد توجه قرار گیرد، قاعدتاً بخش‌های دیگر مورد غفلت قرار می‌گیرد و ما دچار بخشی‌نگری خواهیم شد. وقتی می‌خواهیم

هستند، چه آنهایی که بصیرت شان، آنها را کمتر به ولایت فقیه می رساند و چه آنهایی که ولایت مداری شان از عصر حضور تا عصر غیبت تداوم داشته و لحظه ای از آن کوتاه نمی آیند. با این توصیف، شهید سلیمانی نه تنها در عرصه ملی، بلکه در عرصه بین الملل نیز یک الگو محسوب می شود و تمام مجاهدان اسلام نیز به دلیل ولایت مداری ایشان، وی را به عنوان یک الگو پذیرفته بودند.

۳- مدرسه محبت، این مدرسه، یک مدرسه عمومی است که شامل تمام افراد جامعه اعم از ایرانی و غیر ایرانی، با حجاب و بی حجاب و حتی شیعه و سنی می شود. دامنه شمول این مدرسه بسیار وسیع بوده و هیچ حد و مرزی نمی شناسد و این نشان از رمز محبوبیت این شهید بزرگوار است. من برای اینکه به وسعت این موضوع اشاره کنم، به مراسم بزرگداشت این شهید بزرگوار در سوریه اشاره می کنم که در آن افراد مختلف از هر ملیت و نژاد اعم از شیعه و سنی، مسیحی و دروزی و..... حضور یافتند و از صمیم قلب یاد و خاطره وی را گرامیداشتند. حتی در تصویری که از رسانه ملی نشان داده شد، در آن کودکی را مشاهده می کنیم که در هنگام نماز گلی به رسم هدیه به ایشان می دهند که نشان از علاقه و محبت کودکان به این شهید بزرگوار دارد. پس بنابراین با توجه به دامنه شمول مدرسه محبت می توان این ظرفیت را برای آن در نظر گرفت که به صورت یک جامعه جهانی تجلی یابد. جامعه ای که در آن می توان زمینه وحدت را فراهم کرد و بسیاری از اختلافات و چالش های موجود در جهان اسلام و بین مذاهب اسلامی را برطرف نمود.

۴- مدرسه فکر و اندیشه، همان طور که مستحضر هستید منظومه فکری شهید سلیمانی، از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یک مکتب نام برده شده است. این تعبیر، یک تعبیر جهانی و فرامرزی است؛ نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهایی که مبارزه با استکبار جهانی را سرلوحه کار خود قرار داده اند، مورد توجه قرار گرفته است. قابل توجه اینکه این اندیشه توانست تمام ملت ها و فرق گوناگون سوریه را به هم پیوند دهد و فکر مبارزه با استکبار همواره در اذهان مردم زنده و ماندگار بماند.

نقش شهید سلیمانی در عرصه بین الملل

شهید سلیمانی توانست بین کشورهای منطقه همگرایی ایجاد کرده و جهان را از یک قطبی بودن خارج کند. قابل ذکر است بررسی نقش شهید سلیمانی در منطقه تنها از زاویه ارزش های اسلامی، انقلابی و ایرانی و دستداران ایشان منحصر نیست، بلکه این بررسی در زمان و مکان های دیگری نیز مطرح می شود. این فرمانده شهید توانست در قالب ارزش ها و اصول حقوق بین الملل که مفروض و مورد قبول نوع انسان ها، دولت ها و نهادهای بین المللی است تأثیرات شگرفی در عرصه بین الملل ایجاد کند که ما در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم: محور اول نقش شهید سلیمانی در راهبری و فرماندهی عملیاتی مبارزه با گروه تروریستی داعش در عراق بود که در این محور نیروهای مردمی عراق را که تحت عنوان حشد الشعبی شناخته می شوند، شهید سلیمانی از لحاظ سازماندهی، هدایت و راهبری نقش اول را داشت؛ نقش مستشاری برای فرماندهان ارتش عراق و نیروهای مردمی عراق، تأمین و پشتیبانی سیاسی مبارزه ملت و دولت عراق علیه تروریسم به نمایندگی از ایران را شهید سلیمانی انجام می داد.

انقلاب صادر گردید اشاره نمود و اینکه برای تحقق اهداف و رویکردهای این بیانیه بایستی به مؤلفه های مکتب شهید سردار سلیمانی توجه داشت و آنها را در مقام عمل دنبال نمود. با داشتن چنین روحیه ای و چنین ویژگی هایی مطمئناً مسیر حرکت به سمت آینده ای روشن و امیدبخش بسیار دقیق تر و سریع تر طی خواهد شد. هر قدر به او و سیره معنوی و فکری و فضائل اخلاقی و نوع مدیریتش که مدیریتی جهادی با نگرشی انقلابی بوده است نزدیک تر شویم به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نزدیکتر شده ایم.

من در ادامه برای تبیین بحث، خاطره ای در این زمینه اشاره می کنم: در خصوص نشر آثار و اندیشه های مقام معظم رهبری در خدمت فرزند ایشان بودیم که این مسئله را از ایشان جویا شوند. همان طور که مستحضر هستید رهبری از اموری که مربوط به ایشان هستند دوری می کنند با این حال این مسئله را خدمت ایشان مطرح کردیم. ایشان در جواب فرمودند اگر برای انتشار آثار به دنبال این هستید که سخنان بنده را منتقل و معرفی کنید ارزشی ندارد چون من نیز مانند سایر افراد جامعه هستم، اما اگر به دنبال این هستید که آثار و کتب بنده را برای معرفی و تبیین اسلام ناب انجام دهید اشکالی ندارد. خوب این نکته علاوه بر اینکه معرفت تواضع مقام معظم رهبری است پاسخ به این سوال است که وقتی شخصیتی همچون شهید سلیمانی را به عنوان یک الگو معرفی می کنیم به دنبال این هستیم که رفتار پیامبر و اندیشه های وی را برایشان که در حال حاضر با ما زندگی می کنند و به عنوان یک الگو مطرح هستند منطبق کنیم. البته این که ایشان فعلا در میان ما نیستند ضرری به مباحث ما وارد نمی کند، چون که خداوند در قرآن شهدا را زنده معرفی کرده است و آنچه در این خصوص مهم است تأثیرات عینی و رفتاری ایشان در جامعه است که به وضوح قابل مشاهده است. همان طور که مستحضر هستید شهدا با اینکه از حیات ظاهری برخوردار نیستند، ولی در حقیقت زنده هستند و از حیات باطنی و برزخی بهره مند هستند حیاتی که به مراتب از اهمیت بالایی نسبت به حیات ظاهری برخوردار است و بدین وسیله هم می تواند منشا اثر فراوانی در دنیا و آخرت باشد. با این توصیف، از این جهت که شهدا زنده اند می توان با آنها زندگی کرد و از الگوی عینی و رفتاری آنها بهره مند شد و به پاسداشت مقام آنها در جهت احترام و تعظیم این عزیزان پرداخت. نکته دیگری که در الگوسازی شخصیت و جوانب شخصیتی شهید سلیمانی وجود دارد، توجه به ابعاد شخصیتی این شهید بزرگوار است. برای تبیین ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی که به عنوان یک مکتب مورد بررسی قرار می گیرد، چهار مدرسه قابل ارائه است:

۱- مدرسه اول، مدرسه شهادت ایشان و به تعبیری حرکت ایشان در مسیر شهادت می باشد، البته حکایت ها و خاطرات در این زمینه فراوان است و نمونه بارز آن، تعبیر مقام رهبری در خصوص ایشان است که بعد از شهادت ایشان فرمودند: «امروز شهدا هم آغوش می گشایند و به استقبال شهید سلیمانی می روند.» این تعبیر حکایت از این دارد که مدرسه شهادت شهید سلیمانی، الگوی شهدا و مجاهدان و عاشقان شهادت است.

۲- مدرسه ولایت مداری و پیروی ایشان از ولایت فقیه می باشد. این مدرسه، الگوی تمام کسانی است که در مسیر ولایت ائمه معصومین (ع)

محور دوم نقش شهید سلیمانی در منطقه، فرماندهی عملیات مستشاری مبارزه با تروریسم از جمله داعش و تروریست‌های در سوریه بود که در این محور ورود سردار سلیمانی و ایفای نقش مستشاری، تماما بعد از شروع شکل‌گیری و عملیات گروه‌های تروریستی بود؛ بیشترین حجم درگیری نظامی و عملیاتی این شهید و نیروهای تحت فرمان او با گروه‌های تروریستی شناخته شده بین‌الملل و کمک به آزادسازی مناطق تحت اشغال این گروه بود.

محور سوم نقش سردار سلیمانی، جلوگیری از فروپاشی دولت در عراق و سوریه بود که شهید سلیمانی و جمهوری اسلامی ایران به حمایت از دولت قانونی وارد شدند و مانع فروپاشی دولت شدند؛ اگر در عراق و سوریه فروپاشی دولت به طور کامل انجام می‌شد، آثارش تمام کشورهای اسلامی را فرا می‌گرفت.

محور چهارم حمایت از اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی در عراق و سوریه بود که یکی از ارزش‌ها، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل حمایت از اقلیت‌ها است؛ و این هدایت و حمایت از اقلیت‌ها را در سیره و رفتار این شهید و یارانش می‌توانید ببینید.

محور پنجم نقش سردار سلیمانی در منطقه، حمایت از آثار و اماکن فرهنگی و عبادی در عراق و سوریه بود.

محور ششم نقش شهید سلیمانی، نقش آفرینی در ایجاد اجماع ملی و تفاهم بین گروه‌های مختلف عراق برای تشکیل دولت پس از رژیم بعثی بود؛ هماهنگی بین گروه‌ها سخت بود اما در کنار نقش پررنگ مرجعیت شیعه، شهید سلیمانی با نقش بی‌بدیل خود همراه بود و در گفت‌وگو کمک می‌کرد تا با هم تفاهم کنند.

محور هفتم نقش شهید سلیمانی در حمایت پیروزمندانه از جنبش حزب‌الله لبنان در جنگ‌های آزادی بخش بود.

ایشان توانست با حمایت از استقلال و تمامیت ارضی یک کشور کوچک عربی اسلامی، اراضی اشغالی خود را آزاد کند.

نگاهی به جامعیت شخصیت شهید سلیمانی

در تبیین و تحلیل شخصیت سپید شهید قاسم سلیمانی، اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، چند بعدی بودن شخصیت ایشان است. به طور قطع، همین ویژگی ممتاز این شهید و الامقام سبب شد تا رهبر حکیم انقلاب اسلامی، سنگ مکتب را به نام او زده و فرمودند: «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم.»

بدون تردید، از سوی حکیمی چون رهبر معظم انقلاب، عنوان مکتب زمانی برای فردی به کار برده می‌شود که از جامعیت برخوردار باشد؛ چرا که صاحب مکتب باید بتواند در همه حوزه‌ها نقش الگویی برای دیگران داشته باشد.

در غیراین صورت، نمیتوان برای آن فرد از عنوان مکتب استفاده کرد؛ به همین دلیل در دوران زعامت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ایشان کلمه «مکتب» را تنها برای حضرت امام خمینی (ره) و شهید سلیمانی به کار بردند. با توجه به جامعیت و چند بعدی بودن شخصیت شهید سلیمانی، این جامعیت می‌تواند الگویی برای منتظران واقعی امام زمان (ع)

باشد، من در ادامه به تناسب موضوع، به نمونه‌هایی از ویژگی‌های منتظران ظهور اشاره می‌کنم:

نگاهی به ویژگی‌ها و امتیازات منتظران ظهور

۱- اعتقاد و باورمندی، این ویژگی از خصوصیات ممتاز منتظران ظهور می‌باشد. فکر، زیربنای اعمال و رفتار انسان است و باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند.

رسالت انبیا و اولیا تربیت انسان و رها ساختن او از جهل و عرضه حقایق امور است.

در جریان انتظار انسان با قرار گرفتن تحت تربیت حضرت ولی عصر (ع) و طهارت فکری و عقلی، رشد می‌کند.

آنچه قیام و انقلاب جهانی امام زمان را از دیگر انقلاب‌ها متمایز و ممتاز می‌سازد، دگرگونی‌های اعتقادی و باور انسان‌هاست که در پرتوتلاش‌های او و یارانش پدید خواهد آمد.

۲- از ویژگی‌های اصلی منتظران حکومت مهدوی، تهذیب نفس و آراستگی به مکارم اخلاق است. انسان با توجه به نیروی تفکر می‌تواند در مسیر رشد فکری و اخلاقی گام بردارد و با امدادهای الهی و وجود رهبری الهی، جهشی بسیار فراگیر داشته باشد.

۳- از ویژگی‌های دیگر منتظران ظهور، تقوا و پرهیزگاری است.

۴- التزام، نسل منتظر باید به آنچه علم دارد، آنچه خدا می‌خواهد و آنچه که اسلام بدان امر می‌کند ملتزم و پایبند باشد.

امام صادق (ع) در حدیث مشهوری در توصیف یاران حضرت مهدی (ع) فرمودند: «من سرّه ان یكون من اصحاب القائم فینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق؛ هر کس خوشحال می‌شود و دوست دارد که در شمار یاران حضرت مهدی (عج) باشد، باید سه ویژگی داشته باشد: منتظر بودن، با ورع بودن، اخلاق کریمانه و بزرگوارانه داشتن.»

ویژگی نخست: منتظر بودن

انتظار کشیدن. که از وظایف یاران امام مهدی (عج) است. یک حالت و عمل قلبی و درونی است که آثار و برکت‌های فراوان بیرونی هم دارد. پس اولین اثر انتظار، این است که انسان را دائماً به یاد منتظر می‌اندازد؛ یعنی در حقیقت، انسان منتظر، یک لحظه هم از یاد آن حضرت غافل نیست. دومین اثر، آماده شدن و مهیا شدن برای آمدن امام زمان (عج) است. شخصی از امام صادق (ع) می‌پرسد: متی الفرج؛ آقا جان! گشایش و فرج شما اهل بیت (ع) چه زمانی است؟ امام فرمودند: «مالک و الفرج و انت ممن ترید الدنیا!؟؛ تو را به فرج چه کار در حالی که از کسانی هستی که دنیا را می‌خواهند و دنیا طلبند؟! بنابراین پرسشت بی‌جاست؛ پس مهم، آماده بودن برای ظهور است.

ویژگی دوم: با ورع بودن

دومین ویژگی یاران امام زمان (عج) تهذیب نفس و خودسازی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد از یاران مهدی (عج) باشد، علاوه بر ترک گناه، باید از شبهات هم دوری کند؛ یعنی مواظب باشد که هر چیزی که در آن شبهه عقلی و عرفی است مرتکب نشود.»

نکته جالب دیگری که از این قسمت از روایت می‌توان استفاده کرد، این

است که اهل ورع، اهل کار و کوشش هستند. زیرا می‌فرماید: «فلیعمل بالورع؛ یعنی اهل حرکتند، اما با ورع در میان مردم زندگی می‌کند.»

ویژگی سوم: داشتن محاسن اخلاق

ویژگی سوم یاران امام زمان (عج) داشتن اخلاق کریمانه است. این صفاتی که فطرت، به خوبی آنها شهادت می‌دهد و امامان معصوم (ع) از آنها مدح و تمجید کرده‌اند، باید در وجود یار و یاور مهدی (عج) باشد. مانند سه صفتی که در این روایت شریف آمده است.

با توجه به این روایات، روشن می‌شود که یاران حضرت مهدی (عج)، دارای چنان ویژگی‌ها و اوصاف برتر و کم‌نظیری هستند که به حق در این مقام و موقعیت قرار گرفته‌اند و بدین جهت نقش مهمی در پیروزی آن قیام جهانی خواهند داشت.

امام (ع) در ادامه در تعریف انتظار می‌فرماید: «انتظار کیفیت نفسانی درون انسان است که در او آمادگی و حرکت ایجاد می‌کند.» پس بنابراین با این توصیف، نسل منتظران در حال حرکت به سمت ظهور است تا بدین وسیله زمینه را برای ظهور و ساختن جامعه مهدوی فراهم کند.

۵- از ویژگی‌های دیگر منتظران، سعی و تلاش در جهت پیاده کردن آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب در جامعه است.

۶- جامعه مهدوی، یک جامعه علمی است و لذا از ویژگی‌های نسل منتظر، تلاش و حرکت علمی و حساب شده در مسیر ظهور است. کسی که منتظر واقعی است و انتظار ظهور منجی آخرالزمان (عج) را می‌کشد، نمی‌تواند و اجازه ندارد با استکبار کنار بیاید بلکه باید استکبارستیز باشد. به عبارت دیگر، وقتی امام زمان (عج) برای مقابله با مستکبران ظهور می‌کند تا بشریت را از فساد و انحراف نجات دهد بخشی از این نجات به‌رهایی مستضعفان از ظلم مستکبران اشاره دارد و منتظر چنین امامی خود نیز باید با استکبار در مبارزه باشد.

با این توصیف، یکی دیگر از ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی، تلاش و حرکت علمی در جهت مبارزه با استکبار می‌باشد؛ استکبارستیزی از راهبرد های اساسی شهید سلیمانی در مواجهه با ظلم و ستم و می‌باشد و این فکروایده نیز در سایر حوزه‌های مقاومت مانند عراق، سوریه، لبنان و فلسطین به وضوح قابل مشاهده است.

به عنوان نمونه، اگر امروز بسیاری از جبهه‌های مقاومت علیه استکبار جهانی و اسرائیل فعال هستند و به صورت قدرتمند در مقابل آنان ایستاده‌اند، به دلیل تلاش علمی این شهید بزرگوار است که با راهنمایی‌ها و ارشادات مقام معظم رهبری انجام شده است.

۷- از ویژگی‌های دیگر نسل منتظر، اینکه انجام عمل آنها با یک پشتوانه علمی و فکری انجام می‌شود. نمود این ویژگی در سبک و سیره شهید سلیمانی به وضوح قابل مشاهده است که به عنوان مثال به یک نمونه عینی آن اشاره می‌کنم: در لحظات پایانی سال ۵۹ و آغاز سال ۶۹ آمریکا و اسرائیل توسط گروه تکفیری داعش تصمیم گرفتند بخش‌هایی از سوریه را اشغال کنند. بدین منظور تصمیم گرفتند از سمت مرز عراق حرکت کرده و در مرز عراق و سوریه مستقر شده و آنجا را به عنوان منطقه پرواز ممنوع اعلام کنند. هدف از این تصمیم نیز این بود که ایران و عراق و سایر گروه‌های

مقاومت به سوریه و لبنان و فلسطین دسترسی نداشته باشند. خوب قبل از اینکه این تصمیم عملاً اجرا شود شهید سلیمانی با فکر و اندیشه قبلی و هماهنگی با گروه‌های حشد الشعبی عراق و نیروهای مقاومت ارتش سوریه قبل از اقدام آمریکا و گروه‌های تکفیری، در مرز عراق و سوریه مستقر شدند، با استقرار گروه‌های مقاومت که با تدبیر و دوراندیشی شهید سلیمانی انجام شد آمریکا و گروه‌های تکفیری نتوانستند به اهداف پلید و شیطانی خود دست یابند.

۸- از ویژگی‌های دیگر نسل منتظر، عشق و توجه به همگان غیر از هم وطنان و هم کیشان خود می‌باشد. این موضوع یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی شهید سلیمانی محسوب می‌شود، چراکه در توجه و حل مشکلات دیگران عنایت خاصی داشتند و این به دلیل روحیه فرامرزی و فراجناحی ایشان بود. شهید سلیمانی، هرگز اجازه نمی‌داد جناحی او را مصادره کند؛ زیرا خودش را سرباز امام زمانش می‌دانست و تنها به امنیت و منافع ملی می‌اندیشید. خط قرمز اسلام، ایران، انقلاب اسلامی، نظام، ولایت فقیه و رهبری و مقاومت بود.

۹- از ویژگی‌های دیگر منتظران ظهور، رفتار منصفانه با مخالفان می‌باشد. در دین مبین اسلام به این مسئله توجه زیادی شده است که انسان باید در مقابل کسانی که با وی در عقیده مخالف هستند با مدارا و انصاف رفتار کند، چراکه این امر نقش مهمی در تربیت و سازندگی افراد جامعه دارد. در مکتب شهید سلیمانی برخورد منصفانه و توأم با آگاهی با مخالفان و حل مشکلات آنان یک اصل راهبردی محسوب می‌شود. ایشان همواره سعی می‌کردند با توجه به مخالفان از احوال آنان جویا شوند و تا حد امکان مشکلات آنان را برطرف کنند، این روحیه جهادی از ویژگی‌های بارز منتظران ظهور حضرت مهدی می‌باشد.

۱۰- استکبارستیزی. مبارزه با استکبار و ظلم و ستم یکی از ویژگی‌های بارز نسل منتظر است. استکبارستیزی، برخاسته از ویژگی مخالفت اسلام با هرگونه ظلم و ستم علیه دیگران و نیز ستم‌پذیری است. شهید سلیمانی نه تنها پرچمدار و نماد مبارزه با استکبار جهانی، بلکه یک تفکر مبارزه با استکبار بود. وجود و حضورش در صحنه‌های مبارزه با استکبار جهانی، همه سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌ها علیه دنیای اسلام را خنثی می‌کرد.

۱۱- یکی دیگر از مشخصات نسل منتظر، این است که به دنبال فراهم کردن شرایط ظهور باشد. اصولاً یکی از اشتباهات راهبردی که در میان منتظران ظهور وجود دارد این است که همواره به دنبال علائم ظهور هستند و به شرایط آن توجهی نمی‌کنند. اصولاً ما تکلیفی در خصوص علائم ظهور نداریم و آنچه مهم است و تکلیف ما را در قبال آن مشخص می‌کند شناسایی شرایط ظهور است. از جمله این شرایط می‌توان به فراهم کردن زمینه‌آشنایی مردم نسبت به امام زمان و معارف اسلامی، ایستادگی در مقابل ظلم و ستم و دستگیری از فقرا و نیازمندان است.

۲۱- از ویژگی‌های دیگر نسل منتظر، دینداری می‌باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ؛ صاحب این امر (امامت) را غیبتی است، پس باید که بنده (در زمان غیبت) از خدا بترسد و به دین خویش چنگ آویزد.»

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی شهید سلیمانی، انسانی در تراز انقلاب اسلامی

ارائه کننده: دکتر امیر سیاهپوش

ناقدین: دکتر رضا عیسی نیا، دکتر ابودر رجبی

دبیر علمی: دکتر روح الله پرهیزکاری



همچون شهید بابایی، شهید صیاد، شهید همت، شهید چمران و هر کدام از جهات شخصیتی مورد بررسی واقع شده اند، لذا اینگونه نیست که هر شاخصی را بیان کردیم، از سیره و سلوک همه این بزرگواران استفاده کرده باشیم.

ویژگی های انسان تراز

ویژگی های انسان تراز متعدد است، یکی از اساتید این حقیر پیشنهاد کرده بود که حدیث جنود عقل و جهل که ۵۷ ویژگی برای عقل و جهل می شمارد را مورد بررسی قرار بدهید.

ولی ما در اینجا با توجه به ادبیات امامین انقلاب مجبوریم به تمرکز در ویژگی های انسان تراز بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی و گرنه همه این ویژگی ها، ویژگی های انسان تراز است: رجاء، سخاوت، شجاعت، عدل، عدالت، محبت، توکل، حلم و علم، همه اینها را باید فهرست بکنیم.

ویژگی اول: آرمان گرایی

از نظر امامین انقلاب قطعاً انسان تراز انقلاب اسلامی باید آرمان گرا باشد. حضرت امام و رهبر معظم انقلاب مکرراً اشاره می کنند به شهدای شاخص و می فرمایند: که اینها اگر آرمان گرا نبودند، اگر اهداف بزرگ و بلندی نداشتند اینقدر در کارشان ممتاز و موفق نبودند.

سایر ویژگی هایشان تابع این دو جهان بینی است. و مقایسه هم می کنند با کسانی که در جبهه های دیگر و با رویکردهای دیگر مبارزه کردند.

ویژگی دوم: اهمیت به معنویت، اخلاص و آخرت جویی

انسان تراز انقلاب اسلامی اهل عمل، مجاهدت و مبارزه با نفس، و اخلاص

طرح های تحقیقاتی نسبتاً خوبی در رابطه با انسان تراز انجام شده، اما نه همه ابعاد انسان تراز؛ مثلاً ابعاد شخصیتی، روان شناختی، ابعاد اجتماعی، ابعاد سیاسی.

ما برای پاسخ دادن به این سؤال از روش ترکیبی استفاده کردیم.

مبنای شناخت انسان تراز در گفتمان انقلاب اسلامی

بعد اول شناخت ماهیت انقلاب و ویژگی های انسان تراز در گفتمان انقلاب است.

ما مبنای بر اندیشه امامین انقلاب گرفتیم و از ادبیات مدرن هیچ بهره ای نبردیم.

به دلیل اینکه تقریباً در ادبیات مدرن، بخصوص هر چه به شرایط کنونی نزدیک ترمی شویم، مفهوم انسان تراز و انسان کامل بطور کلی مورد طرد قرار می گیرد.

حتی بعنوان یک شاخص منفی بخصوص در ادبیات روانشناختی این نگاه مورد توجه است، که کمال گرایی، ترازه نگاری و مفاهیمی مثل اعمال نیک، مفاهیم ضد علمی و ضد واقعیت وجودی انسان قلمداد می شود.

در این مقاله ما از بیانات رهبر معظم انقلاب و بیانات سردار شهید سلیمانی و خاطرات و نوشته های ایشان و گفتگوهایی که در دسترس است استفاده کردیم تا بتوانیم تطبیق بدهیم.

شهدای شاخص

ما سردار شهید سلیمانی را در حقیقت جزء قافله شهدای شاخص می دانیم و از سیره و سلوک برخی شهدای شاخص استفاده کردیم.

مطلوب تلاش و حرکت کرد.
 به نظر ما انسان تراز، از نظر امامین انقلاب این اینگونه است.
 شرط محقق شدن ویژگی انسان تراز در هر فرد:
 هر میزان یک فرد سعه وجودی پیدا بکند و ویژگی های مورد نظر در او تبلور و تجسم بیشتری پیدا بکند، این فرد قدرت استقامت و مقاومت فکری و روحی و رفتاری او افزایش خواهد یافت و در مسیر حرکت به سمت انتظار استقامت بیشتری خواهد داشت.
 در این حال انسان تراز بهتری می تواند جلوه ای از انسان کامل را به نمایش بگذارد و جامعه موعود را قابل تحقق جلوه بدهد.
 کسانی که این حرف های آرمانی را می شنوند ممکن است بگویند: آیا این شدنی است؟ آیا آدم ها می توانند چنین بشوند؟
 بنظر ما یکی از ویژگی های آثار خوب رفتار امثال شهید سلیمانی و شهدای شاخص انقلاب اسلامی این است که این آرمان ها را قابل تحقق و قابل دست یافتن نشان دهند.

در عرصه های مختلف است؛
 البته اخلاص را چگونه می توانیم بسنجیم؟ این بحث دیگری است که باید در جای خود مورد بحث قرار گیرد.
 ویژگی سوم: تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر
 انسان تراز انقلاب اسلامی معمولی کار نمی کند، بلکه لحظه به لحظه زندگی انسان تراز انقلاب، جهاد و تلاش است.
 اینکه ساعت ۸ بیاید و ساعت ۲ برود چنین فضایی برای انسان تراز انقلاب اسلامی متصور نیست.
 ویژگی چهارم: تدبیر و درایت
 انسان تراز انقلاب اسلامی حتماً مدبر است که شهید سلیمانی شاخص آن است.
 وقتی خاطرات شهید صیاد را می خوانیم پُراز مواردی است که ایشان نشان می دهد اینجا تدبیر بود و اینجا نبود.
 ویژگی پنجم: شجاعت
 انسان تراز، در مسیر مبارزه برای رسیدن به اهداف والای انقلاب اسلامی شجاع است.
 ویژگی ششم: جمع تدبیر و شجاعت است.
 ویژگی هفتم: دلسوزی و عطف است.
 ویژگی هشتم: ساده زیستی
 به این ویژگی امام و رهبری رو کردند، و در سیره تمام شهدای شاخص ما، این ویژگی برجستگی عجیبی دارد.
 یعنی نسبت مستقیمی بین قدرت مقاومت و استقامت تمام شهدای شاخص، ساده زیستی آنها می باشد.
 به هر میزان که در این موضوع تزلزل و ضعف داشتند، هم در شجاعت و هم در مقاومت دچار مشکل می شدند؛ چه مقاومت در مواجهه کلامی با دیگران، چه مقاومت در میدان نبرد و چه مقاومت در عرصه های سیاسی.
 بنابراین در همه این عرصه ها این ویژگی ساده زیستی نسبت مستقیمی با سایر ویژگی ها دارد.
 ویژگی نهم: دوری از جناح گرایی و تکیه بر انقلابی گری
 برخی از این ویژگی ها با تکیه بر سیره و سلوک شهدای شاخص بیشتر نمود پیدا می کند و برخی از ادبیات گفتاری روشن می شود.
 اینجا سعی کردم از وصیت نامه شهید سلیمانی و نوشتار شهید چمران و دیگران بیشتر استفاده کنم.
 ویژگی دهم: صبر و استقامت
 این ویژگی نسبت مستقیم با سایر ویژگی ها که عرض کردم دارد.
 بخش سوم: خصوصیات انسان تراز و مقاومت در مکتب انتظار
 اولاً، آنچه که قبلاً به آن اشاره کردیم این است که انسان تراز کمال جوو ایمان به جامعه موعود بطور کامل دارد.
 ثانیاً، انسان کمال جوو موعودگرا این جامعه مطلوب را قابل تحقق می داند و ایمان به شدنی بودن این جامعه در او حتماً جدی است.
 ثالثاً، انسان تراز براساس این که جامعه موعود و کامل را قبول دارد و او را قابل تحقق می داند، به این موضوع هم ایمان دارد که باید برای رسیدن به جامعه

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی کارکرد انتظار و راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام و المسلمین محمود ملکی راد

ناقدین: حجت اسلام و المسلمین حسین حسن زاده، دکتر کریم خانمحمدی

دبیر علمی: مرتضی عبدی چاری



از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این مقاله، تبیین کارکردهای انتظار در تقویت راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی (ره) است که بر اساس پارادایم مهدوی پی‌ریزی شده؛ و مهم‌ترین کارکردهای انتظار برای راهبرد مقاومت در سه حیطه باورها و ارزش‌ها و کنش‌ها و رفتارها مورد بررسی قرار داده شده و به کارکردهایی چون: ولایت‌پذیری، شجاعت، عدالت‌ورزی، ظلم‌ستیزی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، و ... اشاره شده است.

قبل از ورود به بحث، به برخی از اصطلاحات و مفاهیم از جمله مفهوم کارکرد، مفهوم انتظار، مفهوم راهبرد مقاومت و مکتب شهید سلیمانی پرداخته شده است.

اما از آنجا که در خصوص مکتب شهید سلیمانی، کرسی‌های مختلفی برگزار شده است در این مقاله به عنوان محور بحث انتخاب شده و سایر مباحث نیز حول محور آن متمرکز می‌باشد.

به طور کلی کارکرد انتظار در حوزه مقاومت بر اساس مکتب شهید سلیمانی در سه محور قابل بررسی است؛ محور اول در حیطه باورها و استقامت، محور دوم، حوزه ارزش‌ها و اخلاقیات و حوزه سوم نیز حوزه کنش‌ها و رفتارهاست. بر همین اساس، این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با توجه به منابع موجود اعم از منابع مکتوب و دیجیتال به بررسی کارکردهای انتظار بر اساس مکتب شهید سلیمانی است.

در این مقاله همچنین سعی شده است به دلیل فقدان شدید منابع، از بیانات مکتوب و منقول ایشان، همچنین مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری به عنوان منبع استفاده شود.

در روایات بسیاری به اهمیت و جایگاه انتظار توجه داده شده و در تفسیر درست؛ انتظار ملازم با پویایی و حرکت و تلاش است.

بدین جهت از آن به برترین اعمال، با فضیلت‌ترین و بهترین عبادات و برترین جهاد امت یاد شده است.

در برخی از روایات انتظار با لفظ «فرج» قرین و همراه شده است. «انتظار الفرج» این مطلب گویای آن است که گشایش و فرج در ذات آن نهفته و با آن عجین شده است.

انتظار حالتی است که جامعه منتظر را به فعالیت آگاهانه با تأکید بر موفقیت‌ها و عدم تکرار شکست‌ها، به آینده امیدوار می‌سازد و موجب می‌شود تحول و دگرگونی مثبت در جامعه به وجود بیاید و با ایجاد بینش‌ها و نگرش‌های صحیح، فرج و گشایش را برای جامعه در پی داشته باشد.

شهید سلیمانی (ره) با استفاده از راهبرد مقاومت مجاهدت‌های بی‌ظنیری را به هدف مقابله با تجاوز و ظلم قدرت‌های استکباری و خشونت‌گروه‌های افراطی از خود به یادگار گذاشت.

آن شهید عزیز با بهره‌گیری از کارکردهای انتظار توانست کارهای بزرگی را به انجام رساند و الگوی مناسبی از انسان منتظر را به عنوان یک مدرسه و مکتب درس‌آموز به نمایش گذارد.

بررسی کارکرد انتظار درباره راهبرد مقاومت که مکتب شهید سلیمانی (ره) از آن الگو گرفته است؛ می‌تواند در شناسایی توانایی‌ها و ویژگی‌های پایداری که در انتظار وجود دارد؛ در شناخت فرصت‌ها و چالش‌ها به منظور رسیدن به هدف‌های بلند مدت و ترسیم آینده مطلوب، کمک نماید.

در این مقاله، که به مهم ترین کارکردهای انتظار در سه حیطه باورها، ارزش ها و کنش ها و رفتارها پرداخته شده، این مساله مورد توجه قرار گرفته که از یک سو این کارکردها در امر انتظار موثر باشند و از سوی دیگر بتوانیم با انطباق موارد مذکور، براندیشه شهید سلیمانی و سلوک و رفتار ایشان مباحث را به صورت متمرکز دنبال کنیم.

نکته دیگر اینکه با توجه به محدودیت منابع، در این مقاله سعی شده است تنها به بخشی از کارکردهایی که شهید سلیمانی در سلوک و رفتار خود از آنها بهره برده مورد استناد قرار گیرد.

به عنوان نمونه، مقولاتی همچون ولایت پذیری، شجاعت، عدالت ورزی، ظلم ستیزی، تعهد و مسولیت بخشی از کارکردهایی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

معرفی مفردات

اما در خصوص واژگانی که در این مقاله بدان پرداخته شده است، اولین واژه مفهوم کارکرد است که در لغت فارسی به معنای نقش، شغل، عمل و... آمده است.

در اصطلاح جامعه شناسی نیز به این اصطلاح توجه زیادی شده است و به اثری پیامدهای یک پدیده گفته می شود که در یک نظام اجتماعی به وقوع می پیوندد.

در خصوص نظریاتی که در جامعه شناسی توسط دانشمندان غربی ارایه شده است، نظریه کارکردگرایی از اهمیت بالایی برخوردار است که توسط دورکیم مطرح شده است.

کارکردگرایی از جمله مکاتب جامعه شناسی است که به ذکر نظریاتی پرداخته است که حوزه فعالیت شان در پارادایم اثباتی قرار دارد.

آنچه در این نظریات، مهم و کلیدی است توجه به نظم و ثبات در جامعه است که اکثر نظریه پردازان کارکردگرایی بدان توجه داشته اند، مانند دورکیم که دین را در مطالعاتش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی می داند که کارکرد آن همبستگی، انسجام و نظم است.

با این توصیف، آنچه در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته، منظور نقش ها و پیامدهایی است که مقوله انتظار می تواند برای راهبرد مقاومت در پی داشته باشد.

بنابراین؛ نظریات جامعه شناسی که در پاورقی مقاله مورد بحث قرار گرفته است، در اینجا مدنظر نیست.

دومین واژه ای که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، موضوع انتظار پویا و توانمند است.

در روایات منظور از انتظار تحرک و پویایی است و مقام معظم رهبری نیز به این مساله در بیاناتشان اشاره کرده اند.

از نظر ایشان انتظار یعنی اشتیاق انسان برای رسیدن به وضعیتی بالاتر که همراه با آمادگی وی برای موقعیت مورد نظر باشد.

موضوع دیگری که در این مقاله بدان پرداخته شده، واژه راهبرد است.

این واژه معادل واژه استراتژی است که قبلا در عرصه نظامی مورد استفاده قرار می گرفت و در حال حاضر، در سایر حوزه ها مانند سیاست و اقتصاد

نیز استفاده می شود.

از نظر اصطلاح راهبرد به معنای نگرش و یا برنامه مدون گفته می شود که بر اساس یک فعالیت آگاهانه مسیر آینده را برای انسان ترسیم می کند.

البته واژه راهبرد در حوزه های مختلف، کاربردهای گوناگونی دارد و به عنوان یک الگو و برنامه و تفند و یا به عنوان یک جایگاه استفاده می شود، ولی در این مقاله بیشتر به عنوان یک نگرش مد نظر قرار می گیرد.

واژه دیگر، موضوع مکتب است که در اصطلاح به مجموعه ای از جهان بینی و ایدئولوژی گفته می شود.

مکتب از دیدگاه شهید سلیمانی و مقام معظم رهبری

از دیدگاه شهید سلیمانی مکتب یک طرح جامع، هماهنگ و کلی است که به دنبال کمال انسان و سعادت وی است.

خوشبختانه بین نیاز امروز جامعه ما و مشرب فکری و مکتب سلیمانی همبستگی و رابطه حداکثری وجود دارد. مکتب سلیمانی یک «مکتب تربیتی» است.

جذابیت شخصیت ایشان برای جوانان مسلمان نمود این مهم است. تأثیر بر شخصیت آدمی و جهت دهی به رفتار و بینش وی خاصیت مکتب سلیمانی است.

او انسان ساز است. همانگونه که خود در مکتب امام ساخته شد و آنقدر رشد کرد که خود به مثابه مکتب شد.

قطعا حصر شخصیت وی در حوزه نظامی منجر به تولد و گسترش مکتب سلیمانی نخواهد شد، بلکه «سلوک مکتبی» وی در همه ابعاد اجتماعی، اعتقادی و رفتاری موضوعیت دارد.

شهید سلیمانی دارای اصول، جوهره و ویژگی هایی است که جمیع آن ها او را در قالب یک مکتب متمایز به تصویر می کشد.

اما مکتب از دیدگاه مقام معظم رهبری در دو معنا استعمال شده است. نخست به معنای دین و مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی و دوم اینکه به معنای مجموعه نظام فکری و پیاده کردن آن در زندگی بشری باشد (معنای مورد نظر).

از نظر مقام معظم رهبری مواردی همچون حاکمیت دین الهی، استقرار عدالت اجتماعی، تامین حیات طیبه و سعادت بشر از آرمان های مکتب اسلام و از ویژگی ها و امتیازات این مکتب شمرده می شود.

بر این اساس می توان گفت منظور از مکتب شهید سلیمانی، مجموعه ای از باورها، ارزش ها و کنش ها و رفتارهایی است که در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تمدنی و نظامی ظهور و بروز داشته و ایشان را به عنوان یک راه و روش و الگو مطرح کرده و مکتب ایشان را از سایر مکاتب ممتاز می کند.

نگاهی به کارکردهای انتظار با تاکید بر سیره و مکتب شهید سلیمانی

یکی از کارکردهای انتظار تحکیم و تثبیت باورها و اعتقادات دینی است. در این مقاله با توجه به ارتباط بین باورهای دینی و موضوع مقاومت به آیاتی استناد شده است که از جمله این آیات، آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

همچنین به تناسب موضوع، به مساله ارتباط باورهای دینی در عصر غیبت اشاره شده و به عنوان یکی از ویژگی‌های منتظران ظهور مورد توجه قرار گرفته است.

پس بنابراین؛ با توجه به این موضوع، یکی از کارکردهای انتظار این است که منتظران واقعی در عصر غیبت بر اساس ایمان محکم و مستحکمی که دارند می‌توانند در ارتباط با ارزش‌های دینی و مسائلی که احیاناً حوزه دین را مورد هجوم دشمنان قرار می‌دهد مقاومت کرده و از ارزش‌های والای اسلامی محافظت کنند.

در روایات نیز در توصیف ویژگی‌های منتظران ظهور امام سجاد(ع) می‌فرماید: «منتظران ظهور از مردم هر زمانی برترند، خداوند به آنها عقل و فهمی داده است که غیبت در نزد آنان به منزله مشاهده است.»

از نظر امام سجاد(ع) منتظران ظهور، به یاران و مجاهدان زمان پیامبر(ص) تشبیه شده است و این به دلیل برخورداری از ایمان قوی و عزم راسخ آنها می‌باشد.

با توجه به نکته مذکور، وقتی به سیره شهید سلیمانی نگاه می‌کنیم، می‌توان به ایمان و تقوای این شهید بزرگوار اذعان کرد.

دومین نکته، در حوزه باورها و اعتقادات، مساله ولایت‌پذیری و مقاومت است.

شهید سلیمانی در فراز سیاسی وصیت‌نامه خود مفهوم ولایت‌پذیری عملی را ارتقاء داده است.

ایشان با تقسیم ولایت‌پذیری به «قانونی» و «تنوری» و «عملی»، سومی را اولی‌تر از دو نوع اول بیان کرده و معتقد است که مسئولین جمهوری اسلامی برای به دوش کشیدن بار مسئولیت باید به ولایت فقیه اعتقاد عملی داشته باشند.

براین اساس مراد از اعتقاد عملی گوش کردن توصیه‌ها و تذکرات، ولی و عمل به آن است. نتیجه انضمامی چنین اعتقادی، ایجاد وحدت فراگیر در بین مسئولین خواهد بود.

البته در این مقاله به غیر از مساله ولایت‌پذیری، به بحث ولایت از منظر فقها و مجتهدان در عصر غیبت نیز اشاره شده است که می‌توان با توجه به مباحث مطرح شده چنین نتیجه گرفت که اعتقاد به رهبری و زعامت نواب عامه در عصر غیبت و پذیرش ولایت آنان، در سایه اعتقاد به امامت حضرت مهدی(عج) معنا پیدا می‌کند.

با توجه به مطالب فوق، وقتی به سبک و سیره شهید سلیمانی مراجعه می‌کنیم مسئله ولایت‌پذیری را در رفتار ایشان به وضوح مشاهده می‌کنیم، به عنوان نمونه در فرازی از وصیت‌نامه این شهید بزرگوار در این خصوص آمده است: «خداوند تورا سپاس می‌گویم که مرا از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمان اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیا که قرین و قریب معصومین عبد صالحت خمینی کبیرا درک کنم و سرباز رکاب او شوم.

اگر توفیق صحابی پیامبر(ص) را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره مظلومیت

علی (علیه السلام) و فرزندانش مرا در همان راهی قرار دادی که آنها در همان مسیر جان خود را تقدیم کردند.

خداوند تورا سپاسگذارم که بعد از خمینی کبیر مرا در مسیر عبد صالح دیگری که خامنه‌ای عزیز است قرار دادی و جانم فدای جان او باد.»

همان‌طور که ملاحظه فرمودید مسئله ولایت‌پذیری و اعتقاد به ولایت فقیه در سیره شهید سلیمانی به وضوح مشاهده می‌شود و از نظر ایشان ولایت‌پذیری شرط اساسی پذیرش مسئولیت در نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق، از کارکردهای انتظار در حوزه باورها و اعتقادات دینی به دو مسئله تحکیم ایمان و بحث ولایت‌پذیری اشاره شد.

اما در حوزه دوم که در خصوص کارکردهای ارزشی و اخلاقی انتظار است سه ویژگی مد نظر قرار می‌گیرد.

اخلاص؛ بارزترین خصلت شهید سلیمانی

- بحث تقوا و مقاومت، آن‌گونه که از مجموع روایات در خصوص ویژگی‌های منتظران ظهور به دست می‌آید این است که منتظران علاوه بر تربیت معرفتی باید در تربیت اخلاقی و تهذیب نفس نیز موفق باشند و با ملاحظه سیره شهید سلیمانی در این خصوص و بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه سال ۸۹، بارزترین خصلت شهید سلیمانی را می‌توان اخلاص وی نامید.

اخلاص را می‌توان یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی، بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی دانست که انسان به آن نیاز دارد.

حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرب به اوست؛ راز محبوبیت سردار سرفراز شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست. رهبر معظم انقلاب بارها او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده‌اند.

ایشان در دیدار با خانواده این شهید با عظمت فرمودند: «می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاست... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود.

دل‌ها دست خداست؛ اینکه دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.»

دومین نکته که به عنوان ویژگی‌های اخلاقی و کارکردهای اخلاقی انتظار اشاره کرد، بحث تعهد و مسئولیت است که به مباحث آن در مقاله اشاره شده است.

آخرین نکته که در این بخش از کارکردهای انتظار مورد بحث قرار می‌گیرد، مسئله شجاعت و مقاومت است که در سیره شهید سلیمانی مشاهده می‌کنیم.

در این خصوص با مراجعه به روایات که به بررسی ویژگی‌های منتظران ظهور پرداخته است، به مسئله رهبان بالیل که از مشخصات اختصاصی یاران امام زمان می‌باشد پی می‌بریم.

آخرین حوزه بحث در کارکردهای انتظار مسئله کارکردهای کنشی و رفتاری است که در قالب محورهای عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی و بصیرت و آگاهی قابل بررسی است.

نشست علمی «فرهنگ انتظار و راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی، شهید شدن برای امتی در مسیر امام شدن»

ارائه کننده: دکتر محمد هادی همایون

ناقدین: سید مجید مطهری نژاد

دبیر علمی: دکتر سید جواد حسینی



کلان ترین اصطلاح و مفهومی که در مورد تجمعات انسانی از دیدگاه اسلامی وجود دارد، موضوع امت است.

البته مباحث زیادی در این خصوص مطرح می شود از جمله اینکه رابطه امت با جامعه و گروه ها چیست؟ تمدن چه نسبتی با امت دارد و... با توجه به مطالب فوق، آنچه اهمیت آن غیرقابل انکار است مفهوم امت است که معمولاً با واژه امام شناخته و شاکله آن شکل می گیرد. ما هنگامی که از واژه امت استفاده می کنیم باید موضوع امام را هم در نظر بگیریم و در این امر شواهد تاریخی نیز به ما کمک می کند که چنین موضوعی در ذهن ما شکل بگیرد.

در تعریف امت می توان گفت که امت، یک مجموعه کلان از افراد انسانی هستند که در یک مکان جمع شده اند که معمولاً در بین آنان یک امام و رهبر وجود دارد.

در واقع امت، به جمعیتی گفته می شود که دارای مقصدی واحد بوده و به واسطه ی آن با یکدیگر مربوط و متحد شده باشند و به همین مناسبت بر فرد، یک انسان و سایر معانی اطلاق می شود.

امامت حق راه نجات امت

از دیدگاه شیعه معمولاً امام رهبری و سرپرستی یک امت را عهده دار است و سیر هدایت آن را به عهده می گیرد.

«امام» در لغت به معنای «پیشرو» و کسی است که نسبت به گروهی از افراد جایگاه رهبری و پیشوایی دارد و او در جلو و آن افراد به دنبال او حرکت می کنند.

این پیشوایی نیز اختصاصی به پیشوایی و راهبری در مسیر هدایت و سعادت ندارد و به سردمداران کفر و ضلالت نیز «امام» و پیشوا اطلاق می شود.

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود!»

امام و امت حقیقتی واحد و انکارناپذیر

نکته مهم دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد، رهبری در امت است. امام و امت، در معنی به هم نزدیک و وابسته اند، هر کجا که امت هست، امام نیز هست و امت بی امام معنی ندارد.

امت به واسطه پیروی از امام واحد، اجتماع خود را به سمت هدف مورد نظر به پیش می برد و لازمه رسیدن به این هدف وحدت حقیقی بین امام و امت می باشد.

وحدت حقیقی به معنای وحدت شخصیت و هویت جمعی از مردم است؛ خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ؛ روز قیامت هر جمعی را به نام امامشان فرا می خوانیم.»

مرحله نهایی از وحدت، وحدتی است که در نتیجه آن یک امت واحد حقیقی به وجود می آید که همه از یک هویت واحد برخوردارند و مصادیق نوع واحد هستند.

خداوند با اشاره به این وحدت نوعیه می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سٰجِدًا يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَ رِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِىْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثْرِ السُّجُوْدِ...»

این وحدت حقیقی ناشی از معیت رسول است؛ معیتی که حقیقتاً همان اطاعت و پیروی عملی است.

لذا بر اساس این آیه وحدت همه امت، در همه اعصار و ازمنه و امکانه واجب است. مقصود این است که از ادله قرآنی و روایی استفاده می شود که امت رسول اکرم (ص) باید امت واحده ای باشد که محور وحدتش اطاعت الرسول است.

نتیجه این وجوب یک اثر وضعی است و آن اثر وضعی هم وحدت امت با هویت واحد محمدی و علوی است؛ یعنی در نتیجه عمل به فرمان رسول الله (ص) امت اسلامی از هویت محمدی برخوردار می شود یعنی استخوان بندی اصلی شخصیت و هویت هر فرد مؤمن با شخصیت رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) متطابق و مشابه خواهد شد.

باتوجه به اینکه تمام شواهد تاریخی نشان می دهد در طول تاریخ فرایند شکل گیری این موضوع (امت) به چشم می خورد، نکته ای که معمولاً مهم به نظر می رسد و ما بدان توجه نمی کنیم مسئله امامت در آخر الزمان است.

در قرآن آمده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُوَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی اند که می گویند: پروردگارا! به ما از ناحیه ی همسران و فرزندانمان مایه ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.»

در این آیه که به صورت دعا وارد شده است از خداوند درخواست می کنیم که ما را امام قرار دهد.

خوب نکته ای که در اینجا جلب توجه می کند اینکه هرکدام از ما تقاضای امام شده داشته باشیم لازمه این کار این است که برای هر فرد یک امت شکل بگیرد یا به عبارت دیگر، به تعداد هر امام یک امت وجود داشته باشد که عملاً امکانپذیر نیست.

خوب برای حل این چالش به آیات قرآن متوسل می شویم. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند»

در این آیه مسئله تشکیل امت در آخر الزمان اشاره شده است، امتی که هیچ سابق ای در طول تاریخ نداشته و به عنوان نقطه عطفی در تاریخ، آن را وارد عرصه حقیقت می کند. حقیقتی که محور تمام تلاش انبیاء بوده است.

نگاهی به عدم تحقق امت در اقوام پیشین

اگر به شواهد تاریخی و امت های پیشین مراجعه کنیم می بینیم که در طول تاریخ و در مدن حکومت انبیا پیشین، امت هایی که در اثر تلاش انبیا و با الهام از تعالیم الهی تشکیل شدند، متأسفانه در بین راه از خطوط اصلی و محور تعالیم انبیاء منحرف شدند؛ به عنوان نمونه اولین موضوع مربوط به تحقق امت، مربوط به افرادی است که همراه حضرت نوح وارد کشتی شدند، پیروان این پیامبر الهی در ابتدا یک امت بودند ولی متأسفانه بعدها انسجام خود را از دست دادند و با ورود به بت پرستی از تعالیم الهی و آیین انبیا فاصله گرفتند. امت بعدی در داستان بنی اسرائیل می باشد.

مبنای شکل گیری قوم بنی اسرائیل برای محور استوار بود که به عنوان گروهی پیشرو حرکت کرده و با نشر تعالیم الهی به سوی سرزمین فلسطین حرکت کنند و در آنجا مبلغ آیین یکتا پرستی و توحید باشند، متأسفانه این گروه و امت نیز بعدها دچار انحراف شدند و نتوانستند خوب خود را حفظ کرده و عمداً در دام شیطان افتادند و از دستورات او پیروی کردند.

امت بعدی، اصحاب پیامبر بودند که بعد از رحلت ایشان در سقیفه بنی ساعده پیمان خود را با پیامبر مبنی بر پیروی از حضرت علی شکستند و عملاً جریان امامت بعد از پیامبر از مسیر اصلی خود منحرف شد.

همان طور که متوجه شدید این امت ها در طول تاریخ به دلیل عدم پیروی از امام و رهبرشان از خطوط اصلی ای که خداوند به وسیله انبیا الهی تعیین کرده بود منحرف شدند.

خوب با این توصیف، تنها امتی که ما در آخر الزمان می توانیم با توجه به سابق الذکر اشاره کنیم، امت اسلامی ایران است که در سایه پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام شکل گرفتند.

این امت به دلیل پیروی محض از رهبرشان و اتحاد و همدلی که از عناصر اساسی تشکیل امت است در مقابل حاکم ظالم ایستادند و توانستند با حفظ آرمان ها و ارزش های انقلاب، تبدیل به یک الگوی جهانی شوند.

این الگو بعدها به سایر کشورها نیز صادر شد و کشورهای دیگر نیز به تبعیت از انقلاب اسلامی توانستند در مقابل ظلم و ستم بایستند و از آرمان های خود دفاع کنند.

خوب با توجه مطالب فوق، اولین نکته این بود که ما توانستیم یک حکومت تشکیل دهیم حکومتی که پایه گذار یک امت بود و این امت این شایستگی را در خود نشان داد که می تواند به عنوان یک امام باشد و به سمت جلو حرکت کند.

نکته دوم اینکه اگر کسی بخواهد در سطح فردی به جایگاه امام برسد باید مراحلی را طی کند.

چون جایگاه امامت بسیار خطیر و ارزشمند است، طبیعتاً این مراحل بسیار دقیق و سخت خواهد بود.

نمونه بارز کسی که توانست با طی مراحل خاص، علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت برسد، حضرت ابراهیم بود.

قابل ذکر است برخی از معارف و آموزه های قرآن کریم به ظاهر ساده و آسان می نماید؛ اما درک و فهم حقیقت آن، تأمل و ژرف کاوی زیادی می طلبد.

یکی از آن آموزه ها، موضوع امامت حضرت ابراهیم علیه السلام است.

قرآن کریم این حقیقت را به صراحت و وضوح بیان می کند که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آزمایش ها و امتحان های فراوان و متعدد به مقام امامت برگزیده شد: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ. و یاد آور وقتی را که خداوند، ابراهیم را به امتحاناتی آزمایش نمود، و او از عهده آنها به خوبی برآمده، آنها را تمام و تمام به جای آورد، خداوند فرمود: حال من تو را بر مردم امام قرار دادم.»

هدف از آزمایش انسان ها به طور معمول این است که توانمندی و شایستگی افراد نسبت به کاری برای آزمایش کننده، آزمایش شوند و افراد دیگر معلوم شود. اما از آنجا که چیزی برخداوند پوشیده نیست، فلسفه امتحان الهی بروز شایستگی و توانمندی افراد برای خود آنان و دیگران است.

نتیجه نهایی آزمون های الهی هم شکوفا شدن استعدادها و فعلیت یافتن آنهاست تا بدین وسیله شایستگی بهره مندی از پاداش های خداوند را به دست آوردند و به کمال مقصود دست یابند. البته کسانی که به دلیل غفلت و سستی از این آزمون ها مردود گردند، مستحق کیفر و شقاوت خواهند شد. نقش فرهنگ شهادت در ماندگاری یک امت

یکی از مولفه های مهمی که صلاحیت یک امت را برای امام شده نشان می دهد، فرهنگ شهادت است.

شهادت به عنوان بازوی قدرتمند یک امت و خونی که در رگ های یک امت جاری می شود، آن را همواره زنده، پویا و ماندگار می سازد و این به خاطر این

به هرحال شهید سلیمانی به مثابه یک امت بود که این توانایی در وی ایجاد شده بود که یک امت را به مرحله امام شدن برساند. البته علاوه بر اینکه در سپاه حقا افراد برجسته ای همچون شهید سلیمانی وجود دارند به همین تناسب، در سپاه کفر و نفاق نیز افراد فاسدی وجود دارند که به تدریج مطرح شده و عده ای را به سمت ضلالت و گمراهی رهنمون می شوند. به عنوان مثال، ما منافقین را داریم که بعدها در سطح جهان اسلام مطرح شده و تبدیل به گروه تکفیری می شوند. البته این درگیری بین سپاه کفر و حق همواره ادامه می یابد تا اینکه با ظهور حضرت مهدی و حکومت جهانی ایشان این جدال پایان یابد.

است که شهدا همیشه زنده هستند و به استناد آیات قرآن نزد پروردگارشان روزی می خورند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُزْفُونَ»؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. »

در خصوص حیات شهدا در عالم برزخ خدای متعال در قرآن کریم موضوع زنده بودن آنها را در دو آیه بازگفته شده است.

مقصود از شهدا در این آیات تمام کسانی هستند که به مقام شهود حقیقت رسیده و با عمل خود درصدد اعتلای کلمه حق و ریشه کن کردن باطل می باشند؛ اگرچه در جهاد کشته نشوند و با مرگ طبیعی از دنیا بروند.

حیات شهدا حیات حقیقی ویژه ای در برزخ است که انسان های عادی از آن محروم هستند چراکه در مورد این گروه با ذکر خاصی از آنها یاد شده است: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُزْفُونَ»؛ اما در مورد سایر افراد، وقتی از این عالم مفارقت می کنند با ورود در عالم برزخ از جنبه های دنیوی این عالم فارق شده و جنبه ای ملکوتی پیدا می کنند.

همان طور که می دانید روح بعد از جدایی از بدن در این دنیا، وارد یک جسم پثالی شده و به حیات خود ادامه می دهد.

در عالم دنیا به دلیل دل بستگی ها و تعلقاتی که وجود دارد توجه ما به جنبه های پایینی و سفلی است؛ در واقع جسم را جدای از روح نمی بینیم و جسم همان جنبه های سفلی است که روح در آن تجلی کرده است، اما وقتی به دلیل بیماری و یا هر علت دیگری وابستگی روح به جسم از بین می رود به عالم بالا سیر می کند و بدین واسطه نیز توجه ما از عالم دنیا برداشته شده و به عالم بالا متوجه می شویم.

البته هرچه مقام معنوی انسان کاملتر باشد، در جدایی روح از بدن، توجه به عالم بالا نیز بهتر صورت می گیرد.

به عنوان مثال، انبیا الهی چون مقام جمع دارند می توانند بین قیامت و ملکوت جمع کنند.

این عده از بندگان برگزیده خدا در همین دنیا نیز به صورت ملکوتی رفتار می کنند و تمام امور دنیوی آنان اعم از خوردن، خوابیدن و... نیز الهی است، در واقع انسان های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریحی خود (نماز و نُسُك) را فقط برای خداوند عالم می دانند: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

مومنین وقتی از دنیا مفارقت می کنند توجه آنها از عالم دنیا برداشته می شود و برای اینکه به این عالم بیایند با توجه به مقام و رتبه ای که دارند می توانند از امورات دنیوی مطلع شده و حتی از خانواده خود نیز سرکشی کنند.

خوب آنچه گفته شد ناظر به معاد جسمانی است که دارای مراحل است، یکی از این مراحل مسئله رجعت است که در بخش های بعدی عرائضم بدان خواهم پرداخت.

نکته دیگری که در اینجا لازم به ذکر است، مسئله امت بودن شهید سلیمانی است که ناظر به جامعیت و سعه وجودی این شهید بزرگوار است.

شهدا برای یک ملت و امت به مثابه آزمون هستند که با سر بلندی آن را پشت سر گذاشته اند.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی

بازسازی قدرت درونی مسلمانان در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجفعلی غلامی

ناقدین: دکتر رجبعلی اسفندیار، دکتر محمود فلاح

دبیر علمی: دکتر سید سجاد آل غفور



طبیعتاً در اینجا ملاک، کیفیت افراد است نه کمیت. شهید سردار سلیمانی فقط یک نفر بود اما به اندازه میلیون ها نفر فعالیت و جریان سازی کرد و باعث شکل گیری قدرت عظیم نظامی و سازمانی شد، اعم از حزب الله لبنان، انصار الله یمن، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان و شبه قاره هند و مدافعان حرم ایرانی.

نگاه معطوف به قدرت در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

این پرسش مطرح است که آیا در تاریخ اسلام سابقه ایی از قدرت سازی مهدویت و انتظار وجود دارد. در پاسخ باید بگویم که هم در روایات و هم در سیره متشرعی تاریخ اسلام می توانیم این مسئله را بهره برداری کنیم. طبق روایت مشهور «افضل اعمال امتی انتظار الفرج» در اینجا عمل، بیان شده است که یعنی باید عملی انجام دهیم.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» نقل می کند، مختار ثقفی به هنگام قیامش ادعا کرد محمد حنفیه همان همان مهدی موعود است و از طرف ایشان مامور به تشکیل حکومت و احیا و بازسازی قدرت شیعه شد.

مسئله ما درست یا غلط بودن عمل مرحوم مختار نیست، بلکه استناد ما به شاهد مثال است که یعنی این مکتب چنین زمینه ایی دارد.

بحث پیرامون بازسازی قدرت درونی مسلمانان در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی است. بازسازی به این معنا است که قدرتی وجود داشته است و باید بازسازی شود. شاخص این بحث دو عنوان است؛ مهدویت و مکتب شهید سلیمانی.

نگاه ما به گفتمان مهدویت و قدرت سازی در گفتمان مهدویت، نگاه درون مذهبی و درون مکتبی نیست بلکه دال مرکزی مهدویت، اسلام است و به تعبیر قرآن دار الحرب و دار الاسلام مبنای ما هستند.

تمدن غرب و مسیحیت در مورد مسئله موعود گرایی در فیلم، مکاتب و سمینارها فعالیت می کنند و ما باید این موعود گرایی موهوم و معیوب غرب را به چالش بکشیم.

جایگاه مکتب شهید سلیمانی در بازسازی قدرت درونی مسلمانان

شاخص دوم جایگاه مکتب شهید سلیمانی در بازسازی قدرت است و همچنین ارتباطی که می توانیم بین مکتب شهید سلیمانی و مهدویت ایجاد کنیم.

در روایات معتبر و متعدد تاکید شده است که یاران حضرت ولی عصر (عج) سیصد و سیزده نفر هستند. در اینجا این سؤال مطرح می شود که چگونه این انقلاب جهانی و فراگیر می تواند با این تعداد محدود از افراد شکل بگیرد.

در اینجا سردار سلیمانی استدلال علمی می آورد و بیان می کند تکلیف شیعیان معتقد به اسلام مشخص است، اما اهل سنت که اعتقاد مکتبی ندارند باید اعتقاد عقلی داشته باشند و عقل حکم می کند که همه باید زیر یک خیمه باشند که آن هم خیمه ولایت فقیه است.

بنابراین در اندیشه سردار سلیمانی آینده اسلام در گرو ولایت فقیه و اصل حکمت است. من قدرت حکیمانه را از بیانات شهید سلیمانی اقتباس کردم. ایشان در یادواره شهدای گیلان در سال ۱۳۹۵ می فرمایند که به دلیل رهبری حکیم، خردمند و شجاع و ملت باوفای ایران، کشور توانست دشمن را به زانو درآورد. یعنی سردار سلیمانی قدرت نظام را متصل به رهبری حکیم می داند. در ادامه وصیت نامه می فرمایند، آیت الله خامنه ایی مردی حکیم در اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است.

بنابراین دال مرکزی قدرت در مکتب شهید سلیمانی همان نظام ولایتی و حکومت حکمت است.

منابع قدرت حکیمانه در گفتمان مکتب شهید سلیمانی

منابع قدرت حکیمانه منحصر به ولایت فقیه نیست و ولایت فقیه محور، مرکز، ملاک و مبنا است.

نگاه سردار سلیمانی به منابع قدرت، شامل منابع ایجابی و منابع سلبی و منابع مجازی است.

منابع ایجابی شامل منابع مادی، نظامی، ژئوپلیتیک، جغرافیایی، ملیت گرایی، اقتصادی با رویکرد اقتصاد سیاسی است که سردار سلیمانی در همه این ها نقش داشتند.

منابع مجازی شامل کلیه فاکتور ها و توانمندی های فضای مجازی و سایبر در حوزه اطلاعات و ارتباطات است که می تواند در خدمت تولید قدرت حکیمانه قرار گیرد.

همچنین منابع معنوی شامل تعامل بین عقلانیت و مؤلفه های فرهنگی و مذهبی است که در مسیر تولید اقتدار قرار می گیرد.

نگاه سردار سلیمانی، نگاه ارزش مدارانه است و در قدرت و تولید قدرت نگاه ملیت گرایی ندارد البته نه به این معنا که ملی گرا نیست بلکه وطن پرستی، بزرگ است و مفتخر به ایرانی بودن است اما نگاه ایشان در تولید قدرت، فراملیتی است زیرا در نگاه ملیتی حزب الله لبنان و حشد الشعبی جایی ندارد.

سردار سلیمانی در سال ۱۳۹۲ در سالگرد شهید حسن شاطری از مجاهدین لبنان، بیان کردند جریان ملی گرایی در ایران دروغ است، ملی گرایی در ایران با هدف مقابله با اسلام و مذهب ایجاد شد.

البته منظور سردار سلیمانی آن ملی گرایی منفی است یعنی ملی گرایی که پهلوی ها به دنبال آن بودند.

شاخصه های بازسازی قدرت درونی مسلمانان در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

۱. قدرت باید در خدمت دین باشد:

سردار سلیمانی این مسئله را به صراحت در عمل نشان داد که برای ایشان فی نفسه، قدرت اهمیتی ندارد. در اینجا سؤالی مطرح می شود که آیا می

شیخ مفید در کتاب «الْفُصُولُ الْعَشْرَةُ فِي الْعَيْبَةِ» نقل می کند که زیدیه قائل به امام سیف هستند، یعنی در مواردی رهبران خود را مهدی نامیدند. آنان مرگ یحیی بن عمر را منکر شدند و او را مهدی می دانستند.

حسن بن موسی نوبختی در کتاب «فرق الشیعه» نقل می کند که فرقه اسماعیلیه نیز قائل به مهدویت و نمرود اسماعیل فرزند امام صادق (ع) هستند که منتظر اقامه حکومت و احیای قدرت توسط اسماعیل می باشند. همچنین در شرق اسلامی نیز قیام عباسیان ملهم از انتقام امام معصوم بود. بنی عباس با شعار یا لثارات الحسین به میدان آمدند و قدرت را قبضه کردند ولی به انحراف کشیده شدند.

در غرب اسلامی نیز این مسئله بیشتر قابل مشاهده است. فاطمیان در مصر، مرابطین، موحدین، شرفای سعدی، علوی ها با استفاده از این الگو، دولت های نیرومندی تشکیل دادند.

نکته مهم و قابل توجه این است که این مکتب پتانسیل و قدرت دارد که در مسیر احیای قدرت از دست رفته اسلام قدم بردارد.

با رصد اندیشه و عملکرد سردار سلیمانی این مسئله قابل مشاهده است که نگاه ایشان به مهدویت، نگاه تولید قدرت و اقتدار در سطح ملی و جهان اسلام بود.

زمانی که سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس بودند به مسئله محور مقاومت ورود کردند که از فعالیت های ایشان ارتباط با حماس و جهاد بود.

بسیاری گمان می کردند چون حماس اهل سنت هستند، سردار سلیمانی موفق نمی شود اما سردار سلیمانی این اتفاق را رقم زد.

به همین خاطر نماینده حماس در تشییع جنازه سردار سلیمانی حضور پیدا می کند و سه بار می گوید هوشهید القدس، که این امر نشان دهنده جایگاه شهید سلیمانی است.

چارچوب گفتمانی بازسازی قدرت مسلمانان در مکتب شهید سلیمانی در قالب نظریه انتظار

با تتبع و بررسی افکار، اندیشه و عملکرد شهید سلیمانی می توانیم بازسازی و تولید قدرت در مکتب ایشان را در قالب یک گفتمان قرار دهیم که قدرت حکیمانه نام دارد. ایشان تاکید زیادی بر حکمت داشتند.

تعریف قدرت حکیمانه عبارت است از: قدرتی که محصول توانایی ها و برتری های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک است که هدف از این قدرت، تحقق یک مدل حکومتی برتر و تضمین بقاء و ثبات این برتری است.

اگر بخواهیم دال مرکزی قدرت حکیمانه از منظر شهید سلیمانی را بررسی کنیم، در آن حکومت حکمت با رهبری حکیم را مشاهده می کنیم.

به عبارت دیگر نظام ولایت فقیه، یک حکومت حکیمانه با رهبری حکیم است. سردار سلیمانی در وصیت نامه خود اینطور نوشتند: جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است که متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم است.

منزه ترین عالم دین که اسلام را احیا کرد امام خمینی (ره) و ولایت فقیه بود و چه شما به عنوان شیعه که به آن اعتقاد دارید و چه شما به عنوان سنی که به آن اعتقاد عقلی دارید برای نجات اسلام خیمه ولایت فقیه را رها نکنید.

توانیم بین قدرت و دین پیوند قائل شویم.

در رویکرد سکولار نیز همین عمل را انجام می دهند و به ما می گویند، از نظر شما دین قدسی، فرازمینی و مقدس است و قدرت پلید و آلوده است و شما چگونه بین یک پدیده پلید و پدیده قدسی ارتباط برقرار می کنید، آیا این امر باعث آلوده شدن دین نمی شود؟

در پاسخ اشاره می کنم به سخنان امام (ره) که فرمودند در ساواک قم به ایشان می گفتند شما مرجع هستید پس سر درس و بحث و مقلدین خودتان بنشینید و خودتان را به این فضا آلوده نکنید، این سیاست پدر و مادر ندارد. امام (ره) در جواب آنها گفتند که سیاست ما سیاست علوی است و ما به دنبال این سیاست هستیم.

دین قدسی و آسمانی است و زمانی که وارد زمین می شود، قواعد زمین در مورد آن اجرا می شود که از جمله ی آن استفاده از قدرت است.

در سیره پیامبر اعظم (ص) مشاهده می شود که ایشان از ابتدا به دنبال قدرت هستند که در همین راستا مقاله ایی تحت عنوان «قدرت طلبی پیامبر و قداست قدرت» در دست تدوین دارم.

البته نباید نگاه منفی که متاسفانه به قدرت ایجاد شده، داشته باشیم.

پیامبر در عشیره الاقریین به فکر قدرت خویش است که بعد از او جانشین چه کسی می شود و در پیمان عقبه اول و دوم از انصار نسبت به اینکه برای جانشینی ایشان مدعی نباشند تعهد می گیرد.

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان از این مسئله اینطوری برداشت می کنند که چرا به پیامبر ساحرو مجنون می گفتند.

آنها گفتند که پیامبر (ص) به ما می گوید ایمان بیاورید و همه چیزتان را تحت اختیار من قرار دهید یعنی آیه ۵۹ سوره نساء که می فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)). در اینجا بود که می گفتند پیامبر (ص) مجنون شده و ما چگونه می توانیم قدرتمان را به او دهیم.

وقتی کسی این ایمان را می پذیرفت می گفتند پیامبر او را سحر کرده، چگونه ممکن است انسانی همه قدرت خود را تحت اختیار فرد دیگری قرار دهد. بنابراین نگاه پیامبر معطوف به تولید قدرت و ایجاد اقتدار در مسیر صحیح و درست است.

در مکتب مهدویت و مکتب شهید سلیمانی نیز همین مسئله وجود دارد. مرحوم شیخ صدوق از امام باقر (ع) روایتی نقل می کند که اشاره به نوع و هویت قدرتی دارد که امام زمان به کار می گیرد: «ان فی القائم من آل محمد (ص) شبها من خمسه من الرسل... و اما شبهه من جده المصطفی مخروجه بالسيف و قتله اعداء الله و اعداء رسوله و الجبارين و الطوغيت و انه ينصر بالسيف و الرعب»

طبق این روایت امام زمان به پنج پیامبر شباهت دارد.

اما شباهت ایشان به جدش مصطفی خارج شدن او به وسیله شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و ظالمان و مستکبران است.

او به وسیله شمشیر و ایجاد رعب در دل دشمنانش یاری می شود.

۲. نگاه جامع و کامل به قدرت:

تاکید سردار برزنده نگه داشتن یاد شهدا و فرهنگ شهادت حاکی از این است که ایشان فرهنگ شهادت را یک منبع قدرت نرم می دانند که بسیار هم کاربردی و راهبردی است.

در اندیشه سردار سلیمانی تولید قدرت و بازسازی اقتدار مسلمانان فقط در ابعاد نظامی و فیزیکی خلاصه نمی شود بلکه قدرت نرم فرهنگی نیز برجسته و برخط می باشد.

۳. تولید قدرت با نگاه بلند مدت و کوتاه مدت:

سردار سلیمانی هم در مسیر بلند مدت قدرت تولید می کرد و هم در مواقعی که نیاز بود یک مورد خاصی را حل کند.

به طور مثال در عراق، مسئله حضور آمریکا بسیار جدی بود اما سردار سلیمانی عراق را به دست آورد و این زمینه ایی برای تولد حشد الشعبی در عراق شد.

شخصیت سردار سلیمانی از منظر تولید قدرت

- سردار سلیمانی بحران را به فرصت تبدیل می کرد. عراق، سوریه، یمن، لبنان برای محور مقاومت ابتدا بحران بود اما در حال حاضر به فرصت و امتیاز تبدیل شده است.

- داشتن تفکر استراتژیک و عمل تاکتیکی.

- ایشان فرمانده میدانی بودند، نه فرمانده مانیتورینگ. به تعبیر هم زمانشان، سردار سلیمانی به نیروهای خود می گفت بیایید جلوه اینک بروید جلوی این اول خودشان به میدان می رفتند و بعد نیروها را دعوت می کردند.

- سردار سلیمانی اهل مطالعه بود. سردار پوریانی اولین فرمانده سپاه از کرمان تعریف می کردند سردار سلیمانی قبل از دیدار آقای پوتین، کتاب جنگ و صلح نویسنده معروف روس را خوانده بود تا با اطلاعات کامل ترو نگاه روانشناسانه با آقای پوتین صحبت کند. در آن جلسه ایشان توانستند آقای پوتین را برای حضور در سوریه قانع کنند.

- سردار سلیمانی در کنار حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان یک برند جمهوری اسلامی است.

مجله تایمز ایشان را جزء صد شخصیت برتر و مؤثر سال معرفی کرد.

به این دلیل که در شخصیت سردار سلیمانی دو انگاره متناقض وجود دارد، این که افرادی او را عاشقانه می ستایند و افرادی کینه توزانه او را تخریب می کنند، نمی توانیم سردار سلیمانی را بشناسیم.

همچنین بسیاری از زوایای زندگی ایشان هنوز پنهان است و امکان انتشار اسناد و منابعی که طبقه بندی شده است، وجود ندارد.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی

احیای بیداری اسلامی در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی

ارائه کننده: دکتر سید جواد میرخلیلی

ناقدین: حجج اسلام والمسلمین خدامراد سلیمیان، محسن قنبری نیک

دبیر علمی: دکتر سید حامد شاه‌رخی



اگر ما بخواهیم این‌ها را رها کنیم مانند شمال آفریقا و غرب آسیا و غیره یک بیداری اسلامی شکل گرفت اما این‌ها در خوان اول آن ماندند.

ایشان معتقدند که انقلاب اسلامی ما از این خوان‌ها عبور کرد پس این نکته مهم است که این مفاهیمی که کنار هم می‌آید چرا مکتب می‌گوییم؟ تعریفی که از مکتب ارائه شده و حائز اهمیت است این است که برخی مانند علامه طباطبایی مکتب را یک مفهوم اعتباری و برساخت ذهنی می‌داند و می‌فرماید که مکتب تعریف خودش را از مقاصد و انتظارات اعتبار کننده دریافت می‌کند.

در کتاب مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، شهید مطهری می‌فرماید یک تئوری کلی هست و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف آن کمال انسان و رسیدن به خوشبختی و سعادت که در آن خطوط اصلی و باید و نبایدها، خوبی و بدی‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها، دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام مسئولیت‌ها و تکلیف‌های برای همه افراد می‌باشد.

خوب این مکتبی که از شهید سلیمانی می‌خواهیم نقل کنیم دقیقاً منطبق بر این تعریف است.

رهبری هم می‌فرمایند هیچ ملتی بدون داشتن یک تفکر ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند.

من به مصر اشاره کردم و روی این ایده تاکید دارم که باید بینیم چه مؤلفه‌هایی در بیداری اسلامی وجود داشته است که شهید سلیمانی آمده

امروز هم یازدهم آذرماه سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی است که ایشان هم طلبه‌ای بود مانند شهید مدرس.

حضرت آقا فرمودند حرکتی را که ایشان انجام داد اسلامی بود و هر دو بزرگوار علیه استعمار و استبداد بودند، همان چیزی که امروز درباره شهید سلیمانی می‌گوییم و از ایشان به عنوان مظهر اقتدار ملی و جهادی ایرانیان یاد می‌کنیم. حضرت آقا از حرکت میرزا کوچک خان جنگلی به عنوان واحد مینیاتوری نظام اسلامی و جمهوری اسلامی یاد می‌کنند.

شهید سلیمانی بیداری اسلامی را احیا کردند. چهار موج داشته‌ایم در بیداری که وارد آن نمی‌شویم.

به‌طور خاص آن چیزی که پیرنگ می‌شود با انقلاب اسلامی ایران است به تعبیر رهبری انفجار بیداری اسلامی با انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. قبل از پرداختن به ایده و مدعای مان کمتر می‌شود از چیزی به عنوان مکتب یاد کرد.

در کنار مکتب، مدرسه، منظومه، راه، مسلک و غیره مفاهیمی هستند که کنار هم می‌آیند. چرا این‌ها مهم هستند؟

ما در حرکت‌هایی مانند انقلاب اسلامی یا بیداری اسلامی چیزی که مهم است و رهبری تاکید دارند این است که هم باید واژه‌سازی شود و هم نظام‌سازی.

بنده اغلب بحث‌های ایشان درباره بیداری اسلامی و شهید سلیمانی عزیز را مطالعه کردم و منابع مختلف هم همچین جالب است.

این‌ها را احیا کرده‌است.

یعنی اگر ما بخواهیم به تمدن نوین اسلامی برسیم باید ببینیم این‌ها چه چیزهایی بوده‌است.

شاید برای اساتید عزیز این سوال مطرح شود که این بحث طبق چه چارچوبی بوده‌است. یکی بحث چارچوب سازه‌انگاری است چون توجه به عوامل غیرمادی و هویت‌ساز دارد از این روش استفاده کردم.

این مقدماتی که باید عرض می‌کردم. اما بیداری اسلامی چیست دو سه تعریفی که احساس می‌کنم به بحث ما نزدیک است را می‌گویم مثلاً توجه نخبگان و جوانان مسلمان به دارایی‌های معرفتی و معنوی خودشان و حرکت در خدمت اهداف بزرگ اسلام دومین تعریف ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که به تحولات و بیداری‌های بیرونی منجر می‌شود.

همان که من در مقاله گفته‌ام چرا این بحث اهمیت دارد. این‌که ما امروز می‌بینیم شهید با آگاهی جلوی حرکت دشمن می‌ایستد و علت شهادت شهید سلیمانی علم دشمن‌شناسی ایشان بود.

چون این‌ها وقتی موج بیداری اسلامی را می‌بینند تلاش می‌کنند که تفرقه بیندازند. حرف‌های نو، ایستادگی ملت‌ها و غیره باعث ایجاد تفرقه توسط دشمنان می‌شود.

آنچه دشمنان را به این کار وامی‌دارد اسلام عملی است نه اسلام خالی یا تروریسم و غیره.

راه نجات منطقه از نظر شهید سلیمانی همین تقویت بیداری اسلامی و تقویت حرکت مقاومت اسلامی است.

نکته دیگر این‌که ما چند مکتب داریم ۱. اسلام و اهل بیت ۲. مکتب امام و انقلاب ۳. مکتب مقام معظم رهبری ۴. مکتب شهید سلیمانی.

این‌ها به همین ترتیب از همدیگر الهام گرفته‌اند. مکتب شهید سلیمانی هم از حضرت امام الهام گرفته است.

رهبری بارها این را اشاره کردند. در این مکتب مگر چه چیزی وجود دارد که باعث می‌شود شهید سلیمانی هم شاگرد این مکتب باشد؟ چون ایشان همان جهان بینی را دارد که در حضرت امام وجود داشت. وقتی ما به مبانی امام در اسلام‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و غیره می‌نگریم، حضرت امام در هستی‌شناسی قائل به نگاه توحیدی است که براساس این نگاه توحیدی نتیجه می‌گیرد که شما نباید سرمقابل زورگوها خم کنید یا اینکه نباید از حکومت‌های غیرالهی تبعیت کنید.

همین‌ها در شهید سلیمانی عزیز وجود دارد که این‌که ابتدای وصیت‌نامه خود شهید هم این مبانی را مطرح می‌کند.

حالا می‌بینیم که چه ویژگی‌هایی در مکتب شهید هست که همین‌ها در بیداری اسلامی است و ایشان آمد این‌ها را احیا کرد.

طبق مطالعات بنده چند تا از این مؤلفه‌ها را جدا کرده‌ام و چند تا را می‌خواهم پررنگ کنم و روی آن مانور بدهم که یکی قدرت فرماندهی، شجاعت و قدرت اداره بحران است.

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خودشان در آخر به سپاهیان می‌گویند که ملاک انتخاب فرمانده را قدرت فرماندهی و مدیریت در بحران‌ها قرار دهید.

در صحبت رهبری هم همین‌ها مطرح می‌گردد.

رهبری احتیاط در رعایت حدود شرعی را هم می‌فرمایند که خیلی کم پیش می‌آید که افراد در بحبوحه‌ی جنگ به فکر رعایت حدود شرعی باشند. بحث مجاهدت در راه خدا، اخلاص، پرهیز از ریا و خودنمایی، اخلاق‌مداری، محبت شهید بسیار قابل تأمل است.

در زندگی ایشان مطالعه می‌کردم که روزی می‌روند برای نوه‌هایشان بیمارستان و حاضران در بیمارستان می‌خواهند عکس دسته‌جمعی با سردار بگیرند، که فردی در آخر سالن دارد نظافت می‌کند ایشان می‌ایستد تا او هم بیاید و در عکس شرکت کند.

پای بندی به ارزش‌ها، ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری ایشان هم از دیگر نکات است.

در وصیت‌نامه می‌نویسند که افتخار می‌کنم که در زمانی وجود دارم که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیا یعنی امام را دارند و بعد به رهبری اشاره می‌کنند که حکیم‌ترین فرد جهان اسلام است.

باز هم در جاهای دیگر ولایت‌پذیری را بیان می‌کند مانند جملاتی که این جا حرم است یا جمهوری اسلامی مرکز اسلام است مرکز تشیع است و غیره.

اداره جامعه جهان اسلام نیازمند و متکی به رهبری است. رهبری متصل به معصوم است. ایشان ولایت فقیه را از اصول می‌دانند. سلوک رفتاری، نظام فکری و عملی، فداکاری، سعه صدر، ایمان و تعهد از دیگر موارد قابل تأمل است.

در وصیت‌نامه‌شان جنبه‌های عرفانی را هم در ایشان می‌بینیم. بحث استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی که اصلاً هدف بیداری اسلامی نیز همین است.

توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون پرداخت هزینه محسوس و یا تهدید همان کاری است که امام انجام می‌داد.

ایشان پرهیز می‌کند از منش مسلحانه. امام تأکید می‌کند به آگاهی و بیداری که اگر مردم آگاه شدند، خودشان قیام می‌کنند همان‌طور که انقلاب اسلامی با روش‌های غیرمستقیم به بیداری اسلامی مردم رسید.

ایشان هم این‌طور عمل می‌کنند امام هم می‌فرمود که هدف ما جنگ و کشورگشایی نیست. همین‌که ما بتوانیم یک الگوی ولوناقص از یک حکومت اسلامی ایجاد کنیم با عدالت‌خواهی و معنویت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و صدور این انقلاب به دیگر نقاط دنیا همین کافی است. این باعث بیداری اسلامی کشورهای دیگر بود. که شهید حاج قاسم هم همین عقیده را دارد.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی

تحلیل مبانی انتظار مقاومتی در تقابل با انتظار واپس گرا در مکتب شهید سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام والمسلمین محمد شهبازیان

ناقدین: حجت اسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد، دکتر حمیدرضا مطهری

دبیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی فصیحی رامندی

مکتب ناب اسلام بدست آورده اند، مبانی نظری و فواید عینی این نوع از انتظار را به منصفه ظهور رسانده و عملکرد اجتماعی وی و تاثیرات حیات و شهادت ایشان، خود دلیلی بردستی این برداشت از انتظار است.

در این مقاله تلاش گردیده تا در جهت پاسخ به سولاتی مانند:

- مبانی انتظار مقاومتی و دلایل موافقان با انتظار واپس گرا چیست؟

- چگونه می توان با توجه به بیانات و عملکرد شهید سلیمانی به دلایل انتظار واپس گرا پاسخ گفت؟ مطالبی تنظیم گردد.

از این روی نویسنده با روش پژوهشی آمیخته ای تلفیقی و نوع داده پردازی توصیفی تحلیل، به پیشینه ای از تقابل با انتظار مقاومتی در میان جریان های انحرافی اشاره کرده و پس از بیان دلایل و مبانی انتظار مقاومتی، به نقد مبانی انتظار واپس گرا با مصداق یابی در سخنان و عملکرد اجتماعی شهید سلیمانی پرداخته است.

نتایج حاصله از این مقاله بر آن است که عقل، قرآن، روایات و سیره متشرعه دلالت بر انتظار مقاومتی داشته و دلایل نظریه رقیب فاقد جاهت علمی است. همچنین شهید سلیمانی با یادآوری برخی از مبانی در سخنان خود، عملکرد و تاثیر اجتماعی در حین مقاومت، شهادت و تشییعشان، اقدامی موثر در نقد انگاره انتظار واپس گرا داشته است.



انتظار ظهور حضرت مهدی (ع) یکی از آموزه های اساسی در مهدویت است که آن را بالاترین عمل در دوران غیبت و معتقد بدان را همپای مجاهدان و شهیدان صدر اسلام دانسته اند.

از این روست که گزارش های منقول از اهل بیت علیهم السلام، ویژگی های آن را یادآور و حدود آن را مشخص کرده اند.

مهم ترین ویژگی آموزه انتظار، پویایی و هدفمندی جامعه موعود باور و تلاش در راستای زمینه سازی ظهور است که عقل و نقل بدان اشاره کرده اند.

از طرف دیگر نظام باطل همت خود را در بازدارندگی از ظهور و ایجاد حاکمیت حق معطوف نموده و تلاش دارد تا با شیوه های مختلف تشکیل جامعه یاری گران موعود را به تاخیر اندازد.

این امر با تمسک به ترفند هایی فتنه انگیز مناسب با روحیه های مختلف از جوامع بشری است اما؛ در میان دین داران مهم ترین شیوه، تحریف در آموزه های دینی و جهل مرکب در میان آنان است.

نمونه آن در آموزه انتظار، تحلیل نادرست از مفهوم این واژگان و وارونه نمایی آن در ویژگی ها و معنای مورد نظر منابع دینی است.

از این روی انتظار به دو گونه «انتظار مقاومتی» با ویژگی حضور اجتماعی و سیاسی منتظران و نقش آفرینی در جامعه و تشکیل حاکمیتی برگرفته از آموزه های دینی و تحت اشراف فقیه جامع الشرائط و «انتظار واپس گرا» با انگاره خانه نشینی و تنها نظاره بروضعیت نابسمان جامعه، تقسیم شده است.

شهید سلیمانی، نمونه انسان تراز رشد یافته از انتظار مقاومتی است که با تمسک به مبانی برگرفته از مکتب امامین انقلاب، که آنان نیز مبانی را از

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی

توحید محوری مبنای تربیتی انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

ارائه کننده: سرکار خانم دکتر طاهره ماهرزاده

ناقدین: حجت الاسلام و المسلمین دکتر هادی کمال عزت، سرکار خانم دکتر مرضیه سادات سجادی

دبیر علمی: حجت الاسلام و المسلمین مهدی فصیحی رامندی

با امیال نفسانی و درونی. حقیقت مقاومت از آثار همنشینی توحید، انتظار و مقاومت است یعنی همان پایداری در مسیر ربوبیت الهی و استقامت بر آن، برخورد با موانع و تلاش برای رسیدن به هدف غائی که حیات طیبه است.

به عبارت دیگر انتظار، شاه کلید رسیدن به این حقیقت است.

ایده اصلی مقاله، مبنای تربیتی انتظار یعنی توحید محوری است. با توجه به آیه ۵۳ سوره روم: ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییر پذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی دانند)) در مکتب اسلام انسان فطرتاً بر مکتب توحیدی آفریده شده است یعنی فطرت توحیدی در وجود تمام انسان ها از بدو تولد وجود دارد، برخلاف تفکر مکاتب دیگر که انسان ها را مانند صفحه ای خالی می بینند که به هر صورتی تربیت شود، به همان شکل رشد می کند. لکن بعضی از انسان ها که برخلاف این فطرت حرکت می کنند، به مرور این فطرت را می پوشانند لذا عنوان کافرو کفر به معنای پوشش، به همین علت است.

افرادی که این فطرت را تقویت می کنند، به سبب گرایشات و تمایلاتی که در وجود آنها است، شوق و حرکتی به سمت خداوند متعال در آنها ایجاد می شود و این فطرت توحیدی، انسان را به سمت معنویت و خداوند سوق می دهد و عطش دستیابی به کمالات غیرمادی را در او سیراب نمی کند؛ زیرا انسان بی نهایت است و به سمت بی نهایت حرکت می کند. ثمره تربیت انسان بر نظام توحیدی، استقامت و انتخاب حق و انتظار می باشد. یعنی انسانی که بر اساس این فطرت توحیدی تربیت شود، یگانگی و ربوبیت الهی را به تنهایی می پذیرد و این گرایش فطری بر همه احوالات او تاثیر می گذارد. به تعبیر شهید سلیمانی تا کسی شهید نبود، شهید نمی شود و شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز بوی شهادت از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد، شهادت نصیبش می شود. به عبارت دیگر شهید شدن عبارت است از حرکت در مسیر توحید و رضایت الهی که هدف غائی انسان است.

توحید محوری در مکتب شهید سلیمانی

حقیقت مکتب شهید سلیمانی یعنی مجموعه ای از اعتقادات محکم و منسجم بر پایه فطرت توحیدی که رفتار های مرتبط و نمود های برخاسته از اعتقادات، خلقیات و رفتار های ایشان را به وجود می آورد که در نهایت

انتظار شکل گیری شخصیت در مباحث تربیتی دارای مبانی است که در مکتب شهید سلیمانی، توحید محوری مبنای تربیتی است. مسئله حائز اهمیت در این مسیر، وجود الگوهای مهم تربیتی در مکتب تربیتی اسلام است.

خداوند متعال در مکتب تربیتی اسلام الگوهای متعددی در قرآن کریم مطرح می کند، اعم از پیامبران و بندگان صالح خداوند. افرادی که در دوران زندگی مطابق مکتب اسلام عمل می کنند، می توانند مانند ستاره در تاریکی باشند و به عنوان الگو برای دیگران مطرح شوند.

شهید سلیمانی در مکتب امام خمینی (ره) پرورش یافتند و همچون قیام ایشان، ظهوری دوباره به بعثت پیامبر (ص) دادند. ظهوری دوباره به بعثت پیامبر (ص) به این معنا است که اهداف مطرح شده در بعثت پیامبر اسلام مثل مبارزه با جاهلیت، قیام برای برپایی عدالت و ارتقاء سطح اندیشه و تفکر، برداشتن اختلافات قومی و مذهبی، در انقلاب اسلامی و سبک زندگی شهید سلیمانی تجلی پیدا کرده است.

لذا صرف نظراز وحی که به پیامبر (ص) اسلام می شد، در بُعد اجتماعی شاهد ظهوری دوباره بر بعثت پیامبر (ص) هستیم.

در این پژوهش با توجه به داده های موجود از زندگی نامه، سخنرانی ها و وصیت نامه شهید سلیمانی به روش توصیفی تحلیلی در جست و جوی پاسخ این پرسش بودیم که چگونه توحید در عقیده و عمل شهید سلیمانی در ابعاد فردی و اجتماعی مکتب ساز شده است. با توجه به این موضوع، مفاهیمی پیشرو داریم که شامل تربیت، انتظار، مقاومت و همچنین دیدگاه ما به این مفاهیم است.

مبنای تربیتی انتظار و مقاومت

تربیت در مکتب اسلام و نظام توحیدی به معنای شناخت پروردگار به عنوان رب یگانه انسان و جهان است. انتظار در معنای اصطلاحی یعنی انتظار فرج ولی حقیقت انتظار، به معنای تحول از وضع موجود به وضع دیگر است که نوعی حرکت به سمت حقیقت و عدم پذیرش باطل است. به همین سبب مقاومت را همنشین انتظار می دانیم، چه بسا می توان گفت که حقیقت انتظار با مقاومت آمیخته شده است.

مقاومت به معنای پایداری، استقامت و ثبات ورزیدن است که واژه مقاومت به طور صریح در قرآن دیده نشده است ولی مفاهیم مرتبط با آن زیاد است مثل مفاهیم ثبات، پایداری، استقامت، ایستادگی. مقاومت در دو بعد مورد توجه است؛ بُعد پایداری و ایستادگی در میدان جهاد و بُعد مقابله کردن

در عصر غیبت، بحث ولایت فقیه مطرح می شود. بعضی افراد ولایت فقیه را امری اعتقادی محض می دانند و از آثار عملی و یقین آن صحبتی نکردند. انسان های ولایت باور، باتقوا و پرهیزگار هستند و از هیچ قدرتی هراس و خوف ندارند. آنها عزت، کرامت و ولایت حق را با هیچ امری تعویض نمی کنند و این ولایت باوری است که می تواند منشاء ولایت و مجاهدت در راه عقاید باشد. آیه ۴۵ سوره مائده می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست» که این آیه ویژگی انسان های ولایت باور که شخصیت آنها بر اساس توحید شکل گرفته است، بیان می کند.

● استکبار ستیزی: بُعد اجتماعی بینش توحیدی، به معنای نپذیرفتن روحیت غیراست. این غیرمی تواند امیال نفسانی یا قدرت های استکباری باشد. استکبار ستیزی به معنای ایمان به وعده های الهی و انتظار همراه با مقاومت برای تحقق وعده های خداوند است. شهید سلیمانی نمادی از استکبار ستیزی هستند. بحث نماد زمانی مطرح می شود که جامعه انسانی اعم از دشمنان و دوستان، آن مسئله را پذیرفته باشند. استکبار ستیزی در بینش های سردار سلیمانی ریشه داشت.

ایشان در برابر تمام گونه های ساختگی که به جان ملت ها رحم نمی کردند مقاومت داشتند و با این مقاومتی که ریشه در توحید داشت، در مقابل جهان استکبار ایستادگی کردند. شهید سلیمانی در این زمینه نماد بودند و این نماد شعبه هایی به وجود آورد و جبهه مقاومت در منطقه را تشکیل داد مثل فاطمیون و زینبیون. به همین جهت هم مستکبران وجود سردار سلیمانی را برنتابیدند و ناجوانمردانه ایشان را به شهادت رساندند.

● دفع دشمن و رفع دشمنی: از ویژگی های مهم مکتب شهید سلیمانی در بُعد اجتماعی، دفع دشمن و رفع دشمنی است.

همچنین در مسئله دفع دشمن، توجه به دشمنان داخلی و خشکاندن ریشه های فتنه در میان مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اختلاف اندازی یکی از حربه های اساسی دشمنان است که از طریق این فتنه ها، دوستان را به جان هم می اندازند.

لکن با تدبیر مسلمان و تلاش خیراندیشان باید دشمنی ها رفع شود و صلح و دوستی حاصل گردد. در این رابطه در قرآن کریم آیات بسیار زیادی وجود دارد که در متن مقاله ذکر شده است. مسئله حائز اهمیت در بحث رفع دشمنی، دفع دشمن است. به عبارت دیگر فضای روشن و دشمن عینی را با ابزار و ادوات جنگی مقابله می کنند ولی رفع دشمنی، در فضای خاکستری دشمنی که در لباس دوست ظاهر می شود صورت می گیرد و تشخیص دشمن، نیاز به بصیرت و تدبیر دارد تا با تلاش های مدبرانه صلح و آرامش برقرار شود. قرآن کریم در آیه ۹ سوره حجرات، به عنوان یک قاعده کلی در

شخصیتی الگوبه جامعه ارائه می کند. ویژگی های سردار سلیمانی در دو بعد فردی و اجتماعی، بر اساس بینش توحیدی شکل می گیرد که یکی از آثار آن، کاریزماتیک بودن سردار سلیمانی است. شهید سلیمانی جریان ساز بودند و مکتب ناب محمدی را در قرن بیستم به ظهور رساندند. برای تحلیل تبیین تاثیر توحید بر شهید سلیمانی، مؤلفه هایی انتخاب نمودیم. البته مؤلفه های زیادی وجود دارد که سعی کردیم، آنچه که نقطه مرکزی است و کمتر به آن توجه شده، بیان شود. مؤلفه در بعد فردی شامل عبودیت، اعتدال، ولایت باوری است و در بعد اجتماعی شامل استکبار ستیزی، دفع دشمن و رفع دشمنی، ایجاد رابطه ولایت مداری به معنای انضباط اجتماعی است.

● عبودیت: عبودیت یعنی انسان تربیت شده در مکتب اسلام با شناخت پروردگار، عبد محض می شود البته شناختی که حقیقی باشد. آیه ۶۵ سوره ذاریات «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند» هدف از خلقت را عبادت بیان کرده است. در تفسیر های روایی، عبادت به عنوان معرفت شناخته شده است یعنی معرفتی که عبودیت را به همراه دارد. لذا رکوع و سجود که نمادی از پرستش خداوند است به تنهایی نمی تواند ماهیت عبودیت را به نمایش گذارد، اما به معنای پذیرش ربوبیت الهی و توکل محض است. انسانی که به این معرفت ربوبی برسد، از بندگی غیر خدا رها می شود و آثار عملی که مترتب بر این معرفت می شود، زمینه توکل برای او را فراهم می سازد. به عبارت دیگر معرفت ربوبی سبب می شود، انسان با تمام وجود خداوند را درک کند و فنای فی الله شود و عالم هستی را در محضر خداوند ببیند. این اعتقاد در شئون مختلف زندگی انسان تاثیر می گذارد و زمینه توکل، شوق، اراده، محبت، عشق و تسلیم را فراهم می کند. بنابراین بالاترین ارزش، معرفت خداوند است. آیت الله جوادی آملی می فرمایند در میان علوم معارف، معادل با آن نمی توانیم پیدا کنیم. در نتیجه قلبی که ظرف معرفت خداوند باشد، بهترین و با ارزش ترین قلب است.

● اعتدال: اعتدال، بر مبنای توحید شکل می گیرد. سردار سلیمانی اهل افراط و تفریط نبوده است بلکه در جاده اعتدال قدم می گذاشت و فراجناحی عمل می کرد. به همین علت در تشیع شهید سلیمانی حضور اقشار مختلف جامعه به لحاظ سنی، مذهبی، عقیدتی را شاهد بودیم. یکی از محوری ترین بحث مکتب شهید سلیمانی، اعتدال است.

مقام معظم رهبری می فرمایند: «ویژگی مهم سردار سلیمانی این بوده است که در مسائل داخلی، اهل حزب و جناح نبوده و به شدت انقلابی، ولایی و پایبند به خط نورانی امام خمینی (ره) بود و انقلاب و انقلابی گری خط قرمز ایشان بوده است. حاج قاسم واقعا انقلابی بودند و برخی سعی نکنند که این واقعیت ها را کم رنگ کنند.»

● ولایت باوری: در بحث ولایت باوری، مخصوصا ولایت باوری را به جای ولایت یاوری مطرح کردیم زیرا در بعد فردی اعتقادات مطرح است. شیعه در جهان بینی مختص خود، عالم هستی را نیازمند انسان کاملی می داند که در پرتو عصمت و علم لدنی، نگهبان و راهنمای طالبان هدایت است. در قرآن کریم تعبیر اولی الامر بیان شده که در ردیف خدا و پیامبر، واجب الطاعه نامیده شدند.

رابطه با این موضوع می فرماید: ((وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ث فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ)) و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو برد دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می دارد)).

خداوند در این آیه شریفه به افرادی اشاره کرده است که اختلافات را برطرف می کنند، اگر این افراد وجود نداشتند قطعاً جامعه بشریت از بین می رفت. سردار سلیمانی با بصیرت و بینش توحیدی در سایه ولایت پذیری توانستند مشکلات لبنان، عراق، سوریه که به واسطه حربه دشمن ایجاد شده بود را رفع کند.

● ایجاد رابطه ولایی و نظم اجتماعی: نکته آخر در بحث نماد سازی و شخصیت شهید سلیمانی در رابطه با مکتب سازی ایشان در بعد اجتماعی و بحث رابطه ولایی یا ولایت یآوری است. تاکید می کنم که ولایت باوران بسیار زیادی وجود دارد، اما افرادی که خواستار برقراری رابطه ولایی باشند، بسیار اندک هستند. انضباط اجتماعی نیز به همین معنا می باشد. به عبارت دیگر انضباط اجتماعی یعنی فعالیت های اجتماعی مطابق قانون و شرع و عقل و مقررات عرفی انجام شود. انضباط به معنای اطاعت محض از ولی امر است که در این رابطه قرآن کریم در آیه ۶ سوره احزاب می فرماید: ((النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَيَّ أُولِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكُمْ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا)) پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر است و همسرانش مادران ایشانند و خویشانان [طبق] کتاب خدا بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است)).

ولایت مداری و ولایت پذیری بر مبنای توحید از ویژگی های شخصیتی شهید سلیمانی است که به واسطه این ولایت مداری، ترس و ابهتی در مقابل دشمنان داخل و خارجی به نمایش گذاشت.

در سخنان شهید سلیمانی به وضوح به مسئله ولایت یآوری اشاره شده است، که می فرماید «ولله والله والله از مهم ترین شروط عاقبت بخیری رابطه حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد». به تعبیر برخی از فرماندهان، سردار سلیمانی می توانستند شجاعت های زیادی در میدان از خود نشان دهند ولی به جهت تابعیت از فرمانده کل قوا، این شجاعت ها را انجام نمی دادند.

حاصل سخن در این مسئله این است که ما می توانیم شهید سلیمانی های دیگری هم داشته باشیم، زیرا انسان موحد در تربیت اسلامی، خداوند را به عنوان خالق جهان و رب یگانه می شناسد و زندگی خود را با محور قرار دادن توحید جهت دهی می کند.

این چنین افراد، تصمیمات و تمایلات فردی خود را بر مدار رضایت الهی به حرکت در می آورند. این سبک زندگی بر اساس توحید می تواند آثار فردی و

اجتماعی به همراه داشته باشد. در بعد فردی شامل عبودیت، اعتدال، ولایت باوری و قلب سلیم که شامل این صفات است، می باشد. دفع و رفع دشمنی و مقاومت در برابر دشمنان خارجی و ایجاد رابطه ولایی در بعد اجتماعی، مکتب ساز است. الگوی بارز این نوع سبک زندگی در قرن معاصر، امام خمینی (ره) و شاگرد مکتب او شهید سلیمانی هستند.

سردار سلیمانی نه تنها به عنوان یک ایرانی مسلمان بلکه به عنوان یک قهرمان در جهان اسلام مایه مباهات ملت ایران شدند. ایشان نماد اعتدال، انتظار، مقاومت و استکبار ستیزی هستند. تشیع پیکر شهید سلیمانی درس مقاومت، اقتدار و عزت بود که بیان کرد شهید سلیمانی یک نفر نبود بلکه یک تفکر و مکتب بود که با خون خود انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت را آبیاری کرد و امید و انتظار را برای محرومان و مستضعفان رونق بخشید. یاد و نام شهید سلیمانی به عنوان یک مکتب در تاریخ برای مسلمانان و آزادی خواهان جهان زنده است.

نشست علمی ظرفیت شناسی مکتب شهید سلیمانی در حکمرانی مقاومت در عصر غیبت

ارائه کننده: حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

دبیر علمی: علی ابوترابی



لشکر ظلم و ستم پیروز خواهد شد و لذا با اطمینان به قومش گفت: «ان معی ربی سیهدین.» این وعده خداست.

این سخن حضرت موسی، از عمق باور قلبی ایشان سرچشمه می گرفت، باور و اعتقاد به منبع وحی الهی، وعده ای که هیچ گاه تخلف نمی پذیرد. در این داستان به حضرت موسی (ع) وحی شد که عصایت را به نیل بزن: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ؛ و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!»

تمام پدیده های مادی حتی اگر بی ارزش هم باشند، می توانند به قدرت خداوند عامل تولید قدرت شوند. به عنوان نمونه، شن های بیابان یا یک تار عنکبوت و یا لانه کبوتر و... در قرآن از این آیات الهی که موجب نصرت و پیروزی انبیا الهی شده است به وفور قابل مشاهده است که من به عنوان نمونه، به برخی از این آیات اشاره می کنم:

«وَإِنْ جُنُدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ؛ و لشکر ما پیروزند!» در این آیه وعده خداوند مبنی بر پیروزی لشکر اسلام و غلبه مؤمنان، یک وعده مشروط است؛ نه مطلق. مشروط به بندگانه حقیقی و لشکریان راستین خدا بودن و تلاش در مسیر الهی با افکار و برنامه های آسمانی.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنها که در راه

در مورد موضوع جلسه امروز که در خصوص حکمرانی مقاومت بحث می شود، نمی توان از محرک های معرفتی برای تبیین عنصر مقاومت بهره گرفت.

چون همان گونه که گفته شد، این محرک ها مبتنی بر عنصر تجربه هستند و در مقابل مقیاس گسترده عنصر الهی و معنوی در حکمرانی مقاومت کارایی چندانی ندارند. ما برای اینکه بخواهیم این محرک ها را در مکتب شهید سلیمانی با رویکردی تطبیقی دنبال کنیم متوجه می شویم که اگر ایشان با استناد به این رویکرد به دنبال مقاومت در مقابل نظام سلطه بودند هیچ گاه موفق نمی شدند. آنچه مکتب شهید سلیمانی را در مقابل نظام سلطه موفق نمود، بهره مندی ایشان از نیروی الهی بود.

به تعبیر دیگر، ایشان علاوه بر عنصر عقل و تجربه از دستگاه معرفتی شهودی نیز بهره مند بودند و این مسئله نیز از ارتباط معنوی ایشان با مقام عظمای ولایت سرچشمه می گرفت. در مورد این عنصر معرفتی (امداد الهی) و اتکال به وحی الهی به نمونه های فراوانی در قرآن کریم در خصوص داستان انبیا اشاره شده است.

به عنوان نمونه، در داستان حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل هنگامی که با لشکر فرعون در ستیز بودند، قوم بنی اسرائیل به دلیل اتکال به محرک های معرفتی و عناصر مادی این ترس و واهمه در آنها وجود داشت که به وسیله لشکر فرعون نابود شوند، ولی حضرت موسی با اتصال به وحی الهی مطمئن بود در مقابل

ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.» در این آیه مراد از «جَاهِدُوا فِيْنَا» هرگونه جهاد و تلاشی است که در راه خدا و برای رضایت او و به منظور خدمت به دین اسلام انجام پذیرد.

- «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!»

- «وَأَلَيْسَ لِلَّهِ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.» این آیه نشان می‌دهد وقوع- امداد و نصرت الهی، معمولاً بعد از حرکت و تلاش ماتفاق می‌افتد.

- «وَكَايْنٍ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلُكُنَّاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ؛ و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند؛ ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یآوری نداشتند!»

موضوع نصرت الهی در مکتب شهید سلیمانی به عنوان یک عنصر کلیدی علاوه بر ایمان و باور قلبی، تجربه نیز شده است. در واقع، انسان وقتی به چیزی ایمان می‌آورد ابتدا باید آن را تجربه کند سپس بپذیرد. پس بنابراین در محرک‌های معرفتی و حیوانی، عنصر عقل و تجربه نباید نادیده گرفته شود.

دومین محرک، محرک‌های انگیزشی است. در زندگی انسان نباید تنها به محرک‌های معرفتی اکتفا کند و این محرک به تنهایی نمی‌تواند عامل پیشرفت و موفقیت وی باشد. به عنوان نمونه، حفظ قرآن به عنوان یک محرک معرفتی کافی نیست، بلکه در کنار آن باید عمل به معارف قرآن و پیاده کردن دستورات این کتاب آسمانی نیز مورد توجه قرار گیرد. یا مسئله ایمان و عمل صالح که در کنار یکدیگر آمده‌اند و در قرآن بیش از ۶۰ مرتبه تکرار شده‌اند.

ساختار محرک‌ها

در مورد ساختار محرک‌ها ما با دو نوع مدل محرک روبرو هستیم، محرک‌ها یا توحیدی هستند (الله) یا اینکه هدف آنها نفس و مادی می‌باشد (لنفس) خود موضوع نفس نیز عام است و از دو بعد قابل بررسی است، بعد میل انسان (عناصری که انسان بدان اشتیاق پیدا می‌کند) و بعد نفرت وی (عناصری که انسان از آن متنفر است و دوری می‌کند مانند شهوت و غضب، البته عنصر شیطنت که از سوی شیطان در قلب انسان القا می‌شود نیز یکی از عناصر معرفتی است، در این دستگاه معرفتی گاهی شبه علم به جای علم وارد قلب انسان می‌شود و ممکن است مورد پذیرش نیز قرار گیرد.

در قرآن نیز به این مورد در داستان آدم و حوا اشاره شده است (القا معرفت نادرست از سوی شیطان)؛ «وَقَاتَمَهُمَا إِيَّيْ لِكَمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛ و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.» در این آیه حضرت آدم و همسرش در آغاز به ابلیس اعتمادی نداشتند و شیطان برای جلب اعتماد آنها سوگند یاد کرد و بر آن نیز تأکید نمود. پس با توجه به محتوای این آیه، گاهی دشمن با ظاهری دلسوزانه و ادعای خیرخواهی، در اعتقادات ما نفوذ می‌کند و ضربه می‌زند.

در مکتب و آیین توحید برای رسیدن به قله کمال نباید تنها به معرف بشری اکتفا نمود، بلکه در کنار استفاده از محرک‌های معرفتی استفاده از محرک‌های انگیزشی نیز لازم می‌باشد؛ البته بهره‌مندی از معارف قرآن در کنار تعالیم اهل بیت نیز در راهیابی انسان به سمت قله کمال و حل مشکلات زندگی، بسیار

راهگشا و ثمربخش است. در داستان انبیا به این موضوع به کرات اشاره شده است. به عنوان نمونه، در زمان پیامبر اسلام مسلمانان به دلیل اینکه در اقلیت بودند و از امکانات لازم برخوردار نبودند به دستور خداوند از مکه به مدینه هجرت کردند و در مدینه پس از مدتی توانستند با بهره‌مندی از قدرت ایمان و رهبری پیامبر اولین و قدرتمندترین جامعه و حکومت اسلامی آن زمان را تاسیس کنند. خوب در تاسیس این امت اسلامی تنها محرک‌های مادی و معرفتی کافی نبود، بلکه علاوه بر آن قدرت ایمان و امداد‌های الهی توانست برکات زیادی بر آنان نازل کند و آنان را در مقابل زورگویان و مستکبران پیروز بدارد. پیروزی بر نظام سلطه تنها با قدرت مادی امکانپذیر نیست، بلکه علاوه بر آن، قدرت معنوی و نیروی الهی محرکی قوی و ارزشمند است که باید بدان توجه کرد. این عنصر در مکتب شهید سلیمانی، به عنوان عنصر مقاومت و پیروزی نقش مهمی در تبیین مکتب شهید سلیمانی دارد که از آن به عنوان یکی از مولفه‌ها و شاخصه‌های مهم و کلیدی این مکتب یاد می‌شود. اتکا به قدرت مادی بدون توجه به منبع لایزال الهی، نمی‌تواند به تنهایی در موفقیت انسان دخیل باشد، نمونه بارز این مسئله داستان‌هایی از اقوام پیشین در قرآن است که به دلیل غرور بیجا و سرکشی از دستورات پروردگار موجبات نابودی خویش را فراهم کردند.

عرصه‌های مقاومت

در خصوص بحث از محرک‌ها خصوصاً در موضوع مقاومت ما عرصه‌های مختلفی داریم که به طور فهرست وار به آنها اشاره می‌کنم:

- مقاومت علمی، معرفتی و دانشی؛ بدین معنا که علاوه بر محرک‌های معرفتی باید علم مقاومت را هم تولید کرد.
- مقاومت اعتقادی و کلامی که به اختصار الهیات مقاومت نامیده می‌شود.
- مقاومت اخلاقی و تربیتی و عرفانی که به اختصار اخلاق و عرفان مقاومت نام دارد.

- مقاومت راهبردی و استراتژیک که راهبرد مقاومت نامیده می‌شود.
- مقاومت رفتاری و فرهنگی که اختصاراً فرهنگ مقاومت نامیده می‌شود.
- مقاومت نظامی و انتظامی، مقاومت اطلاعاتی و امنیتی، مقاومت اقتصادی و مقاومت مدیریتی.

البته تمام مواردی که بدان اشاره شد، می‌توان در قالب دیگری نیز خلاصه کرد، به عنوان نمونه، اقتصاد مقاومتی در قالب مدیریت مقاومتی آشکار می‌شود، مقاومت تمدنی در قالب تمدن مقاومت، یا مثلاً با مقاومت در سبک زندگی یا الگوی زندگی اسلامی، عنصر مقاومت در جامعه نهادینه شده و جامعه مقاوم خواهد شد. همچنین می‌توان عنصر مقاومت را در نهادهای مختلف مانند امت، دولت و حکمرانی یا حتی در مسائل معنوی مانند وسوسه شیطانی و اشغالگری بیگانگان خلاصه کرد و به امت و دولت مقاومت دست یافت. در هر صورت عنصر مقاومت باید از درون شروع شده و به بیرون ختم شود.

عرصه‌های مختلف مقاومت در پیوند با خود سازی درونی و بیرونی در چهار محور قابل بررسی هستند که شامل مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، مقاومت اقتصادی و مقاومت نظامی می‌باشد. مواردی که بدان اشاره شد، بسیار عام و گسترده هستند به گونه‌ای که سایر موارد را نیز در بر می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه، این محورها مبتنی بر چهار مقوله جهاد اکبر، جهاد کبیر، جهاد افضل و جهاد اصغر هستند و همان طور که گفته شد تماماً در پیوند با خود سازی

مقاومت افراد جامعه در برابر سختی‌ها و مشکلات. اما مرابطة عبارت از همین وصل کردن نیروها است، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد و سختی‌ها، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و سختی، چه در حال آسایش و خوشی؛ چون مراد از مرابطة این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، نه به برخی از سعادت و خوشبختی، به همین جهت بعد از سه جمله: «اصْبِرُوا»، «صَابِرُوا» و «رَابِطُوا»، جمله «وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» را آورده است.

پس بنابراین با توجه به آیات مذکور ما متوجه می‌شویم که مسئله صبر و مقاومت در زندگی انسان از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه نصرت و امداد الهی را در پی خواهد داشت.

یا مثلاً در آیه شریفه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دل‌هایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید.»

طبق آیه مذکور، که مسئله اعتصام و اتحاد را متذکر می‌شود، وحدت و دوری از تفرقه، را یک وظیفه‌ی الهی و عامل اخوت و برادری می‌داند که باید بر محور دین خدا باشد. در واقع، اتحاد و یکدلی مردم، مقاومت آنان را در مقابل مشکلات داخلی و خارجی بیشتر می‌کند. مسئله اتحاد مردمی که در قالب تشکل‌های بسیجی نمود پیدا می‌کند، در مکتب شهید سلیمانی، از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه موجب تقویت اراده خواهد شد و عبور از موانع را سهل و آسان می‌کند.

نقش وحدت در مکتب شهید سلیمانی با تاکید بر سخنان امامین انقلاب

از ابتدای پیروزی انقلاب بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب هردو آمال و آرزوهایی را برای جهان اسلام مطرح کردند و این ظرفیت مسئولان امر بوده است که تا چه حدی بتوانند آنچه را که منطقی و عینی است و ضروری، اولویت دار و مورد تاکید به امامین انقلاب است مورد توجه قرار دهند، البته این امر در بسیاری از موارد انجام نشد و از همان جا کشور و ملت ضربه خوردند، اما در این حوزه سردار سلیمانی با اشراف و ذوب در ولایت و درونی کردن گفتمان ولی فقیه با اخلاص، تدبیر و شجاعت و نفوذ کلام عبد صالح خدا تمام ویژگی‌های لازم را برای تصدی این اقدام بزرگ در وجود خود جمع کردند و توانستند شرایط بسیار پرمولفه را با مشارکت تمام کشورها و فرهنگ‌های مختلف حول وحدت کلمه و اعتصام به حبل الله جمع کنند و با هدف دفاع از انسان‌های بی‌گناه، آرمان‌های الهی و آنچه فطرت انسانی ما را به آن فرامی‌خواند، موفق شوند موضوع جبهه مقاومت را تشکیل دهند.

اتحاد و اتفاق افراد یک جامعه در گرو ایمان و پیروی آنها از دستورات و فرامین رهبری جامعه است. هرکجا چنین اتفاقی افتاد، آثار و برکات زیادی نیز نصیب جامعه شده است. برای تشریح بحث، به نمونه‌هایی از جنگ‌های صدر اسلام اشاره می‌کنم و این موضوع را در ضمن آیات متذکر می‌شوم. به عنوان نمونه،

درونی و بیرونی قرار می‌گیرند. در واقع، حکمرانی مقاومت در عرصه فرهنگی باید به مرحله تعالی اخلاق و فرهنگ دست یابد و این قدرت را هبدر را ایجاد کند تا اینکه در این عرصه به تعالی فرهنگ منجر شود. یا در عرصه اقتصادی، جامعه اسلامی باید موانع را پشت سر گذاشته و به پیشرفت اقتصادی دست یابد. همچنین در عرصه سیاسی و نظامی، حکمرانی مقاومت باید با شناسایی چالش‌ها و رفع آنها به نقطه مطلوب دست یابد.

عرصه‌های آسیب‌شناسی حکمرانی مقاومت

با اینکه ما در برخی از عرصه‌های حکمرانی مقاومت به پیروزی‌هایی دست یافتیم، با این حال در سایر عرصه‌ها مانند عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی موفقیت‌های لازم را کسب نکردیم. البته دلیل این امر دور از ذهن نیست، چراکه هرکجا فرهنگ مقاومت توحیدی شکل گرفت، شاهد کارنامه درخشانی بودیم. به عنوان مثال، در عرصه اقتصادی با اینکه مقام معظم رهبری مسئله اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند با این حال سیاست‌هایی که در کشور در پیش گرفته می‌شود آثار اقتصاد مقاومتی در آنها دیده نمی‌شود.

مسئله پایداری و مقاومت در فرهنگ اسلام بسیار محترم شمرده شده و آثار و برکات زیادی نیز به دنبال دارد. به عنوان نمونه، در سوره آل عمران آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد». در این آیه، لازمه‌ی ایمان، اقدام عملی در جهت نشر و گسترش دین الهی شمرده شده است و هرکس با فکر، زبان و عمل خویش، دین اسلام را یاری کند، خداوند نیز او را حمایت می‌کند.

یا در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید»

در این آیه، مراد از «صابروا»، صبر اجتماعی و دست جمعی بر مشکلات و اذیت‌های دشمنان است. مراد از «رابطوا»، شکیبایی نمودن و متحد شدن تمام افراد، در تمام شئون زندگی چه در سختی و مشکلات چه در خوشی‌ها می‌باشد. این آیه جامعه اسلامی را به سه خصلت «صبر»، «مصابر» و «مرابط»، سفارش فرموده، و رستگاری فرد و اجتماع را چه درباره نیازهای زندگی و چه از نظر فضیلت و تأمین سعادت اخروی، وابسته به اجرای آن سه خصلت نموده است، و با بکار بردن آن، رستگاری آنان امکان پذیر است، و با تخلف از آن انتظار نجات و رستگاری، دور از عقل و خرد، است.

«مصابر»، عبارت است از: «این‌که جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد». این معنا امری است که هم در فرد - اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود - محسوس است و هم در اجتماع - اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود -؛ چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود.

«رابطوا»، از ماده «ربط»، است که به باب مفاعله برده شده و مصدرش مرابطه، از نظر معنا اعم از مصابر است؛ زیرا مصابر عبارت بود از: وصل کردن نیروی

در جنگ بدر با اینکه تعداد مسلمانان بسیار کمتر از تعداد مشرکین بود، ولی با نیروی ایمان و صبر و مقاومت در مقابل مشرکان پیروز شدند. اما در جنگ احد با توجه به موفقیت نسبی مسلمانان در این جنگ، متأسفانه به علت سرپیچی از فرمان رسول اکرم، شکست خوردند. از جمله عوامل شکست مسلمانان در این جنگ، سستی، نزاع و عدم اطاعت از فرماندهی است. «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»؛ و قطعاً خداوند وعده خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است.»

طبق این آیه، مسلمانان در سال دوم هجری، در جنگ بدر پیروز شدند و خداوند وعده داده بود که در جنگ های آینده نیز پیروز می شوند. در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر (ص) پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از دژه ها و کوه ها نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آنها را شکست دادند، اما متأسفانه در بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد، عده ای گفتند: پیروزی ما قطعی است، پس به سراغ جمع غنائم برویم و عده کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. دشمن شکست خورده، از همان منطقه ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمان ها ضربه سنگینی خوردند و شهادت بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند. پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر (ص) انتقاد می کردند که مگر خدا به ما وعده پیروزی نداده بود، پس چرا شکست خوردیم؟ این آیه پاسخ می دهد که وعده خدا راست بود، ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست شما شد. با توجه به آیات مذکور، متوجه شدیم سه مولفه پایداری در نبرد، حفظ وحدت و اطاعت، از عوامل پیروزی مسلمانان محسوب می شود.

عوامل تقویت مقاومت و نقاط ضعف آن

علل و عوامل مقاومت همان برخورداری از دو محرک معرفتی و انگیزشی می باشد. این دو محرک که ملاک ایمان شمرده می شود آثار و برکات زیادی در زندگی مومنین دارد، چراکه فرد مومن با وجود این دو همواره پیروز است او که به وظیفه خود عمل می کند هیچ ترسی از کشته شدن در راه خدا ندارد و لذا با بصیرت کامل در این راه قدم بر می دارد. اما عوامل ضعف حکمرانی مقاومت این است که حکمرانی در عرصه های مختلفی که با آن روبروست، به صورت ناقص عمل کند. همان طور که اشاره شد حکمرانی مقاومت بر چهار محور نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استوار است، در بخش نظامی خوشبختانه عملکرد بسیار خوبی داشته ایم، اما در ارکان دیگر آن با ضعف ها و کاستی هایی روبرو هستیم که باید مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر بزرگ ترین نقطه ضعف حکمرانی

مقاومت همین مسئله است که بدان اشاره کردم. نکته دیگر در همین زمینه توجه به مسئله تشکیل دولت اسلامی است. همان طور که مستحضر هستید و مقام معظم رهبری بارها مورد تاکید قرار دادند با انقلاب اسلامی توانستیم ارکان نظام اسلامی را تشکیل دهیم، ولی با این حال وظیفه مهم تری در پیش داریم که باید مورد اهتمام قرار گیرد و آن تشکیل دولت اسلامی است. توجه به این مسئله در حکمرانی مقاومت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و لذا برای تحقق جامعه اسلامی باید تمام ارکان نظام متحد شده و به صورت یک زنجیره واحد در راه تحقق آن گام بردارند و موانع را با هوشیاری و بصیرت کامل برطرف کنند. نکت دیگر که لازم و ضروری به نظر می رسد، آسیب هایی است که به واسطه ترک مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه، گریبانگیر جوامع مختلف می شود. تجربه نشان داده است که ترک مقاومت مساوی است با تسلیم در برابر خواسته های دشمنان و پذیرش نظام سلطه. با توجه به این موضوع سرنوشت کشورهای که با پذیرش نظام سلطه و سازش با آنها به حاکمیت آنان در کشورشان رضایت دادند جز چپاول سرمایه ملی چیز دیگری نبوده است؛ دقیقاً مطابق فرمایش مقام معظم رهبری که فرمودند: هزینه های سازش از هزینه های مقاومت بیشتر است. چراکه این مسئله خسارت های مادی و معنوی بسیاری در بردارد و تمام سرمایه های یک کشور نابود خواهد کرد و آن را از ریشه می خشکاند.

الگوهای مقاومت

آخرین نکته بازخوانی الگوهای مقاومت در عرصه حکمرانی است. در قرآن به نمونه های مختلفی از این الگوها اشاره شده است. به عنوان نمونه، داستان زندگی انبیای الهی مانند حضرت ابراهیم، حضرت موسی و... در حال حاضر نیز حضرت امام، مقام معظم رهبری و شهدا خصوصاً شهید سلیمانی از بزرگترین الگوهای مقاومت محسوب می شوند. به نظر من بهترین کار برای تداوم راه شهدا، ترسیم الگوهای مقاومت و انتقال آن به نسل جدید است. من معتقدم اگر این الگو به صورت صحیح و روشمند انجام شود، نتایج و برکات زیادی نصیب جامعه اسلامی خواهد کرد.

در پایان سخنمان را با این آیه شریفه به اتمام می رسانم: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلتین ساعات، او را تنها نگذاشت)؛ آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دؤمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت)؛ و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است!»

مطابق این آیه شریفه مقصد اصلی در حکمرانی مقاومت فتح قله های جهان و برافراشتن پرچم الله است و تحقق ای آیه شریفه که می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

نشست علمی «چالش نسبیت ارزش ها با فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی»

ارائه کننده: حجت الاسلام و المسلمین دکتر شمس الله مریجی

دبیر علمی: دکتر ذوالفقار ناصری



مسئله نسبیت ارزش ها در حوزه فلسفه اخلاق بسیار وسیع و فضای گسترده ای را به خود اختصاص داده است، این مسئله از زمان سقراط تا فلاسفه بعدی به صورت جدی دنبال شد.

اما این جلسه با توجه به اینکه در جریان مکتب شهید سلیمانی و فرهنگ مهدویت و انتظار شکل گرفته است، امتداد آن در حوزه جامعه شناسی مورد بررسی قرار می گیرد.

تاریخچه ی نسبیت گرای

نسبیت گرای یکی از مهمترین مباحث معرفت شناسی و فلسفی است که از دوران گذشته تا کنون اندیشمندان مغرب زمین و اسلامی را به خود مشغول ساخته است.

استاد مطهری در آثار متنوع خود ضمن تعریف نسبیت و نسبیت گرای به تمایز نسبیت هستی شناختی و نسبیت معرفت شناختی پرداخته است وی نسبیت معرفت شناختی را به جهت بی معنایی و تناقض گویی نقد می کند و نسبیت را در پاره ای از واقعیت های خارجی می پذیرد.

طرح بحث

مسئله انتظار برای تاسیس یک حکومت واحد جهانی، از آموزه های اساسی در فرهنگ مهدویت است.

ایجاد این حاکمیت جهانی، نیازمند ساز و کار اجرای فرهنگ مهدوی است. به تعبیر دیگر، فرهنگ مهدوی که در حقیقت همان فرهنگ و آموزه های وحیانی است بخواهد در جامعه به صورت عملی و عینی نهادینه شود نیازمند ساز و کار خاصی است که به شکل حکومت جهانی حضرت مهدی نمود می یابد.

در حوزه جامعه شناسی سیاسی برخی با استناد به نظریه نسبیت ارزش ها قائل هستند که جوامع ذاتاً متباین هستند و هر جامعه ای بر اساس ویژگی های

خاص خودش شکل می گیرد و لذا بر این اساس حکومت واحد جهانی امری محال و ناشدنی است.

به عنوان مثال جامعه ایران کنونی و جامعه آمریکا به لحاظ ارزش های حاکم بر آن، از لحاظ ذاتی دو جامعه متباین هستند.

خوب در این صورت وقتی دو جامعه متباین باشند، نمی توان آن دو را تحت حاکمیت واحد قرار داد، چراکه در خصوص دو مقوله متباین امر مشترک امکان پذیر نیست و لذا این جوامع ابتدا باید اشتراکاتی داشته باشند تا بر اساس آن تحت حاکمیت حکومت واحد جهانی قرار گیرند.

خوب همان طور که متوجه شدید از نظر این عده، حکومت واحد جهانی امری است موهوم و ذهنی و هیچ گاه واقعیت فعلی پیدا نمی کند.

پس چاره ای نداریم که بر اساس نسبیت ارزش ها بدین امر قائل باشیم که هر جامعه ای مخصوص به خود و بر اساس ارزش های حاکم بر آن شکل می گیرد. در ایران، خصوصاً در دهه هفتاد و بعد از جنگ تحمیلی، در بسیاری از آثار خصوصاً مطبوعات برخی از مقوله های دینی مورد سوال واقع شد، خصوصاً جریان عمرنوح تا بدین وسیله عمر حضرت مهدی را زیر سوال ببرند تا اینکه بدین واسطه حکومت جهانی ایشان را خدشه دار کنند.

خوب در این طرز تفکر که بر پایه نسبیت ارزش ها استوار است. ما باید هم به لحاظ تئوریک و هم به لحاظ عملی و با تمسک به مکتب و سبک و سیره شهید سلیمانی که همان پیاده شدن و اجرای ارزش های انقلاب اسلامی است، نسبیت بودن ارزش ها را زیر سوال ببریم.

البته از دیدگاه فلسفه اخلاق در این خصوص فراوان بحث شده، اما در این نشست علمی قصد داریم این بحث را از دیدگاه جامعه شناسی دنبال کنیم.

نسبیت ارزش ها در جامعه شناسی

بحث نسبیت ارزش ها یکی از مباحث جدی در حوزه جامعه شناسی سیاسی است که در این نشست علمی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

اما سوالی که در اینجا مدنظر قرار می گیرد، اینکه اگر واقعاً جوامع ذاتاً متباین باشند، بحث از حکومت واحد جهانی حرفی نامعقول و امری ناممکن خواهد بود.

چراکه زمانی بحث از حکومت واحد مهدوی امکان پذیر است که از بایسته های لازم برخوردار باشد و یکی از موارد لزوم اینکه جوامع متباین بالذات نباشند، و در صورت وقوع چنین امری صحبت از حکومت واحد و امت واحد اسلامی بی معنا خواهد بود.

به عبارت دیگر، اگر نسبیت ارزشی و متباین بالذات بودن جوامع، یک واقعیت انکارناپذیر باشد، هیچ گاه نباید کسانی که بر این اساس و منطق حرکت می کنند مورد سرزنش قرار گیرند و اصلاً مسئله اهتمام به امور مسلمین کاملاً بی معنا

خواهد بود.

پس بنابراین، با توجه به مباحث مذکور، مسئله نسبیت ارزشی فقط در حوزه اخلاق مطرح نیست، بلکه در حوزه جامعه‌شناسی خصوصاً جامعه‌شناسی سیاسی نمود بیشتری دارد که بنده در این جلسه با ورود به این فضا قصد دارم اثبات کنم که آیا این ادعا صحیح است یا خیر؟

البته دلیل ما برای اثبات این ادعا فقط بر مبنای جامعه‌شناسی لحاظ می‌شود، نه به لحاظ فلسفه اخلاق و آموزه‌های اخلاقی. یکی از مهمترین ارمان‌های تجربه‌گرایی، نسبیت ارزش یا جداسازی ارزش‌ها از واقعیات بود.

از آنجا که تجربه‌گرایی، معرفت‌دقیق، همگانی و قابل اتکا را معرفتی می‌دانست که از جهان عینی و به روش تجربی گرفته شده باشد، مقولاتی فراحسی، همچون ارزش‌های حقوقی و اخلاقی، اصولاً نمی‌توانست جنبه‌ی عملی و عینی به خود بگیرد.

زیرا ارزش‌ها در کالبد جهان تنیده نشده‌اند تا بتوان با کاوش علمی، آن‌ها را دریافت و امور اخلاقی نیز به گونه‌ای ملموس در جهان محسوس دیده نمی‌شود تا بتوان با پژوهش‌های تجربی آنها را اثبات کرد.

بنابراین، خوب یا بد بودن در نگرش تجربه‌گرایان امری واقعی نیست، بلکه امری موهوم، خیالی و ناشی از داوری اخلاقی فردی است.

هرکس آنچه را دوست دارد خوب می‌نامد و آنچه را با خواسته‌های شخصی او سازگار نباشد، بد می‌پندارد و این همان نسبیت‌گرایی است.

ایریس موردادک در این باره می‌گوید: با رویکرد تجربی، ارزش‌ها از عالم‌اعلی به دامان اراده‌ی انسان سقوط کرد. واقعیت متعالی وجود ندارد. تصور از خوب، غیر قابل تعریف و تهی است و انتخاب انسان می‌تواند آن را پر کند.

بنابراین، ارزش‌ها و امور اخلاقی، امری کاملاً نسبی یعنی تابع دلخواه اشخاص یا نهائیتا فرهنگ اقوام هستند و آرمان و ارزشهای ثابت و مشترکی بین انسان‌ها وجود ندارد.

نسبیت اخلاقی

نسبیت اخلاق در مقابل مطلق بودن اخلاق نیز از مسایل جدیدی است که مورد توجه پاره‌ای از متفکران معاصر قرار گرفته است نسبی‌گرایان بر این باورند که احکام اخلاقی، ثابت و یکنواخت در همه جا نیستند.

آداب و عادات ملل گوناگون باعث زشت یا زیبا شمردن افعال اخلاقی می‌شود. و این سخن با بحث معیار اخلاق پیوند وثیقی دارد.

البته در باب معیار فعل اخلاقی، نظریه‌های گوناگونی مطرح است.

عده‌ای می‌گویند: معیار اخلاق این است که هدف از فعل انسان، غیر خودش باشد یعنی انسان یک فعل طبیعی دارد و یک فعل اخلاقی. هر فعلی که هدفش خود انسان باشد، فعل طبیعی است ولی اگر هدف فعل، غیر باشد، آن فعل، اخلاقی است.

ولی این قاعده در مواردی نقض می‌شود یعنی ممکن است هدف یک فعل، غیر باشد اما آن فعل، طبیعی نه اخلاقی تلقی گردد مانند افعال و زحمت‌های مادرانه که بدون شک با هدف غیرانجام می‌گیرد اما فعل طبیعی به شمار می‌آید.

سوال: آیا مسئله انتظار می‌تواند در اینجا به عنوان یک ارزش و مبنای تبیین حکومت واحد جهانی لحاظ شود؟

پاسخ: انتظار زمانی به عنوان یک ارزش و ملاک قرار می‌گیرد که امکان حکومت واحد جهانی وجود داشته باشد، اما در صورتی که حکومت واحد جهانی ممکن نباشد انتظار چه معنایی دارد؟ در واقع برای این اساس (نسبیت ارزش‌ها) شما در انتظار امری موهوم هستید. خوب یک برای ایجاد حکومت واحد جهانی این است که در سایه حاکمیت آن بر جهان، عدالت اجرا شده و بساط ظلم و ستم برچیده شود. این دلیل از طرف نسبی‌گرایان مورد مناقشه واقع شده، چراکه این عده معتقدند اگر هدف حضرت برای ایجاد حکومت جهانی برقراری عدالت باشد، چنانچه دیگران نیز به این مهم همت گمارند و خودشان را برای اجرای عدالت آماده کنند دیگر نیازی به امام زمان نیست! خوب همان طور که متوجه شدید اگر هدف نهایی حضرت، برقراری عدالت در جهان باشد، اگر یک انسان ظالم که حتی هیچ اعتقادی به معنویت و جهان دیگر نداشته باشد، ظهور کند و با این هدف که می‌خواهد در جهان عدالت را برقرار کند با ظلم و ستم مبارزه کند، فلسفه تاسیس حکومت واحد جهانی نیز بی‌ثمر خواهد بود. خوب اگر با همین مبنای بخواهیم پیش برویم نمی‌توانیم پاسخ مناسبی برای این سوال پیدا کنیم. اما اگر بخواهیم به صورت عمیق به این مسئله فکر کنیم و جواب مناسبی در مقابل قائلین به عدم امکان حکومت واحد جهانی ارائه کنیم باید بگوییم هدف ظهور حضرت و ایجاد حکومت واحد جهانی اجرا و پیاده کردن آموزه‌های وحیانی است که یکی از این آموزه‌ها اجرای عدالت در جهان است. پس با این پیش فرض، اگر مسئله انتظار به منظور اجرای آموزه‌های وحیانی و گسترش دین اسلام باشد امری ارزشمند و قابل توجه است. البته مراد از انتظار یک انتظار واقعی است که جامعه را برای ظهورش آماده کند، نه اینکه صرفاً منتظر باشد تا ظهور کند به منظور اینکه جامعه را از ظلم و ستم پاک کرده و ارزش‌های الهی را در جهان حاکم کند. من برای اینکه بحث کاملاً تبیین شود به اصل تشکیل جامعه و شرایط آن می‌پردازم.

شرایط لازم برای تشکیل جامعه بشری

جامعه نظام نسبتاً پایدار ارتباط و روابط اجتماعی گروه‌های بزرگ افراد است که نیروی قانون، آداب و رسوم، از آن حمایت می‌کند. این نظام در سیر تکامل تاریخی به وجود آمده و بر پایه قوانین معینی قرار دارد و یکی از مراحل تکامل مترقیانه انسان بشمار می‌آید. عبارت دیگر جامعه گروه بزرگ و پر دوام و متحرکی از افراد است که برای هدفهای مشترک و با توجه به نیاز مشترک با هم دارای مناسبات و ارتباطات و روابطی در جهت رفع مجموعه نیازهای مادی و معنوی ایشان هستند. در این میان کار و فعالیت مشترک جمعی این گروه‌ها در جهت رفع کل نیازهای اصلی و اساسی (نیازهای مادی و معنوی) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و عامل اصلی تجمع آنها و علت اصلی بقاء تداوم و تحرک جامعه محسوب می‌گردد. این نظام کلی در عین حال از نظامها و دستگاههای کوچکتری و همچنین از اجزاء و عناصری تشکیل شده است که با هم دارای روابط معینی بوده و بر مبنای قوانین خاصی دارای عملکردهایی هستند و در هم مؤثر و از هم اثر پذیرند مانند: نهادها، سازمانها، گروهها، اقشار و طبقات مختلف اجتماعی.

برای شکل‌گیری یک جامعه بشری دو شرط اساسی لازم است که شامل دو مولفه روابط متقابل و اهداف مشترک می‌باشد. برای شکل‌گیری یک جامعه هر دو شرط باید به نحو مؤثر وجود داشته باشند و صرف این که در کنار هم باشند

کافی نیست، بلکه باید بین افراد رابطه ای متقابل و دو طرفه وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در جامعه شناسی خانواده اگر دو نفر با هم ازدواج کنند ولی رابطه بین این دو، یک طرفه، زن سالاریا مرد سالار باشد، هیچ گاه یک خانواده شکل نخواهد گرفت بلکه آنچه شکل می گیرد، یک خانوار است نه خانواده. برای تشکیل یک خانواده باید رابطه متقابل برقرار شود، یعنی یک نفر فرمان ده و دیگران نیز فرمان پذیر باشند، در یک خانوار فقط افراد زیر یک سقف زندگی می کنند بدون اینکه بین آنها روابط متقابل برقرار باشد. مولفه بعدی برای تشکیل یک جامعه وصول به هدف مشترک می باشد.

اصولا هدف از یک رابطه متقابل بین افراد جامعه، دستیابی به هدف مشترک است و نوع این رابطه را نوع آن جامعه تعیین می کند. به عنوان نمونه، در یک جامعه ورزشی هدف پیروزی تیم فوتبال است. خوب این جامعه یک جامعه ورزشی است چراکه هدف بر مبنای تکامل جنبه ورزشی آن شکل گرفته است. به همین منوال، در سایر جوامع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... می توان با توجه به نوع جامعه اهداف مشترکی برای آنها ترسیم کرد.

اقسام جامعه از دیدگاه آگوست کنت

همان طور که اشاره شد، مبنای شکل گیری یک جامعه بر اساس دو مولفه روابط متقابل و اهداف مشترک می باشد.

اما نکته ای که در اینجا قابل توجه و مهم می باشد مبنای شکل گیری این روابط می باشد. آگوست کنت بر اساس تقسیم جامعه به کل و جزء و اولویت قائل شدن برای کل، دو خصوصیت ایستایی و پویایی را به جامعه نسبت می دهد و جامعه شناسی را بر این اساس به دو بخش جامعه شناسی ایستا و پویا تقسیم می کند. موضوع جامعه شناسی ایستا، کل است، یعنی پدیده هایی که از ثبات نسبی در جامعه برخوردارند و به ندرت تغییر می کنند. این پدیده ها موضوع جامعه شناسی ایستا هستند. احساس، فعالیت و عقل بین همه انسان ها در تمام اعصار مشترک هستند و کمتر تغییر می کنند، در نتیجه از عناصر اصلی جامعه شناسی ایستا هستند. موضوع پویایی اجتماعی یا جامعه شناسی پویایی عنصرهایی هستند که در طول زمان تغییر می کنند. مهم ترین موضوع جامعه شناسی پویایی همان تحول ذهنی بشر است که در سه مرحله زمانی تغییر کرده است.

از نظر آگوست کنت، انسان ها دارای حب ذات هستند و وجود این خصیصه در آنها مانع تشکیل جامعه می شود. به تعبیر دیگر، تا زمانی که خصیصه خود خواهی و حب ذات در جامعه وجود داشته باشد و یک جامعه از وجود خصلت دیگرخواهی محروم باشد نمی توان یک رابطه متقابل را از جامعه انتظار داشت.

نقش فرهنگ در قوام جامعه

در جامعه شناسی ما برای دستیابی به الگوی رفتاری متقابل، نیازمند ضابطه مشخصی هستیم. این ضابطه در جامعه شناسی فرهنگ نام دارد. فرهنگ، مجموعه منسجم از باورها، ارزش ها، هنجارها، هنر، تکنولوژی و... است که توسط غالب افراد جامعه پذیرفته شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. پس همان طور که متوجه شدیم، قوام جامعه به روابط متقابل افراد آن، و قوام روابط متقابل نیز به فرهنگ موجود در جامعه برمی گردد. قوام فرهنگ نیز وابسته به عناصر متعدد شکل دهنده آن است.

مفهوم ارزش

واژه ارزش، در اصطلاح عقیده یا باور نسبتا پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را، که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی، که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می دهد و مدل های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری ارزش های اجتماعی را تشکیل می دهند که با پذیرش عمومی همراه است.

ارزش ها، عقاید و باورهای ریشه داری هستند که یک فرد، یک گروه و یا یک جامعه درباره رفتار، اعمال و تفکرات دارد، به گونه ای که اعمال پسندیده را از ناپسند جدا می سازد و داوری درباره خوب و بد را میسر می نماید؛ و به عبارت دیگر ارزش نمایانگر عقاید و باورهایی است که از نظر فردی یا اجتماعی، رفتار مطلوب و برتر شمرده می شود و افراد یا گروه های اجتماعی هنگام سؤال درباره خوبی ها، برتری ها و کمال مطلوب به آنها رجوع می کنند.

منظور از ارزش در جامعه شناسی و روان شناسی، معیارهای مشترک فرهنگی است که بر اساس آن ربط اخلاقی و زیبایی شناختی موضوعات نگرش ها و آرزوها و نیازها را می توان با هم مقایسه کرد و مورد داوری قرار داد. ارزش، میزان توانایی یک شیء در ارضای یک میل، یک نیاز و تمنای انسان است. پس اساس ارزش را باید در اندیشه های انسانی جستجو کرد که نفع یک شیء خارجی را مورد ارزیابی قرار می دهد. در معنایی محدودتر، گاهی از ارزش های اجتماعی تحت عنوان ارزش های اخلاقی، فرهنگی و دینی سخن می رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می بخشد و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می انجامد. بدین سان، عدالت، نوع دوستی و... جزء ارزش های اجتماعی محسوب می شوند.

ارزش ها، مهم ترین ضابطه رفتار متقابل

در میان عناصر شاکله فرهنگ، ارزش ها به عنوان عنصر رئیسه فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار هستند. ارزش ها به باورها و اعتقاداتی گفته می شود که در وجود هر انسانی نهادینه شده است. ارزش ها به عنوان چراغ هدایت رفتار جامعه باورهای ریشه داری هستند که اعضای جامعه برای پاسخ به آیم هایی همچون چه چیزی خوب و مطلوب است و چه امری نامطلوب است، بدان مراجعه می کنند. ما در هر جامعه با هنجارهایی روبرو هستیم، این هنجارها شکل بیرونی و ظاهری جامعه هستند، اما با این حال جامعه یک شکل درونی و باطنی دارد که قوام جامعه بدان وابسته است. این عنصر همان ارزش های حاکم بر یک جامعه است که در حقیقت شکل دهنده آن هستند، در واقع قوام جامعه، به فرهنگ و قوام فرهنگ نیز به قوام ارزش ها است. بر پایه این توصیف، متوجه شدیم ارزش ها به عنوان مهم ترین ضابطه رفتار متقابل در یک جامعه شناخته می شود.

سوال: چون ارزش ها مبتنی بر باورها و اعتقادات هستند پس بنابراین می توان گفت باورها اصیل هستند؟

پاسخ: ارزش ها ریشه در باورهایی دارند که افراد با تکیه و اعتماد بر آنها به باید ها و نبایدها دست می یابند. در واقع، ارزش ها امری هستند و این امور ذهنی ریشه در باورها دارند و با توجه به آنها شکل می گیرند. خوب ارزش ها از این حیث که از باورها و اعتقادات نشات می گیرند، به دو دسته قابل تقسیم هستند؛ که شامل ارزش های دینی و ارزش های غیر دینی می شود. این ارزش ها در ادبیات جامعه شناسی به ارزش های اجتماعی تعریف می شود. البته ارزش های دینی بر این اساس که عقل و نقل به عنوان ابزار کشف دین باشند، به دو

دسته ارزش های وحیانی و ارزش های عقلانی قابل تقسیم هستند. واژه دین بر اساس تعاریف علما، به مجموعه دستورالعمل هایی گفته می شود که برای هدایت و راهنمایی بشر از طرف خداوند فرستاده شده است.

برای کشف از دین دو نوع ابزار معرفی شده است که شامل عقل و نقل می باشد که مراد از نقل در اینجا وحی می باشد. اما مراد از ارزش های اجتماعی در مباحث جامعه شناسی، به ارزش های گفته می شود که حاکم در آنها عقل است و اگر چنانچه نقل هم در این جا حکمی داشته باشد، مستقل نیست بلکه ارشاد به حکم عقل است. ارزش هایی همچون خوب بودن عدل، زشت بودن ظلم و... از اموری هستند که عقل مستقلا با تکیه بر واقعیت های نفس الامری به خوب بودن یا بد بودن آنها حکم می کند.

خوب حکم عقل در موارد مذکور کاملاً صحیح است و هیچ خطایی در آن وجود ندارد، البته در ارزش های اجتماعی، عقل به دو عنوان لحاظ می شود گاهی مراد از عقل، عقل تجربی و گاهی نیز عقل برهانی. منتها عقل تجربی چون مبتنی بر حس است، درجه خطاپذیری آن بسیار بالاست، لذا به منظور اینکه از خطا مصون بماند باید به عقل برهانی تکیه کند، بعد از مصون بودن از خطا در صورتی که بخواهیم به آرامش لازم دست یابیم، باید حکم عقل را در آئینه وحی قرار دهیم و در صورت تایید آن مطمئن خواهیم شد که در عقل در حکم خود خطا نکرده و مسیر خود را به درستی انتخاب کرده است.

ماهیت ارزش های اجتماعی

ارزش های اجتماعی، در حقیقت، مفاهیمی هستند که برای افراد یک جامعه معین با ارزش و مقبول می باشند. در اصطلاح جامعه شناسی نیز ارزش های اجتماعی عبارت از چیزهایی است که موضوع پذیرش همگان است. ارزش های اجتماعی واقعیت ها و اموری را تشکیل می دهند که مطلوبیت دارد و مورد درخواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است.

بنابراین ارزش های اجتماعی شامل همه چیزهای مطلوب یا نامطلوب، مناسب یا نامناسب است که مورد علاقه، توجه و احترام انسان ها است. هر امری و هر چیزی اعم از مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند یا هر چیز گرانبها و سودمند از جمله ارزش های اجتماعی است. به عبارت دیگر هر چیزی که مفید، خواستنی و بالاخره مورد تحسین گروه است ارزش اجتماعی می باشد. بر این اساس ارزش ها تمام شئون زندگی اجتماعی را در بر می گیرد و امری یا چیزی وجود ندارد که دارای «ارزش» نباشد.

جنبه های متفاوت ارزش های اجتماعی

فرهنگ های متفاوت جوامع، ارزش های اجتماعی مختلفی را در کشورها به وجود می آورند. امروزه به دلیل گسترش علوم و تکنولوژی و افزایش نقش فرهنگ های مختلف جوامع بشری در یکدیگر، پایه های مشترک فرهنگ جهانی در شرف تکوین می باشند. ارزش های اجتماعی هم جنبه مادی و اقتصادی دارند و هم جنبه معنوی؛ در جوامع صنعتی غرب بر ارزش های مادی مانند ثروت، مقام و... اهمیت زیادی قائل هستند، در اسلام و جوامع اسلامی نظیر جامعه ایران، در حالی که جنبه های معنوی فرهنگ از اعتبار والایی برخوردارند، جنبه های مادی فرهنگ نیز ارزش خاص خود را دارند.

تنوع و دگرگونی ارزش های اجتماعی

ارزش های اجتماعی در ارتباط با ویژگی های حیات اجتماعی جوامع مختلف نسبی هستند، پدیده ای ممکن است در جامعه ای ارزش و در جامعه دیگر ضد ارزش باشد. هم چنین ارزش های یک جامعه ممکن است از یک قشر به قشر دیگر متفاوت بوده یا حتی متضاد باشد. مثلاً اخلاق، رفتار، ذوق و سلیقه، سبک زندگی کارگر، کارمند و سرمایه دار متفاوت است و در طول زمان تطور می یابد. یا پدیده ای در یک دوره از تاریخ ارزش شناخته شده و در دوره ای دیگر نامطلوب و بی ارزش باشد. ارزش های اجتماعی در طول زمان تغییر می کند، اهمیت اعتبار آن کم می شود و جای خود را به ارزش دیگری می دهد یا برعکس اهمیت بیشتری کسب می کند، البته در این تغییر و تحولات ارزشی دگرگونی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار موثر است.

ملاک اجتماعی بودن ارزش های اجتماعی

در خصوص ارزش های اجتماعی که در جامعه شناسی مطرح می شود، این سوال مورد پرسش قرار می گیرد که ملاک اجتماعی بودن این ارزش ها چیست؟ در پاسخ به این پرسش عده ای قائلند به اینکه هر آنچه را درصد غالب افراد جامعه بپسندند، به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد توجه قرار خواهد گرفت و اگر پذیرفته نشود به عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی نخواهد شد.

اما ارسطو معتقد است پذیرش یا عدم پذیرش افراد جامعه، ملاک تعیین ارزش های اجتماعی محسوب نمی شود، در واقع این گونه نیست که پذیرش یک ارزش اجتماعی به عنوان یک امر مقبول در اجتماع وابسته به پسندیدن و عدم پسندیدن ما باشد چراکه این امر یک واقعیت نفس الامری است.

اما توضیح این مطلب، وقتی کار خلافی در جامعه انجام شود مثلاً سلیبی به صورت یک مظلوم نواخته می شود، عقل قبل از حکم به این عمل، ابتدا آن را با دو عنوان مقایسه می کند، نخست رابطه این عمل با انسان و سپس با حیوان. در صورت اول این عمل بد و ناپسند و در صورت دوم عمل پسندیده و نیکو خواهد بود. اما اگر همین عمل نسبت به فرد ظالم انجام شود، چون به انسانیت نزدیک شده است و لذا خوب و پسندیده خواهد شد. آنچه ملاک عقل قرار می گیرد واقعیت نفس الامری است. در جامعه شناسی سیاسی عده ای معتقدند ملاک برای یک ارزش اجتماعی، ذوق و سلیقه افراد است. بدین صورت که اگر ذوق و سلیقه افراد چیزی را بپسندند و انتخاب کند به سمت آن حرکت خواهد کرد و لذا به عنوان یک ارزش اجتماعی در مقابل ارزش دینی مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. نکته قابل تأمل در نظرات این گروه، این است که به صورت مطلق قائل هستند ارزش های اجتماعی، نسبی هستند؛ به نظر ما تمام ارزش های اجتماعی نسبی نیستند و باید بینیم ریشه و بنیان آن ارزش بر پایه چه امری استوار است. ارزش های دینی و اجتماعی مانع الجمع نیستند، یعنی یک ارزش دینی این قابلیت را دارد در صورت پذیرش افراد جامعه تبدیل به یک ارزش اجتماعی شود پس بنابراین با توجه به مطالب مذکور، ارزش های اجتماعی به صورت مطلق نسبی نیستند.

نکته دیگر اینکه، اگر مبنای نسبی بودن ارزش های اجتماعی، این باشد که چون ریشه در ذوق و سلیقه افراد دارد، می تواند درست باشد، چراکه زمان و مکان در

نشست علمی «الگوی سردار سلیمانی در بصیرت افزایی منتظران»

ارائه کننده: حجت الاسلام والمسلمین سعید روستا آزاد

دبیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان



حق، کمک نکنند!

مکتب شهید سلیمانی

برخی افراد بعد از پیامبر(ص) و ائمه(ع) وجه الگو بودنشان برجسته است و جامعیتی دارند که می توانند مکتب نام بگیرند، وگرنه مکتب شهید سلیمانی ذیل مکتب امام و رهبری و مکتب امامین انقلاب ذیل مکتب معصومین(ع) تعریف می شود.

مکتب سلیمانی در عرض مکتب امام و رهبری نیست

مکتب شهید سلیمانی در عرض مکتب امام و رهبری نیست بلکه به عنوان مصداق تعیین یافته انسانی ولایی قابل بررسی است. تبعا در حوزه انتظار می توان این نگاه و رویکرد را توسعه داد و به گونه ای تفسیر کرد که به کمک منتظران در تعمیق و توسعه فرهنگ انتظار بیاید. چون پیش شرط هرتاثیری اعتماد است که با خلق سرمایه اجتماعی به دست می آید.

آورده هایی برای آیندگان

فرضیه ما این است که شهید سلیمانی سرمایه ای را برای خود خلق کرد که می تواند آورده هایی را برای آیندگان داشته باشد. مطالعه دو کتاب «شاخصه های مکتب سلیمانی» و «اخلاق و معنویت در مکتب شهید سلیمانی» در این باره توصیه می شود.

آیا اساسا الگوی شهید سلیمانی در افزایش معرفت، بصیرت و روح قبول حق تاثیرگذار است یا نه؟

ارائه الگو مدنظر همه مکاتب اخلاقی و معنوی است و در قرآن و مباحث اسلامی هم بشدت مورد تاکید است.

چراکه انسان ها به لحاظ تغییر زندگی و درس آموزی علاوه بر نیاز به تئوری به مصداق عینیت یافته آن تئوری هم نیاز بیشتری دارند.

این ملاحظه در مباحث قرآنی بیشتر تاکید شده است.

شاید علت اینکه در قرآن بر الگو بخشی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت محمد(ص) تاکید شده به دلیل مکتب بودن شخصیت آن حضرات(ع) است. وگرنه قرآن از حضرت مریم(س) و نیز همسر فرعون به عنوان اسوه و الگو معرفی می کند.

مثل خیلی از واژه هایی که رهبری معظم انقلاب مطرح کرده اند بصیرت نیز دستاویز مباحث سطحی شده است.

معنای بصیرت

بصیرت در کتب لغت به معنای برهان و روشن بودن مسیر است، در آیات و روایات به بصیرت تاکید شده به ویژه روایات حضرت امیر(ع) چنان که در انتهای خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه می فرمایند: بصیر کسی است که راه درست را بشناسد و خود را به پرتگاه ها نیندازد و انسان های بداندیش را با کوتاه آمدن در

الگوی به نام شهید سلیمانی

در دو سطح می توان به مکتب شهید سلیمانی پرداخت. یکی الگوی فردی و دیگری سیاسی اجتماعی و حتی بین المللی و نوع تعامل ایشان با دیگران. در سطح فردی شهید سلیمانی با تلاشی که برای خودسازی و پرورش روحی و معنوی خود داشت به مقامات بالا دست یافت.

پیام تشییع باشکوه و میلیونی

تشییع باشکوه و میلیونی ایشان شاهد صدقی بر این مسئله بود و نیز مصداق روشنی از آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» است. به نظر می رسد حداقل در دوسوم عمرشان مصداق این آیه بوده اند.

از مردم عادی گرفته تا مراجع و شخصیت های بین المللی و علاقمندان به مروت و عدالت؛ یعنی اقشار مختلف به تناسب اقتضائات خود به این شهید بزرگوار تمایل و علاقه دارند.

همه اینها حداقل در گروهی سه مسئله است.

نخست اخلاص و عبودیت که در اوج قرار داشت.

محور دوم رابطه شهید با اهل بیت (ع) است. ایشان از بن دندان به این مسئله اعتقاد داشت.

زحمات بسیاری که برای بازسازی عتبات کشید و آخرین توشه همراه ایشان هم در هنگام شهادت گلچین احمدیه (گلچین روضه ها و نوحه ها) بود.

اقداماتی که برای حضرت زهرا (س) و تقید به روضه و راه اندازی پیاده روی اربعین و... داشت همه درس است که با اهل بیت (ع) مانوس باشیم و در تربیت نسل جوان بر محبت اهل بیت (ع) که شخصیت پردازی و جامعه پردازی می کند، تاکید داشته باشیم.

سومین محور شخصیت سردار سلیمانی تواضع فوق العاده بود.

نباید درجات بر ما سوار شوند

شهید سلیمانی تاکید داشت که نباید درجات بر ما سوار شوند بلکه ما باید بر درجات سوار شویم!

لذا باید توجه داشته باشیم تا زمانی که به چیزهای اقل و سطح پایین بسنده می کنیم، رشد نخواهیم کرد.

الگوگیری از شخصیت هایی مثل سردار سلیمانی در لغزشگاه های اخلاقی بسیار به کار ما می آید.

برای مثال ایشان در سوره وارد منزل شخصی سوری می شود و برای صاحبخانه نامه نوشته و شماره تلفن خود در تهران را می گذارد تا هزینه اقامت در منزل او را بپردازد!

تقید به احکام در بزرگراه ها

شهید سلیمانی در بزرگراه هایی که شاید دیگران مقید نبودند، به احکام تقید داشتند.

سطح دوم مکتب شهید سلیمانی، حوزه عمل اجتماعی، کنش سیاسی و بین المللی است.

مبنای این تعاملات هم در سطح اول ساخته شده است.

وقتی انسان مبنای کار را با اخلاص و توحید و دنیاگریزی قرار دهد، در حوزه عمل اجتماعی هم اینها بروز می کند.

تکلیف مداری و ولایت پذیری

جوهره کار شهید سلیمانی جز تکلیف مداری و ولایت پذیری نیست. ایشان می فرمود: اگر همه علمای جهان اسلام یک طرف باشد، و رهبری معظم انقلاب در یک سو، من این مسیر را پی می گیرم.

ایشان بر تقلید در ابعاد نظامی، عبادی، اخلاقی، معنوی و... از ولی فقیه تاکید داشت و جوهره عملشان ولایت پذیری بوده است.

شکل دهنده رابطه مردم با ولایت فقیه

شهید حاج قاسم سلیمانی شکل دهنده رابطه مردم با ولایت فقیه از طریق عملی سیاسی اجتماعی خود بود.

یعنی نسبتی از تعامل را ارائه کرده بود که می تواند برای جامعه منتظر الگو باشد چون شاکله اصلی جامعه منتظر ولایت پذیری است.

باید بررسی کنیم چطور می شود فردی بشدت انقلابی و ولایی باشد اما مرز بین اختلاف سلیقه و التقاط را به خوبی تشخیص دهد و بداند التقاط تهدید و اختلاف سلیقه خوب و سازنده است.

مکتب شهید سلیمانی اختلاف سلیقه را می پذیرد.

به جای شعار باید برای تبیین، این وجه شخصیتی شهید را تبیین کنیم.

تاکید رهبری بر تامل در این مکتب برای آن است که بتوانیم مدل های زندگی را از آن استخراج کنیم که هم پافشاری بر اصول را داشته باشد هم چنین نتایجی را رقم بزند.

امام محوری

امام محوری و تلاش برای اجتماع قلوب، دیگر آموزه مکتب شهید سلیمانی برای جامعه منتظر است.

سردار شهید سلیمانی در عین شجاعت و صلابت بر اجتماع قلوب هم تاکید داشت و این آموزه ای بسیار مهم است.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی شاخصه های امت گرایی در فرهنگ اهل بیت (با تاکید بر مکتب سلیمانی)

ارائه کننده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری

ناقدین: حجت اسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد، مجید احمدی کجایی

دبیر علمی: دکتر حسین قاضی خانی



این آیه به جنس بشر توجه دارد بنابراین در قرآن کریم کرامت انسانی مورد توجه قرار گرفته است، همین نکته در رفتارنامه (ع) نیز مشاهده میشود، امیرالمؤمنین (ع) وقتی که مالک اشتر را به سوی مصر با آن دستورالعمل می فرستد، یکی از مهمترین دستوراتی که به مالک اشتر دادند این است که نسبت به مردم مدارا کن و بعد تبیین می کنند که آنها دو صنف هستند: (إِنَّمَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ) (اینها یا برادر دینی تو یا همانند تو در آفرینش هستند) اینجا اهتمام به کرامت انسانی کاملاً دیده می شود، ویا رفتاری که امام حسین (ع) در روز عاشورا در مواجهه با سپاهیان دشمن دارند، برای نجات آن افراد تلاش می کند که حداقل یک نفر از آنها را به سمت خود بکشاند نه بخاطر اینکه بیاید و شهید بشود بلکه در زمره قاتلان امام حسین (ع) یا کسانی که احیاناً به هر حال در مقابل امام قرار گرفتند، نباشد، این مسأله ای است که بصورت جدی در فرهنگ اهل بیت (ع) کاملاً به چشم می خورد و همین را در رفتار شهید سلیمانی می بینیم. آنچه که در رفتار شهید سلیمانی دیده می شود نجات شیعه نیست، نجات مسلمانان نیست، افرادی که در مناطق مختلف مورد تهاجم قرار گرفتند چه کسانی بودند.

در عراق مثلاً ایزدی هایی که در شمال عراق بودند مورد تهاجم قرار گرفتند اگر اینها را صرف نگاه مذهبی و دینی بود نمی توانستیم بگوییم شهید سلیمانی برای نجات اینها باید کاری می کرد وقتی که برای نجات آنها جان خودش را به خطر

نکته ای که در فرهنگ اهل بیت (ع) از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است و غالباً چهره های شاخص پیرو مکتب اهل بیت هم به این نکات توجه داشته اند و به آن عمل کرده اند، یکسری شاخصه ها از مکتب اهل بیت (ع) با عنوان شاخصه های امت گرایی باید مورد توجه قرار بگیرد که در فرهنگ اهل بیت (ع) و پیروان اهل بیت، بخصوص در چهره های شاخصی که در انقلاب اسلامی با آنها مواجه بودیم و هستیم، به ویژه افرادی همانند: شهید سلیمانی نمود داشته و در میان افراد دیگر هم به نوعی دیگری دیده می شود.

اهتمام به کرامت انسانی

اولین نکته ای که در فرهنگ اهل بیت (ع) بعنوان یک شاخصه برای امت گرایی مطرح می شود، بحث اهتمام به کرامت انسانی است. اهتمام به کرامت انسانی در آیات قرآن و سیره اهل بیت (ع)، به شدت مورد استقبال و توجه قرار گرفته است. یکی از مهمترین آیات قرآن که به این نکته اشاره دارد: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُيُوتِ وَابْتَلَيْنَاهُمْ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)

از بین بزرگانی که در ارتباط با این آیه صحبت کرده اند به کلام علامه طباطبایی اشاره می کنم که در ذیل این آیه شریفه می فرماید: مراد از این آیه بیان حال جنس بشر است، قطع نظر از کرامت های خاص و فضایل روحی و معنوی که به عده ای اختصاص پیدا کرده یعنی فارغ از مذهب و نوع و رفتار بشری باشد،

می‌اندازد در واقع اهتمام ایشان به نوع انسان و نوع بشر است، فارغ از اینکه چه دین و مذهب و آیینی دارند، یا از جهت شخصی دارای چه جایگاه و کرامتی می‌باشند. یاد مناطق دیگر سوریه رفتار او نسبت به افرادی که با آنها برخورد داشته، فارغ از اینکه چه دین و مذهبی داشته‌اند، بوده است. حتی گاهی اوقات سخنانی از ایشان نقل می‌شود مبنی بر اینکه ایشان غصه دارند از اینکه چرا داعشی‌ها باید چنین رفتاری را همسان با رفتار خوارج داشته باشند، این نشان دهنده‌ی اهتمام ایشان برای نجات آن افراد است نه صرفاً نجات یک عده‌ای از شیعیان، آنچه که در درجه نخست در رفتار مشاهده می‌شود، اهتمام ایشان به نجات بشریت است. ولذا در آن سخنرانی که پایان عمر داعش را اعلام کردند اعلام پایان داعش در جهان بود نه در سوریه، نه در عراق و نه پایان خطر داعش برای شیعه.

شاخصه دوم: همگرایی اسلامی

یکی دیگر از مهمترین شاخصه‌های امت‌گرایی که در فرهنگ اهل بیت (ع) جایگاه ویژه‌ای داشته‌است اهتمام به همگرایی اسلامی است. پیامبر (ص) از بدو ورود به مدینه تمام پیروان ادیان الهی را دعوت به همگرایی می‌کنند (قُلْ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ) (بگو: ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که جز خدای یکتا را نپرستیم) یعنی اهتمام به یک تجمع حول یک محور مشترک و آن هم توحید است که در آیات قرآن منعکس شده و در رفتار پیامبر هم نسبت به افراد دیگر دیده می‌شود، همین وضعیت یعنی اهتمام به همگرایی اسلامی را ما در سخنان و رفتار اهل بیت (ع) می‌بینیم.

حضور افراد با سلیقه‌ها و افکار مختلف در مکتب امام صادق (ع) خود شاهد برای همگرایی اسلامی از نوع علمی آن است؛ گاهی اوقات اندیشه‌های مخالف مکتب و افکار امام صادق (ع) در حضور آن حضرت مطرح می‌شد که امام با سعه صدر به سخنان مخالفین گوش و پاسخ آنها را می‌دادند. بعنوان مثال: یک عده‌ای از نزدیک در مسجد النبی مشغول گفتگو بودند که یکی از یاران امام صادق (ع) به شدت بر آنها عصبانی می‌شود، وقتی که این سخن را از این فرد می‌شنوند با تعجب به او نگاه می‌کنند، ابن ابی العوجاء می‌گوید: من فکر می‌کنم از شاگردان جعفرابن محمد هستی ولی جعفرابن محمد اینگونه برخورد نمی‌کند، سخنان ما را به گونه‌ای گوش می‌دهد که ما فکر می‌کنیم حرفهای ما را پذیرفته است؛ ولی وقتی که حرفهای ما تمام می‌شود با استدلال‌هایی سخنان ما را به گونه‌ای پاسخ می‌دهد که ما نمی‌توانیم در مقابل او دلیل دیگری ارائه کنیم. این روش امام صادق است که مورد اعتراف دشمنان هم قرار می‌گیرد.

این همگرایی اسلامی در رفتار شهید سلیمانی نیز مشاهده می‌شود، رفتار شهید سلیمانی در جامعه‌ی اسلامی به گونه‌ای بود که وقتی خیرشهادت ایشان منتشر شد همه از شهادت ایشان اظهار تأسف کردند، حتی افرادی از کشورهای دیگر با هزینه‌ی شخصی برای حضور در تشیع جنازه ایشان شرکت کردند. که منشأ این جایگاه اهتمام ایشان به همگرایی اسلامی است.

شاخصه سوم: موقعیت‌شناسی

یکی از مهمترین مؤلفه‌ها در ایجاد همگرایی اسلامی موقعیت‌شناسی و حرکت به هنگام است؛ که در ایجاد همگرایی اسلامی می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد، در تاریخ اسلام برخی اقدامات صورت گرفته اما چون به هنگام نبوده اثر خودش

را نداشته است. بعنوان مثال: حرکت توابعین که با دوازده هزار نفر شروع شد و منجر به کشته شدن تعداد زیادی از شیعیان شد، ولی با این حال نتیجه خاصی بدنبال نداشت!!! چون اقدام آنها اقدام به موقعی نبود، اگر همین افراد اقدام به موقعی انجام داده بودند آیا واقعه اسف بار کربلا اتفاق می‌افتاد؟ مطمئناً واقعه عاشورا به آن شکل واقع نمیشد، ممکن بود که امام با هم به شهادت برسند ولی قطعاً به آن شکل رخ نمی‌داد، ولی چون حرکت توابعین، حرکت به موقع نبود، هم امام حسین (ع) با یارانشان به آن شکل به شهادت رسیدند و هم حرکت توابعین بی‌فایده بود. یعنی اثری در جامعه جز کشته شدن خودشان نداشت، بلکه یک خسارت بزرگ برای جامعه‌ی شیعه بود، چون عده‌ی زیادی که کشته شدند حداقل در گروه شیعه قرار می‌گرفتند هر چند شیعیان راستین نبودند. و این موقعیت‌شناسی در رفتار شهید سلیمانی به وضوح دیده می‌شود. بعنوان مثال: کسانی که خانواده‌شان در محاصره‌ی داعش قرار گرفته بودند به شدت در اضطراب قرار داشتند و هر لحظه امکان سقوط آن شهر و آن منطقه وجود داشت ولی به محض ورود شهید سلیمانی فارغ از این که دشمن چه کاری انجام می‌دهد، روحیه‌ی مردم محاصره‌ی داعش تغییر کرد، و اوضاع دگرگون شد، پس اقدام به موقع می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بگذارد.

شاخصه چهارم: احساس مسئولیت

یکی از مهمترین نکات دیگری که می‌توانیم مورد توجه قرار بدهیم احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعان است که بعنوان یک شاخصه‌ی مهم امت‌گرایی در فرهنگ اهل بیت (ع) زمانی که از حق خود که خلافت و زمامداری حکومت باشد، می‌گذرند کاملاً مشهود است. برای اینکه جامعه به آن آرمان و هدف خودش برسد و جامعه دچار مشکل نشود. که نمونه بارز آن جریان صلح امام حسن (ع) است که برایشان تحمیل شد، و از مهمترین نکاتی که امام به آن توجه داشتند حفظ آن جامعه‌ی شیعه و مسلمان بود که بعدها گروهی از مردم ایشان را (مضل المؤمنین) (خوارکننده مؤمنین) خطاب می‌کردند ولی ایشان در جواب می‌فرمودند: (انا معز المؤمنین) (من به مؤمنین عزت دادم) که مهمترین هدف خودشان را حفظ این جامعه می‌دانستند. پس احساس مسئولیت نسبت به جامعه و نسبت به هم‌نوعان از مهمترین شاخصه‌های امت‌گرایی است، که در رفتار شهید سلیمانی هم دیده می‌شود.

شاخصه پنجم: انتظار

انتظار بعنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های امت‌گرایی در فرهنگ اهل بیت (ع) و امروزه هم بعنوان یکی از مهمترین نکات در جامعه‌ی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد، در سایه‌ی انتظار بسیاری از تضادها ممکن است برطرف بشود که به گونه‌های مختلفی مطرح می‌شود.

ما وقتی که روایات مهدویت را بررسی می‌کنیم در سخن هر کدام از معصومان نشانه‌هایی از مهدویت و انتظار را می‌توانیم ببینیم. اگرچه گاهی اوقات در دوره‌ها به دلیل کج فهمی برخی از شیعیان یا مدعیان تشیع این جریان انتظار به دلیل سوء برداشت از روایات، دچار انحرافات شده اما همواره مورد توجه اهل بیت (ع) بوده و راه درست را با روایات و سخنان خودشان به شکل‌های مختلف برای ما تبیین کردند. همواره انتظار بعنوان موتور پیشران جامعه شیعه مورد توجه پیروان اهل بیت (ع) بوده و این را ما در فرهنگ، رفتار و سخنان شهید سلیمانی به وضوح می‌توانیم ببینیم.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی مهرورزی بر مردم، سخت گیری با دشمنان در مرام شهید سلیمانی

ارائه کننده: حجت الاسلام و المسلمین خدا مراد سلیمیان

ناقدین: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد تقی اسلامی، دکتر احمد شاکر نژاد

دبیر علمی: دکتر ذوالفقار ناصری



خداوند تبارک و تعالی طبق آیات و روایات، انسان را آمیخته از خوی حیوانی و فرشته ای خلق کرده است. اگر به بعد حیوانی تمایل داشته باشیم، از حیوانات پست تر خواهیم شد و اگر به بعد ملکی و فرشتگانی تمایل پیدا کنیم، از فرشتگان برتر خواهیم شد. در پی این رخداد، دو جبهه حق و باطل شکل خواهد گرفت. جبهه باطل شامل انسان هایی با خوی حیوانی است و جبهه حق شامل افرادی است که خوی فرشتگانی دارند. قرآن کریم از این حقیقت پرده برمی دارد و آن را حاصل ابتلاء و امتحانات انسان در این مسیر می داند. خداوند پیامبران را فرستاد تا هدایت انسان ها را بر عهده گیرند و بشریت را به مسیر درست راهنمایی کنند. گروهی از انسان ها از پیامبران الهی اطاعت کردند و گروه دیگری در مقابل پیامبران ایستادند تا زمانی که حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر مبعوث شد تا مردم را مورد هدایت الهی قرار دهد. امروزه ما وارث هدایت پیامبران الهی، پیامبر خاتم و پیشوایان معصوم هستیم تا از آنها بهره ببریم و با مبارزه با خوی های حیوانی در مسیر هدایت قرار بگیریم و به جایگاهی که خداوند متعال در مورد آن فرمود: «تبارک الله احسن الخالقین» برسیم. خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مائده می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست). این آیه شامل افرادی می شود که ثابت قدم نیستند و زمانی که به جایگاه ایمان می رسند، مجدداً در دره مهالک سرنگون می شوند و مانند گذشته

دچار شرک و کفر می شوند. این افراد آسیبی به پروردگار متعال نمی زنند و باید بدانند که در آینده، خداوند افرادی را خواهد آورد که شش ویژگی و صفت برجسته دارند:

۱- خداوند آن افراد را دوست می دارد و آنها دوستان خداوند هستند.

۲- آنها نیز خدا را دوست می دارند.

۳- آن افراد اَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ هستند؛ یعنی با کفار با نهایت سرسختی برخورد می کنند. واژه عزیز به معنی که غیر قابل نفوذ است می گویند و در اینجا به این معنا است که کافران نمی توانند به آنها نفوذ کنند و این افراد هستند که در سد کفار نفوذ می کنند.

۴- اَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ و ویژگی دیگر این افراد است که به معنای این است که آن افراد در برابر کفار، مستحکم و استوار و سخت گیر هستند و در برابر مؤمنان، فروتن و خاشع هستند.

۵- برجسته ترین صفت آنها این است که يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ هستند. ذلت و فروتنی در برابر مؤمنان و سختی در برابر کافران، در پرتو جهاد در راه خدا به دست می آید.

۶- هرگز ترسی و نگرانی از طرف ملامتگران، بر این افراد عارض نمی شود. (ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) به معنای بشارت بسیار بزرگی است که خداوند به اقوامی که پس از افرادی که از دین خدا برگشتند، داده است. این مسئله در گستره تاریخ پس از بعثت رسول گرامی اسلام قابل مشاهده است. افرادی بودند که در زمان ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر زمان ها زندگی می کردند و مصداق بارز این آیه شریفه بودند.

خداوند به این افراد در آیه ۹۶ سوره مریم، بشارت ارزشمندی داده است: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به زودی [خدا] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد). در طول تاریخ انسان های برجسته ای وجود داشتند و با وجود این که ما در آن زمان حضور نداشتیم، اکنون که از آنها یاد می کنیم نسبت به آنان احساس محبت می کنیم. مصداق بارز این آیه شریفه در دوران معاصر، حضرت امام خمینی (ره) هستند. خداوند متعال محبتی نسبت به ایشان در دل همه انسان ها با آیین و مذهب متفاوت، قرار داد که انسان های زیادی در پرتو تلاش های آن مجاهد کبیر به فیض هدایت رسیدند.

نکته پایانی در این بخش، این است که امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل کردند که ایشان فرمودند: (مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاةٍ؛ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛ هر کس آنچه را میان او و خداست اصلاح نماید، خداوند آنچه را بین او و مردم است اصلاح کند. و هر کس کار آخرتش را به اصلاح آورد،

خداوند کار دنیاایش را اصلاح کند. و آن را که از خود بر خود واعظ است از خدا بر او نگهبان است). همچنین حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه در فرای می فرماید: (وَإِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ؛ شایستگان را به ذکر خیری که خداوند بر زبان بندگان جاری می کند می توان شناخت). افرادی که تا قبل از شهادت سردار سلیمانی نامی از او نشنیده بودند نیز زمانی که در جریان فعالیت های ایشان قرار می گیرند، در وجود خود احساس غریبی نسبت به شهید سلیمانی پیدا می کنند. شهید سلیمانی مصداق بارز آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) و فرمایش حضرت علی (ع) هستند.

مهرورزی با مردم، سخت گیری با دشمنان بر اساس قرآن و روایات

انسان در دین اسلام می تواند رفتاری را با گزینش نسبت به دو سویه جبهه حق و باطل، انتخاب کند زیرا برای مسلمانان رفتارهایی نسبت به هر کدام از این دو سویه تعریف شده است. خداوند متعال در آیات متعددی مثل آیه ۲۹ سوره فتح می فرماید: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می بینی فضل و بخشندی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است) که بیانگر چگونگی مسئولیت مسلمانان در قبال این دو جبهه است. در تفسیر و شأن نزول این آیه گفته شده که بارزترین، بالاترین و عالی ترین مصداق (وَالَّذِينَ مَعَهُ)، حضرت امیر المؤمنین علی (ع) است ولی این آیه قابل انطباق بر دیگران نیز می باشد. افرادی که ادعا می کنند مسلمان و پیرو پیامبر هستند باید دو صفت در آنها وجود داشته باشد؛ صفت نخست شامل دارا بودن ویژگی (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ) است. یعنی در برابر دشمن نفوذ ناپذیر باشند و با آنها در نهایت خشم و غضب برخورد کنند. متأسفانه امروزه بسیاری از مسلمانان و مسئولان فاقد این ویژگی هستند. صفت دوم شامل داشتن ویژگی رحیم، مهربان، مهرورز بودن در برابر مردم و بشریت است. این ویژگی فقط به معنای الزام محبت به دوستان نیست بلکه می توان به کسانی که خوی دشمنی و کفر ورزی ندارند نیز مهرورزی کرد. ما مسلمانان موظف به اطاعت دستورات دینی و پیامبران هستیم و همچنین باید در برابر دشمنان در نهایت شدت و غلظت و در برابر دوستان خداوند در نهایت شفقت و مهربانی رفتار کنیم. شاخص سنجش میزان اعتبار ایمان انسان ها، میزان برخورد شدید آنها با دشمنان خداوند و میزان برخورد محبت آمیز آنها با دوستان خداوند است. به عبارت دیگر معیار و میزان ایمان، بحث تولی و تبری است.

مهرورزی بر مردم، سخت گیری با دشمنان در مرام شهید سلیمانی

در طول تاریخ انسان هایی را مشاهده کردیم که با دشمنان در نهایت شدت

برخورد کردند ولی نتوانستند در برابر انسان های معمولی و عموم مردم، شفقت و مهربانی را به شایستگی انجام دهند. همچنین افرادی بودند که با عموم مردم در نهایت مهرورزی برخورد می کردند ولی نمی توانستند در برابر دشمنان با نهایت شدت برخورد کنند. هر کدام از این دو گروه کاستی هایی دارند. نکته حائز اهمیت، به اوج قله رسیدن انسان هایی است که بتوانند کاملاً این دو صفت را در مقابل یکدیگر و در نهایت ممکن، اعمال کنند. به عنوان مثال حضرت علی (ع) در برابر دشمنان خدا در نهایت خشم و غضب است و با اقتدار و توان کامل به مقابله با آنها می پردازد. همچنین ایشان زمانی که در کوچه ها قدم می زند، وارد زندگی معمول انسان ها می شود و همنشین پیرزن بی بضاعت می شود و یتیمان را در آغوش می گیرد. زمانی که حضرت علی (ع) وارد زندگی انسان ها می شود، تمام صفت شجاعت و خشم در برابر دشمن را از بین می برد و در نهایت تواضع و فروتنی با انسان ها رفتار می کند.

از زندگی سردار سلیمانی نمونه هایی وجود دارد که نشان می دهد ایشان با توسل به معصومان علیه السلام این صفات را در خود به اوج رساندند. سردار سلیمانی خود را حریف بالاترین رتبه و حاکم اجرایی ایالات متحده می دانست و با آنها در نهایت سخت گیری برخورد می کرد. همچنین ایشان در مقابل فرزند شهید و عموم انسان ها با محبت و مهرورزی برخورد می کرد. مهرورزی شهید سلیمانی منحصر به هم کیشان و هم مذهبان نبود و شامل سایر پیروان ادیان نیز می شد. زمانی که مواجهه با داعش در عراق صورت گرفت، بسیاری از افرادی که مسلمان و شیعه نبودند نیز به محبت و مهرورزی سردار سلیمانی اذعان داشتند. بر اساس آیات قرآن و فرمایشات معصومین نتیجه میگیریم که باید این ویژگی را در شخصیت خودمان ایجاد کنیم. به عبارت دیگر باید در برابر دشمن با نهایت شدت برخورد کنیم و در برابر دوستان خداوند در نهایت تواضع و فروتنی قرار بگیریم. شهید سلیمانی مصداق بارز این دو ویژگی هستند.

نشست علمی «بررسی ویژگی های شخصیتی و معرفتی حاج قاسم سلیمانی»

ارائه کننده: **حجت الاسلام والمسلمین صلاح الدین شمس الدینی**

دبیر علمی: **دکتر سید حامد شاهرخی**



رابرت در کتاب هانیبال (پدر استراتژی نظامی) می نویسد: کودکی، سوگند خورده بود که از زمامداران روم که مردم شمال آفریقا را قتل عام کرده بودند، انتقام بگیرد؛ سالها گذشت تا که او یک مرد برومند شد، فیل هایی را تربیت کرد و تخت هایی را ساخت، تصمیم گرفت از رودهای خروشان و کوه های آلپ بیاید و از مردم روم (ایتالیای فعلی) انتقام بگیرد، او در یک عملیات برق آسا، رویای کودکی اش را عملی کرد و موجب حیرت همگان شد. رابرت در ادامه می نویسد: این حادثه ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد اتفاق افتاده ولی همچنان در دانشگاه های دنیا، استراتژی هانیبال را بررسی می کنند که چگونه توانست وارد روم بشود؟ با اینکه بیش از چند هزار سال از عملیات هانیبال می گذرد؛ اروپایی ها، وقتی می خواهند بگویند مواظب دشمن باشید، می گویند: هانیبال پشت در است، یا وقتی مادری می خواهد فرزندش را بترساند می گوید، هیس هانیبال پشت در است.

داستان هانیبال را با مقایسه ای بین او و سردار سلیمانی، در یک جلسه سخنرانی که در خانه پدری شهید سلیمانی دایر شده بود بیان کردم. و در خطاب به پدرش عرض کردم: مش حسن، وقتی امروز نام فرزند شما را، به گوش دشمنان اسلام و بشریت که در شمال آفریقا، لبنان، فلسطین، سوریه و عراق حضور دارند، می شنوند، وحشت به جانشان می افتد، سردار سلیمانی که کنار منبر نشسته بود، مرتب میزد به پای من و می گفت ادامه نده.

بعد از سخنرانی، سردار خطاب به من فرمود: داستان خوبی بود فقط ای کاش با من مقایسه نمی کردی و در ضمن من دوست ندارم بچه ها از من بترسند، و تا من زنده ام از من تعریف نکن ولی بعد از شهادتم در محافل خصوصی بازگوکن.

فرماندهی که به اشعار تأمین داد

سردار سلیمانی زمانی فرمانده امنیت جنوب شرق شدند که اشعار با گروگان گیری از خراسان جنوبی تا شیراز منطقه ناامنی ایجاد کرده بودند، که موجب تعطیلی شرکت های معدنی متعددی شده بود، به حدی که کسی جرأت نمی کرد با ماشین به جیرفت و بندر عباس برود، ولی ایشان در مدت کوتاهی در منطقه جنوب شرق امنیت را برقرار کرد.

یکی از کارهای زیبای سردار این بود که اشعار را تأمین داد و در طرح احرار به آنها زمین کشاورزی داد، و امنیت جنوب شرق را به دست خود احرار که همان اشعار سابق بودند، برقرار کرد.

یکی از بزرگان بلوچ می گفت: هیچ کس به اندازه سردار سلیمانی به ما مهربانی نکرد گاهی در عمق صد کیلومتری خاک پاکستان و افغانستان برای آزاد کردن گروگان های ما می رفت، ولی نمی گذاشت به کسی آسیب برسد.

مباحثه با سردار سلیمانی در مورد ولی فقیه

یکبار ایشان به من گفت که ولی فقیه را در یک جمله بیان کن، گفتم: فقیه از شاه بهتر است. گفت کمی بیشتر توضیح بده. گفتم: خداوند به موسی فرمود:

(أَذْهَبَ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ ظَعْنِي) فرعون طغیان کرده و او را به یکتا پرستی دعوت کن، موسی عرض کرد: (قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي؛ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي؛ يَفْقَهُوا قَوْلِي) و خداوند در جواب موسی فرمود: تو و برادرت با نشانه های من به سوی فرعون بروید و در یاد من سستی نکنید، و از او هم نترسید، من با شما هستم.

و این همراهی خداوند به قدری شدت پیدا می کند که کیفیت خانه سازی را به او می آموزد، می فرماید: (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأَ لِقَوْمِكَ مِمَّا يَمْضَرُّ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً)؛ و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و [اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت]، خانه هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید [و توهم ای رسول! مؤمنان را] [به فتح در دنیا و بهشت در آخرت] بشارت ده.

بر اساس آیات فوق پشتوانه ولی فقیه، خداوند تبارک و تعالی است که می خواهد مردم را برای ساختن یک جامعه ایده آل ترغیب کند.

طالوت و جالوت

بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی دچار تفرقه شدند که جالوت توانست بر آنها مسلط شود، نزد پیامبر خود آمدند و از ظلمی که بر آنها می رفت به پیامبر معاصر (حضرت اشموئیل) خود، شکایت کردند و از او خواستند که یک فرماندهی را انتخاب کند تا بتوانند تحت فرماندهی واحد به جنگ با جالوت بپا خیزند و شوکت از دست رفته خویش را بدست آورند، طبق دستور خدا حضرت اشموئیل، طالوت را که یک جوان مؤمن ولی فقیر بود بعنوان فرمانده آنها منصوب کرد. بنی اسرائیل لب به اعتراض گشودند، که طالوت فقیر است!! چگونه می تواند فرمانده ما بشود؟ ولی خداوند در جواب آنها فرمود: (او هم توانایی علمی دارد و هم جسمی)

در این آیات خداوند کسی را غیر از پیامبر یعنی حضرت طالوت را، معرفی می

کند تا مردم تحت فرماندهی او بتوانند حکومت از دست رفته ی خود را بازیابی و بازسازی کنند؛ این آیه یکی از آیاتی است که ضرورت حکومت، تحت رهبری ولی فقیه را بیان می کند.

خدانجات داد

گوشی زنگ خورد، آقای فتحعلی حمزه جواران پشت خط بود و گفت: فردا برای کوهنوردی دعوت سردار درقنات ملک هستیم، در کوه های قنات ملک، قارچ های خوش طعم آن، منظره زیبایی را خلق می کند، که یکی از سنت های قدیمی آن منطقه، چیدن قارچ هایی است که خدا به مردم آن منطقه هر ساله هدیه می کند.

دوستان مدعو همگی جمع شدند و با ماشین به سیر خود ادامه دادیم تا به یک جوی آبی که معروف به زردآلو است، رسیدیم اینجا اولین قدم برای شروع پیاده روی بود چون بعد از زردآلو، عبور ماشین سخت بود همه پیاده شدیم، سردار دوستان را به دسته های دوتایی تقسیم کرد و من با سردار همراه شدم، پیاده روی را شروع کردیم و موضوع میزبانی سردار از احمد شاه مسعود را از ایشان پرسیدم، در این حین یکی از دوستان اطلاعاتی آمد و کروکی پیچ در پیچ ادامه راه را به ما متذکر شد و گفت که پیاده روی زیاد برای سردار سم است و ترکش های کمزش اذیت می کنند؛ به هر حال ما راه صعب العبور کوهپیمایی را با ماشین رفتیم. پیچ اول و دوم را با دنده عوض کردن های پی در پی راننده اطلاعاتی مان رد کردیم، هنوز به پیچ سوم نرسیده، ماشین دنده نخورد، و خلاص شد؛ صد متر راه رفته را برگشتیم، و خدا رحم کرد که ماشین با خاکریز اطراف جاده برخورد کرد و ما پرت شدیم بیرون، بلاخره جاده ای که از پائین بدون رهرو بود و موجب رانش زمین شده بود کار خودش را کرد. عین کسانی که از طوفان شن برگشته اند سرو رویمان خاکی شده بود؛ جمعیت دورمان را گرفتند، خوشبختانه اتفاق خاصی نیفتاد، بعد از این ماجرا سردار از من پرسید: شیخ صلاح! ما پریدیم یا پرت شدیم؟!؟ من گفتم: پریدیم؛ ولی سردار گفت: نه خیر، ما پرت شدیم؛ چون من هیچی یادم نیست ما پرت شدیم و خدا ما را نجات داد.

احمد شاه مسعود، یکی از صحابه!

بعد از حادثه برگشت ماشین که بهخیر گذشت ادامه سوالم در مورد میزبانی از شاه مسعود را پرسیدم. سردار در جواب گفت: شیخ صلاح، مرزبندی های شیعه و سنی را که ما درست کردیم، دستمان را بسته است، ای کاش زمانیکه شاه مسعود یک تنه، در دره پنج شیر مقابل امپریالیسم ایستاد، آن موقع فرمانده نیروی قدس بودم و به این مرد کمک می کردم، مردم مسلمان شرق، مدیون شاه مسعود هستند؛ زمانیکه کمونیست در افغانستان، دین مردم مظلوم و فقیر را می خرید و تمام ثروت و ارزش های افغانستان نابود می شد؛ این مرد با شوروی جنگید، اگر این آدم در صدر اسلام بود نامش بعنوان یک صحابه ی بزرگ در کنار مالک اشتر می درخشید.

عامل حادثه ۱۱ سپتامبر

ایشان بعد از حادثی که در شمال لبنان افتاده بود، با بن لادن ارتباط برقرار کرده بود.

از وی پرسیدم: حادثه ۱۱ سپتامبر کار بن لادن و نیروهایش بود؟

گفت: بله! اگر ما مسلمانان به این ها ضربه نزنه بودیم، دماغ آمریکا را به خاک میمالدند، ما هرچه می کشیم از داخل است، بله این کار بن لادن و نیروهایش

بود گفتیم: مهمان شما بوده؟

گفت: بله ما باید در مشترکات مان که استکبارستیزی است در یک راه حرکت کنیم.

علت انحراف داعش

سردار گفت: داعش یک برداشت غلطی از آیات جهاد و تفسیرهای سید قطب دارد، و روحانیون موظف هستند روشن گری کنند؛ بسیاری از کسانی که به داعش پیوستند روزی در بوسنی (هرزگووین) در دشت کزوئوکنار نیروهای سپاه می جنگیدند ولی چرا الان با ما سر جنگ دارند؟ فقط جهالت؛ اینها را به سوریه و عراق آورده؛ کسی اینها را ارشاد نکردند؛ ما در روشن گری ضعیف عمل کردیم.

سردار به خود افتخار می کند

سردار می گفت: افتخار می کنم آنجایی که توانستم نقش مرجعیت را در حوادث عراق با التماس جا بیندازم و حکم جهاد را از آیت الله سیستانی بگیرم و الا داعش؛ بغداد، کربلا و نجف را در نور دیده بود و امروز اثری از شیعه نبود، تمام اماکن مقدسه مشرفه ما را نابود می کردند.

فعال باشیم نه منفعل

سردار می گفت: همیشه نباید ما منتظر باشیم که آمریکایی ها در خلیج فارس چه کاری خواهند بکنند، بعد ما واکنش نشان بدهیم، اگر خلیج فارس برای ما ایمن نباشد و نتوانیم از آن استفاده کنیم باید برای آمریکایی ها هم اینگونه باشد، گاهی باید ما واکنش نشان بدهیم و آنها منفعل شوند.

روزی آیت الله هاشمی شاهرودی (رئیس سابق قوه قضاییه) که می دانست من با سردار سلیمانی ارتباط رفاقتی دارم، مبلغی دلار بعنوان امانت به من تحویل داد که به دست سردار برسانم؛ و من برای تحویل امانتی به دفتر کار سردار موقع ظهر رسیدم، و ایشان در جلسه بودند؛ منتظر نشستم تا سردار جلسه اش تمام شود تا با هم ناهار بخوریم، غذای ما را آماده کردند ولی جلسه سردار تمام نشد و غذا سرد شد و از دهن افتاد، غذا را بردند که گرم کنند ولی باز غذا سرد شد، و جلسه سردار ادامه داشت، بالاخره جلسات پی در پی سردار تمام شد و ما مشغول صرف ناهار گرمی که چندبار سرد شده بود، شدیم، که تلفن زنگ خورد و با سردار کار فوری داشتند، من صدای گریه های مادری را که با لهجه کرمانی حرف می زد، می شنیدم. سردار گفت: مادر جان: چه اتفاقی افتاده؟ مادر: دخترم در حال رانندگی بوده، باد روسریش را می اندازد، که نیروهای انتظامی بعنوان هنجارشکن او را گرفته، و ماشین را توقیف می کنند. شما که دخترم را می شناسید؟

هم زمان که صدای گریه های آن مادر را می شنیدم، متوجه دستان سردار که از روی خجالت می لرزید شدم و مرتباً از آن مادر معذرت خواهی می کرد، و قول پیگیری را دادند؛ ایشان با نیروی انتظامی آن منطقه تماس گرفتند و قضیه ختم به خیر شد و آن مادر هم از نگرانی در آمد.

من با آستین کوتاه وارد سپاه شدم

سردار می گفت: شیخ صلاح، من روزی که درگزینش سپاه به علت پوشیدن پیراهن آستین کوتاه رد صلاحیت شدم، نمی دانی چه بر من گذشت.

من یک جوان کاراته کار بودم، تیمم همانطوری بود که درگزینش بودم، به عشق اینکه خرصدام را بگیرم وارد سپاه شده بودم.

غالب قضاوت های ما در مورد جوان هایمان اشتباه است و باید دیدمان بر علیه جوان نباشد و آنها را درک کنیم.

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی

بازشناسی مؤلفه های اسطوره های ماندگار مقاومت اسلامی «شهید چمران» و «شهید سلیمانی»

ارائه کننده: دکتر محمد رضا برزویی

ناقدین: حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی ربانی

دبیر علمی: دکتر جبار شجاعی



در حوزه مقاومت وقتی ایران اسلامی را الگو و محور جبهه مقاومت تعریف می‌کنیم هر الگو قطعاً الگوهایی شخصیتی ایجاد می‌کند. در طول تاریخ اسطوره های دینی شخصیتی بسیار داشته ایم اما وقتی وارد جریان و گفتمان مقاومت می‌شویم، با اسطوره هایی بعد از انقلاب اسلامی مواجه می‌شویم که شاید شاخص ترین آنها شهید چمران و شهید سلیمانی هستند. با مرور تطبیقی سیره این دو شهید بزرگوار، از دریچه سخنان مقام معظم رهبری وارد دنیای معرفی این دو شخصیت اسطوره ای مقاومت شدیم. انقلاب اسلامی ما معادلات منطقه ای و جهانی را بر هم ریخت و منطق ساختاری و جهادی آن، مسیری را پیش برد و شاگردانی در آن تربیت شدند که نقش اسطوره ای یافتند.

برخی معتقدند هستند که پارادایم مقاومت سه بعدی است و ژئوفرننگ جدید را مقابل هژمونی لیبرال دموکرات غرب ایجاد و این هژمونی را به نوعی تحقیر کرده است.

از این رو، پارادایم مقاومت در منطقه مسیری را در پیش گرفت که جمهوری اسلامی الگوی آن شد و این جبهه به جریان تغییر شکل داد و تلاش داریم که جریان مقاومت به گفتمان برای همه کشورهای اسلامی تبدیل شود.

معنا و مفهوم مقاومت

مقاومت در اصل یعنی ایستادگی و پایداری مستمر که تقابل و ضدیت با غیر را درون خود دارد، به نوعی استمرار و پایداری بر اصول و موضع گیری ها و مقاصد و محکم روی آن ایستادن.

مقام معظم رهبری مقاومت را انتخاب راه درست و حرکت در مسیر حق بدون تسلیم شدن تعریف کرده اند که ما این تعریف را مبنا قرار داده ایم. البته مقاومت اسلامی در قرآن و سنت به معنای زیر بار ظلم و کفر نرفتن هم

تاریخچه و سابقه دارد.

بحثی که عمقی و پرچالش است و از پارادایم عاشورا تا امروز را می‌توان در بستر آن بررسی کرد.

مقام معظم رهبری بر مقاومت اسلامی به عنوان حاکمیت دینی تاکید دارند و روش این مقاومت را مبارزه با ظلم و ظالم و همکاری نکردن با ظالم و حمایت از مظلوم می‌دانند.

شش رکن مقاومت اسلامی

شش رکن مقاومت اسلامی در بیانات رهبری قابل استخراج است:

نخست آنکه مقاومت اسلامی انتخابی است.

دوم آنکه حق بودن این مقاومت برای مخاطب روشن است یعنی طریقت دارد.

سوم آنکه بدون مشکل و مانع نیست اما تسلیم ناپذیر است.

رکن چهارم آنکه پایان آن حاکمیت دینی است.

رکن پنجم دشمنی با ستمگر است.

و رکن ششم حمایت مستمر از مظلوم است.

آنچه ما دنبال می‌کنیم متضمن قهرمان انقلابی و چهره شاخص بین المللی است که در مرزها محدود نمانده است.

رهبری با این نگاه امام خمینی (ره) را اسطوره ای خاص می‌دانند.

در اسطوره شناسی عام مقاومت اسلامی به شهید چمران و شهید سلیمانی رسیدیم.

روش ما در مقاله ای که تهیه شده و اینجا ارائه می‌کنیم، سند پژوهشی بود و تحلیل مفهوم کردیم.

چهار مؤلفه اساسی دو شخصیت اسطوره ای جبهه مقاومت

در بررسی به چهار مؤلفه اساسی در این دو شخصیت اسطوره ای جبهه مقاومت رسیدیم:

نخست آنکه اسطوره های مقاومت اسلامی ذوابعادی و عظمت وجودی هستند. امری که درباره هردوی این شهدای بزرگوار صادق است.

آنها نخبه بودند و رهبری و اخلاص و دلیری داشتند.

دوم آنکه در حوزه های مختلف فردی تک بعدی نبودند.

آنها اثر اجتماعی عظیم در حوزه بین الملل داشتند.

سومین مؤلفه آنکه حرکت آگاهانه در مسیر حق و حقیقت داشتند. اینطور نبود که ساختارها آنها را به حرکت در بیاورند بلکه آنها ساختار را به جنبش وامی داشتند.

مؤلفه آخر آنکه با مستکبران دشمن و نسبت به مظلومان حامی و همراه بودند.

در بخش پایانی مقاله به اینجا رسیدیم که روایت بهم پیوسته و یکپارچه از شخصیت این دو اسطوره ارائه کنیم.

ویژه نامه

همایش ملی

شهرید سلیمان و کتب انشطار و محتوا و روش

پوستر کرسی های ترویجی و نشست های علمی



دفتر نشر و نشریات آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

سومین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

انتظار و مقاومت
در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین استاد مجتبی کلباسی
جناب آقای دکتر محمد استحقاقی

دبیر علمی:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسلم کانیاب

زمان: یکشنبه ۱۴۰۰/۴/۶ | ساعت ۱۱ الی ۱۳
مکان: قم؛ پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | میر تقی میری بنیاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران | مرکز همگامی های علمی و بین الملل

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

دومین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

ظرفیت های الگویی یاران قیام قم
در آمادگی ظهور منجی

بانانگید بر سیر و عملگر د شهید حاج قاسم سلیمانی

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهر روزی لک

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصابر جعفری

دبیر علمی:
جناب آقای دکتر سید حامد شاهرخی

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۰/۴/۲ | ساعت ۱۱ الی ۱۳
مکان: قم؛ پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | میر تقی میری بنیاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران | مرکز همگامی های علمی و بین الملل

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

پنجمین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

شهید سلیمانی مجاهد کبیر
عصر انتظار

ارائه دهنده:
جناب آقای دکتر محمدعلی مشایخی پور

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رحیم کارگر
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نبی الهی

دبیر علمی:
جناب آقای دکتر علی خلیلی طسوجی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ | ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: تهران؛ دانشگاه جامع امام حسین

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | دانشگاه جامع امام حسین | مرکز همگامی های علمی و بین الملل پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

چهارمین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

شهید سلیمانی
تجسم اخلاق و بصیرت

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی عباسی زاده

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی فیروز مهر
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی خراسانی

دبیر علمی:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسلم کانیاب

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ | ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ خیابان معلم، ساختمان پژوهشگاه فرهنگ، معارف و قرآن، طبقه اول، تالار شیخ طبرسی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | پژوهشگاه فرهنگ و معارف قرآن | میر تقی میری بنیاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران | مرکز همگامی های علمی و بین الملل

لینک ورود به جلسه: Dte.bz/quranconf

هفتمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

فراخوانش از سید الشهدا

بررسی مؤلفه های رفتاری انتظار جهادی

در سیره سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن ملایی
مدیر گروه مطالعات اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود ملکی راد
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن غفاری فر
استادیار دانشگاه علوم و معارف ژرفا موسسه آموزش عالی امام رضا

دبیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسلم کاهناب
محقق پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

زمان: یکشنبه ۱۶/۰۸/۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲

مکان: قم: پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همگامی های علمی و بین الملل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<http://dte.bz/mahdaviyat> | لینک ورود به جلسه

ششمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

فراخوانش از سید الشهدا

بررسی جایگاه و نقش امامت و ولایت

در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده: جناب آقای دکتر محمدعلی مشایخی پور
استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد
دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی رئیس پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود پاکیزه
استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) نماینده ولی فقیه در دانشگاه جامع امام حسین

دبیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نبی الهی
استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین

زمان: شنبه ۰۸/۰۸/۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲

مکان: تهران: دانشگاه جامع امام حسین

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | دانشگاه جامع امام حسین | مرکز همگامی های علمی و بین الملل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<http://dte.bz/mahdaviyat> | لینک ورود به جلسه

نهمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

فراخوانش از سید الشهدا

مقایسه تطبیقی مکتب امام خمینی و مکتب شهید سلیمانی

در نظام معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

ارائه دهنده: جناب آقای دکتر محمود قاسمی
پژوهشگر معارف انقلاب اسلامی

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد
عضو هیات علمی و دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
جناب آقای دکتر محمد رجبی
استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی

دبیر علمی: جناب آقای دکتر ابوالفضل معصومی
پژوهشگر معارف انقلاب اسلامی

زمان: سه شنبه ۲۵/۰۸/۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲

مکان: تهران: خیابان جمهوری، فلسطین جنوبی، خیابان هلالی، پلاک ۳۱ اسان جلسات

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همگامی های علمی و بین الملل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<http://b2n.ir/korsielmi> | لینک ورود به جلسه

هشتمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

فراخوانش از سید الشهدا

انتظار و مقاومت اسلامی

در مکتب شهید سلیمانی و تحلیل قرآنی آن

ارائه دهنده: سرکار خاتم خدیجه حسین زاده
پژوهشگر و مدرس جامعه الزهراء

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق بوشقی مقدم
دانشیار رئیس پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
سرکار خاتم دکتر رحمانه حقانی
مدیر پژوهش جامعه الزهراء

دبیر علمی: سرکار خاتم فرزانه سبحانی
محقق پژوهشگر

زمان: یکشنبه ۰۷/۰۹/۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲

مکان: قم: جامعه الزهراء

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | جامعه الزهراء | مرکز همگامی های علمی و بین الملل پژوهشگاه

<http://online.ejz.ac.ir/rbhyyb897yoy/> | لینک ورود به جلسه

یازدهمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

شهادت سلیمانی، انسانی در تراز انقلاب اسلامی

ارائه دهنده: جناب آقای دکتر امیر سیماهیوش استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

ناقدان: جناب آقای دکتر رضا عیسی نیا استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
جناب آقای دکتر لپوثر جیبی استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

دبیر علمی: جناب آقای دکتر روح الله پرهیزکاری استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

زمان: شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ ساعت ۰۸:۳۰ الی ۱۰
مکان: قم؛ خیابان جمهوری، دانشگاه معارف اسلامی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | دانشگاه معارف اسلامی | مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

دهمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

کارگردان شخصیت شناسی شهید سلیمانی در الگودهی نسل منتظر

ارائه دهنده: آیت الله سید ابوالفضل طباطبایی اسکندری نماینده پیشین مقام معظم رهبری در کنفرانس سوریه

ناقد: حجت الاسلام والمسلمین صلاح الدین شمس الدینی هزروه دوست خوادگی شهید سلیمان حاج قاسم سلیمانی

دبیر علمی: جناب آقای علی ابوترابی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: مشهد؛ دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | پژوهشگاه اسلام تمدنی | مرکز همکاری های علمی و بین المللی

لینک ورود به جلسه: <https://bbb01.dte.ir/b/6ej-egz-gxv-ici>

سیزدهمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

فرهنگ انتظار و راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

شهادت شدن برای امتی در مسیر امام شدن

ارائه دهنده: جناب آقای دکتر محمدهادی همایون استادیار ریس دانشگاه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق

ناقد: جناب آقای دکتر سیدمحمد مجید مطهری نژاد استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق

دبیر علمی: جناب آقای دکتر سیدچواد حسینی استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۶ ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲
مکان: تهران؛ دانشگاه امام صادق؛ سالن شهید مطهری

جهت شرکت در جلسه از طریق فضای مجازی با ورود به لینک زیر امکان پذیر می باشد.
لینک ورود به جلسه: <https://vc.isu.ac.ir/ch/resistance-studies>

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | دانشگاه امام صادق | مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دوازدهمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علی

کارکرد انتظار و راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین محمود ملکی راد استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین حسین حسن زاده استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر کریم خانمحمدی دانشیار دانشگاه افرات العلوم

دبیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی عبیدی جاری حجت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۰۹/۰۹ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

پانزدهمین
کرسے ترویجے
عرضہ و نقد ایده علیہ

احیای بیداری اسلامی
در فرهنگ انتظار و مسلک شهید سلیمانی

ارائه دهنده
جناب آقای دکتر سید جواد میرخلیلی
استادیار گروه معارف و علوم اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

ناقدان
حجت الاسلام والمسلمین خدایر ادلسلیمان
استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن قنبری نیک
استاد یار گروه مطالعات اجتماعی جامعه المصطفی العالمیه

دبیر علمی
جناب آقای دکتر سید حامد شاهرخی
صیر اجرایی همایش و رئیس اداره پژوهش پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی

زمان: پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

مرکز همکاری های علمی و بین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

چهاردهمین
کرسے ترویجے
عرضہ و نقد ایده علیہ

بازسازی قدرت درونی مسلمانان
در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده
حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجفعلی غلامی
استادیار دانشگاه خوارزمی تهران

ناقدان
جناب آقای دکتر جعفرلی اسفندیار
استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
جناب آقای دکتر محمود فلاح
استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی
جناب آقای دکتر سید سجاده آل غفور
محقق پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

مرکز همکاری های علمی و بین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

هفدهمین
کرسے ترویجے
عرضہ و نقد ایده علیہ

توحید محوری،
مبنای تربیتی انتظار و مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده
سرکار خاتم دکتر طاهره ماهرورزاده
استادیار و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی
پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه المصطفی العالمیه

ناقدان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی کمال عزت
استادیار و معین پژوهش مجتمع آموزش عالی بنت الهدی
سرکار خاتم دکتر مرضیه اسماعیل سجادی
استادیار و معین پژوهشگاه مطالعات زانل مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

دبیر علمی
حجت الاسلام والمسلمین مهدی فصیحی
محقق پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۱۸ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان؛ بلوار امامت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مرکز همکاری های علمی و بین الملل پژوهشگاه
مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

شانزدهمین
کرسے ترویجے
عرضہ و نقد ایده علیہ

تحلیل مبانی انتظار مقاومتی
در تقابل با انتظار واپس گرا در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده
حجت الاسلام والمسلمین محمد شهبازیان
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد
دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری
دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی
حجت الاسلام والمسلمین مهدی فصیحی
محقق پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: یکشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۱۴ ساعت ۰۹ الی ۱۱
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

مرکز همکاری های علمی و بین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

نوزدهمین نشست علمی

چالش نسبت ارزش‌ها با فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر شمس الله میرچی
مدیر آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی و رئیس دانشکده باقر العلوم (ع)

دبیر علمی: جناب آقای دکتر ذوالفقار ناصری
محقق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۲۴ ساعت ۸:۳۰ الی ۱۰
مکان: قم؛ پردیسان انتهایی بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همگامی های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

هجدهمین نشست علمی

ظرفیت شناسی مکتب شهید سلیمانی در حکمرانی مقاومت در عصر غیبت

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی
مدیر آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی: جناب آقای علی ابوترابی
محقق و پژوهشگر پژوهشگاه اسلامی و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: دوشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۲۲ ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: قم؛ پردیسان انتهایی بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | پژوهشگاه اسلام نمایی | مرکز همگامی های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <https://bbb01.dte.ir/b/6ej-egz-gxv-lci>

بیست و یکمین کرسی ترویجی

عرضه و نقد ایده علمی

شاخصه های امت گرایی در فرهنگ اهل بیت با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید رضامطهری
رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد
رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجید احمدی کجایی
استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی: جناب آقای دکتر حسین قاضی خانی
استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: یکشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۰۵ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | پژوهشگاه تاریخ و سر راه اهل بیت | مرکز همگامی های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و دومین نشست علمی

الگوی سردار سلیمانی در بصیرت افزایی منتظران

ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین سعید روستا آزاد
مدیر فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی

دبیر علمی: حجت الاسلام دکتر مصطفی آزادیان
سرپرست گروه تولید محتوا معاونت فرهنگی تبلیغی

زمان: یکشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم؛ پردیسان انتهایی بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همگامی های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و سومین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

مهرورزی بر مردم، سخت گیری بادشمنان در مرام شهید سلیمانی

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین خدایار سلیمان
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی اسلامی
مدیر گروه پژوهشی اخلاق پژوهشگاه اخلاق و معنویت
جناب آقای دکتر احمد شاکر نژاد
استادیار روسی پژوهشگاه اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی:
جناب آقای دکتر ذوالفقار نامداری
محقق و دبیرشکر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۰۷ // ساعت ۱۰ الی ۱۲
مکان: قم: پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سالن جلسات پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی

مرکز همگاری های علمی وین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهنودت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و دومین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

**بررسی سیر تدریجی محبوبیت حاج قاسم سلیمانی
از ابتدای دفاع مقدس تا زمان شهادت
(رزمنده ای در تراز انسان منتظر)**

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجید احمدی کجایی
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان:
جناب آقای دکتر حسین قاضی خانی
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین محمود ملکی راد
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر پدالله حاجی زاده
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ // ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: قم: پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

مرکز همگاری های علمی وین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهنودت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و پنجمین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علی

**نقش انسجام و اتحاد مسلمانان در زمینه سازی ظهور
با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی**

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین الهی نژاد
استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان:
حجت الاسلام والمسلمین مرتضی دادپور
مدیر گروه مهنودت پژوهشگاه بنیادین الفکر المصطفی (پ)

دبیر علمی:
حجت الاسلام والمسلمین قنبر علی صمدی
استادیار جامعه المصطفی العالمیه

دبیر علمی:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر پدالله حاجی زاده
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ // ساعت ۹ الی ۱۰:۳۰
مکان: قم: پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

مرکز همگاری های علمی وین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه مهنودت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و چهارمین
نشست علمی

**بررسی ویژگی های شخصیتی و معرفتی
شهید حاج قاسم سلیمانی**

ارائه دهنده:
حجت الاسلام والمسلمین صلاح الدین شمس الدینی
دوست و همراز شهید حاج قاسم سلیمانی

دبیر علمی:
جناب آقای دکتر سعید حامد شاهرخی
نماینده هیات امنه شهید سلیمانی رئیس گروه پژوهشی مهنودت و آینده پژوهی

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۰۷ // ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: قم: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مرکز همگاری های علمی وین الملل پژوهشگاه
پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی
پژوهشگاه مهنودت و آینده پژوهی

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و هفتمین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علم

مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی

ارائه دهنده
جناب آقای دکتر جلال ریژانه
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان
حجت الاسلام والمسلمین استاد غلامرضا پاپیروزی لک
استاد دانشگاه باقر العلوم (ع)
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رحیم کارگر
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دبیر علمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر فخر فتح نهبازی
رئیس گروه آینده پژوهی علم و فرهنگ اسلامی

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ // ساعت ۸ الی ۹:۳۰
مکان: قم؛ پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تالار سردار شهید سلیمانی

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

بیست و هشتمین
کرسی ترویجی
عرضه و نقد ایده علم

بازشناسی مؤلفه های اسطوره های ماندگار مقاومت اسلامی
"شهید چمران" و "شهید سلیمانی"

ارائه دهنده
جناب آقای دکتر محمدرضا بیروزی
استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

ناقدان
جناب آقای دکتر سعیدالله زارعی
دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی تهران
حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی ربانی
رئیس انجمن علمی مهدویت حوزه علمیه قم

دبیر علمی
جناب آقای دکتر جبار شجاعی
استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

زمان: سه شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ // ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی | دانشگاه امام صادق (ع) | مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه

لینک ورود به جلسه: <http://dte.bz/mahdaviyat>

ویژه نامه

همایش ملی

شهادت شهید سلیمان و کتب انشطار و محتوا

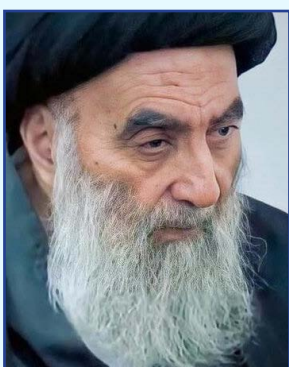
شهادت سلیمانی از دیدگاه علما و مراجع



ملت ایران نشان داد از خط مجاهدت شجاعانه دفاع می‌کند و به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد و طرفدار مقاومت است ... به حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس عزیز به عنوان یک فرد نگاه نکنیم به عنوان مکتب نگاه کنیم.



شهید سلیمانی دوران زندگی خود را وقف اسلام و خدمت به مردم و پاسداری از ارزش‌های اسلامی نمود؛ آن شهید سعید از عاشقان و دلباختگان حضرات معصومین به ویژه سالار شهیدان حضرت سید الشهدا علیهم السلام بود، که با پیروی از مکتب نورانی اهل بیت در نبرد با دشمنان اسلام و تروریست‌های خائن و کج اندیشان مذهبی در صف اول مبارزه بود.



خبر شهادت سردار عالیقدر آقای حاج قاسم سلیمانی رحمة الله علیه موجب تأسف و تأثر فراوان شد. نقش کم نظیر آن مرحوم در طی سالیان پیکار با عناصر داعش در عراق، و زحمات فراوانی را که در این راستا متحمل شدند فراموش ناشدنی است.



شهید سلیمانی مردی بزرگ و کم نظیر و بسیار آگاه بود که نام او در تاریخ اسلام و جهان به عنوان سرداری بزرگ، باقی خواهد ماند و راهش پر رهرو.



این اخلاص، ایمان، استقامت، صبر، جهاد و شجاعت شهید سلیمانی بود که موجب سعادتش شد.

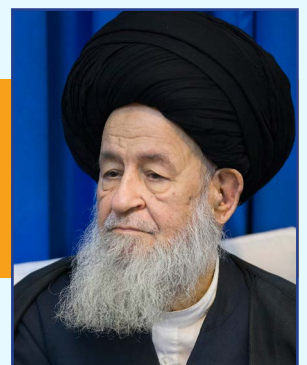
آقای قاسم سلیمانی یک فداکار و مجاهد بسیار شجاعی بود که پیوسته در راه اعتلای اسلام و حفظ ایران از اشرار خدمات عظیمی داشت.



عصاره حیات پُر برکت این شهید جاوید (شهید سلیمانی) در شهادت او ظهور کرده است. او شاگرد قرآن و عترت بود، قرآنی و ولایی فکر میکرد، قرآنی و ولایی جهاد میکرد، قرآنی و ولایی شربت شهادت نوشید.



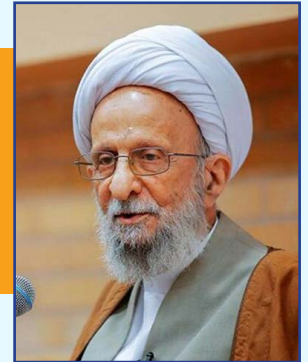
همه فعالیت و اقدامات سردار سلیمانی برای خدا بود حتی حاضر نبود بر سنگ مزارش از القاب استفاده کنند و گفت بر سنگ مزارم بنویسید: سرباز قاسم سلیمانی. از خودگذشتگی و ایثار سردار سلیمانی سبب رشد و تعالی وی شد.





نقش ارزشمند این شخصیت بزرگ (شهید سلیمانی) در صیانت از عتبات عالیات ائمه معصومین (علیهم السلام) و سال‌ها مقابله با رژیم صدام و فرقه منحوسه داعش در اذهان مؤمنین به ویژه دو ملت قدرشناس ایران و عراق محفوظ و ماندگار است.

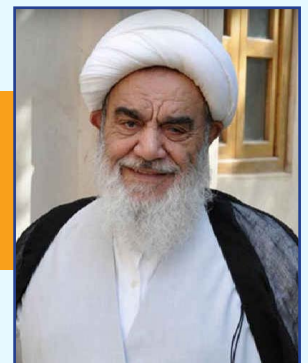
واقعاً این زندگی حاج قاسم سلیمانی (ره)، خدا او را رحمت کند، یک آیت عظیمی بود؛ یک فرمانده ارتش یا سپاهی از دنیا برود این‌گونه مردم او را تشییع کنند، علاقه به او داشته باشند، اسم او را می‌برند اشک از چشمشان سرازیر شود. حالا این اجر دنیوی اوست؛ یک گوشه‌ای از پاداشی است که خدا به او داده، اینجا نشان داده تا دیگران استفاده کنند.



مسیر انتظار نیازمند استقامت است، همچنان که شهید حاج قاسم سلیمانی از جمله عزیز امت بود که آنچنان شجاع و با معرفت بود و در شرایطی به شهادت رسید که شهادت او جهانی شد.



نقش با اهمیت و برجسته این سردار مجاهد (شهید سلیمانی) در مبارزه با گروه‌های تکفیری به خصوص داعش - که جهان اسلام را با مصائب و حوادث ناگواری روبرو ساخت، هرگز فراموش نخواهد شد.



ویژه نامه

همایش ملی

شهید سلیمان و کتب انشطار و محتوا

گزیده انعکاس خبری

مکتب خشت

همه ما باید خداوند را شاکر باشیم که ما را پیرو مکتبی قرار داد
که نجاتبخش بشریت است و نیز شکر میگوییم
که ما را از دور رهبر از سلاله پیامبر اکرم صلوات الله علیه
بهره مند کرد.

تکبیر

مکتب خشت

